

ویژه آغاز به کار
دولت سیزدهم

شهر ریور ۱۴۰۰

نیرو و سرمایه



شرکت ملی تولیدکننده برق



راهکار حل بحران برق



سندیکای شرکت های تولید کننده برق

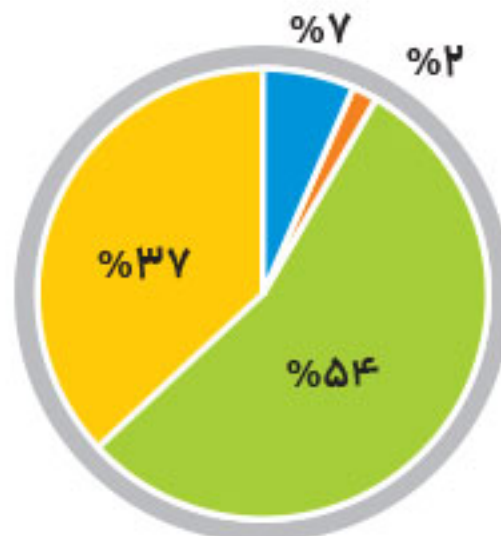
معرفی سندیکای شرکت های تولید کننده برق

سندیکای شرکت های تولید کننده برق به استناد بند «ک» ماده ۵ قانون اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران و صورتجلسه مورخ ۱۳۸۶/۲/۳۰ مجمع عمومی موسسین، متشکل از ۲۴ شرکت، در تاریخ ۱۳۸۶/۴/۴ با شماره ۲۲۴ ثبت شد.

سندیکا در حال حاضر با ۵۳ شرکت عضو که ۵۸ نیروگاه غیر دولتی در حال بهره برداری و یا در دست احداث را در بر می گیرد، در زمینه های زیر فعالیت دارد:

تلاش در رفع مشکلات سرمایه گذاران و تشویق و حمایت از سرمایه گذاری خصوصی و غیر دولتی در احداث نیروگاه، تولید برق، انجام پژوهش و برگزاری دوره های آموزشی مورد نیاز اعضا، مراقبت و حمایت از ارتقای فناوری در تولید برق، مدیریت و بهره وری در احداث و بهره برداری از نیروگاه ها، ایفای نقش اتاق فکر در مباحث مربوط به چالش های تولید برق، ارتباط و هماهنگی با سازمان ها، موسسات و نهادهای ذیربط (اعم از حاکمیت و مشتریان) به منظور استیفای حقوق اعضا و تسهیل سرمایه گذاری در تولید برق، تسهیل گری و ایجاد فرصت برای سرمایه گذاری اعضا در خارج از کشور

سهم از مجموع تولید ویژه نیروگاه های کشور (درصد)



نیروگاه های حرارتی عضو سندیکا سایر نیروگاه های حرارتی نیروگاه های برقآبی سایر

نیرو و سرمایه

ویژه آغاز به کار دولت سیزدهم

شهریور ۱۴۰۰



نیرو و سرمایه

نشریه سندیکای شرکت های تولیدکننده برق
ویژه آغاز به کار دولت سیزدهم / شهریور ۱۴۰۰
۶۴ صفحه

صاحب امتیاز:

سندیکای شرکت های تولیدکننده برق
اعضای شورای سیاست گذاری:
محمدعلی وحدتی، سیداحمد مظهري،
ابراهیم خوش گفتار، اسدالله صبوری،
حسین تقي زاده لنده، مجید شمسی،
نصرت الله کاظمی، سیدفریدالدین معصومی،
سیدحسین عبدالخالق زاده، سمیه کاظم زاده

مدیر مسئول:

پرویز غیاث الدین

سردبیر:

عباس خالدنژاد

دبیر تحریریه:

زهرا شریفی

تحریریه:

بهار میبادی، اکبر محمودی، سمیه رضوی نیا

طراح گرافیک و صفحه آرا:

امیر نعیمی

طراحی جلدها:

امیر نعیمی

عکس:

سعید کیومرثی

چاپ:

چاپخانه میران

ناظر فنی چاپ:

مهدی دیلمقانی خو

توزیع:

سعید کیومرثی

سرمایه

برق اولویت دولت سیزدهم می شود؟

بختنیر با وزیر نیرو

راهبردهایی که نادیده انگاشته شد

گره های کور صنعت نیروگاهی

لزوم احیای شورای عالی انرژی

چگونه سیاست های بخش انرژی متمرکز می شود؟

نقدی بر جایگاه صنعت برق در برنامه های توسعه

اصلاح قیمت خرید برق از نیروگاه های غیر دولتی

پروانه بهره برداری نیروگاه، جواز بهره کشی از سرمایه گذار خصوصی

راهکارهای ناگزیر توسعه صنعت برق

نجات حیات نیروگاه داران در گرو همکاری دولت و مجلس

بازی با اعداد و ابهام در گزارش دهی وزارت نیرو

موانع تجدیدساختار صنعت برق

ضرورت های توسعه صنعت برق در دولت سیزدهم

فضا برای فعالیت بخش خصوصی در صنعت برق فراهم نیست

فرار سرمایه، عامل بحران صنعت برق

مصائب ورود نیروگاه ها به بورس

ناهم ترازوی فرصت های سرمایه گذاری حوزه نیرو با سایر بخش ها

دو پیشنهاد کلیدی برای هفتمین برنامه توسعه پنج ساله کشور

در انتظار چشم اندازی روشن

دیواری بلند در برابر سرمایه گذاران

بازار

تحلیل خاموشی های ۱۴۰۰ از منظر روند سرمایه گذاری در تولید برق

بازار ظرفیت و ظرفیت های آن

موانع و راهکارهای افزایش انگیزه بخش خصوصی برای سرمایه گذاری در تولید برق

نیرو و سرمایه

ویژه نامه سندیکای شرکت های تولید کننده برق

نشانی: تهران، سعادت آباد، خیابان سرو غربی

بین چهارراه سرو و میدان کتاب، پلاک ۱۱۴، طبقه ۱، واحد ۲

کدپستی: ۱۹۹۸۹۹۴۱۹۴

تلفن: ۰۲۲-۲۲۳۸۰۰۱۵-۱۷، نمابر: ۲۲۱۴۸۱۳۸

وب سایت: www.pgcsyndicate.ir

پست الکترونیک: info@pgcsyndicate.ir



سندیکای شرکت های تولیدکننده برق



«برق» اولویت دولت جدید می‌شود؟

محمدعلی وحدتی، رئیس هیات‌مدیره سندیگای شرکت‌های تولیدکننده برق



مواجهه شود. در زمستان سال ۹۹ برای اولین بار با کاهش تولید و خاموشی مواجه شدیم که اثرات اجتماعی سنگینی را داشت و در تابستان ۱۴۰۰ کمبودها بسیار جدی تر و با حجمی بسیار وسیع تر بروز کرد.

اگر این روال به همین شکل بخواهد ادامه یابد، در سال‌های بعد با اضافه شدن مصرف و افزایش عمر نیروگاه‌های قدیمی، مساله خاموشی‌ها مساله بسیار سنگین و غیر قابل جبران خواهد شد. خصوصا اگر تلاش‌هایی که برای جهش تولید انجام می‌شود، به نتیجه برسد و توسعه جدی در صنعت صورت گیرد.

در این شرایط ضروری است گزارش‌های مبتنی بر واقعیات به مراکز و نهادهای سیاستگذار و تصمیم گیر ارائه شود. تلاش برای مساعد جلوه دادن شرایط صنعت برق در حالی که بیش از ۲۵ هزار میلیارد تومان از سرمایه‌گذاری‌های برنامه‌ریزی شده عقب و بیش از ۳۰ هزار میلیارد تومان بدهی معوق دارد، تصویری نادرست از شرایط صنعت برق را ارائه می‌کند.

ارائه گزارش‌های مثبت ولی غیر دقیق در خصوص روند سرمایه‌گذاری‌ها و افزایش ظرفیت تولید به نحوی انجام شده بود که پیش آمدن خاموشی‌ها در این حجم، برای همگان غیر قابل تصور بود. در حالی که وضعیت فعلی برای کسانی که از روند سرمایه‌گذاری در تولید مطلع بودند کاملا قابل پیش‌بینی بود.

در شرایطی که بخش خصوصی هیچ انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاری در تولید برق ندارد و کاملا ناتوان شده که حتی نمی‌تواند پاسخگوی وام‌های دریافتی برای احداث نیروگاه خود باشد، طبیعی است که ناتوانی در تامین برق مردم را به دنبال داشته باشد.

خوب بود متولیان برق کشور به جای این که خاموشی‌ها را به تولید رمازرز مربوط کنند واقعیت‌ها را دقیق تر به مسئولین می‌گفتند تا کشور هر چه زودتر در مسیر رهایی از این چالش بزرگ قرار گیرد.

واقعیت این است که رویکردها و سیاستگذاری‌های نامناسب و غفلت و کم‌توجهی به ضرورت ایجاد انگیزه و بستر مناسب برای جذب سرمایه‌گذاری در تولید برق و در نهایت عدم حمایت و توجه به لزوم استقرار نهاد مستقل تنظیم‌گر بخش برق، عواملی هستند که به درستی نشان می‌دهد مسیر طی شده در طول سال‌های اخیر درست نبوده و خاموشی‌ها از

در شرایط سخت تحریم‌های خارجی و در دوران مصافح با جامعه بشری با بیماری سخت و کشنده و واگیردار کرونا، پرستل فداکار نیروگاه‌ها، با ایثارگری و قبول خطرات و حضور دائمی در محل کار، تلاشی جدی برای تامین برق مردم، خصوصا بیمارستان‌ها و مراکز درمانی انجام می‌دهند. البته با سیاستگذاری‌های نادرست، زحمات این عزیزان به نحو مطلوبی به مردم عرضه نمی‌شود.

سال‌هاست که قیمت غیر واقعی برق به معضلی جدی تبدیل شده که صنعت برق را تحت فشار قرار داده است اگر چه بر اساس قانون، دولت مکلف است مابه‌التفاوت قیمت تمام‌شده برق را با نرخ تعرفه‌های تکلیفی بپردازد و سازمان برنامه موظف است در بودجه سالیانه پیش‌بینی و هر سه ماه یکبار تسویه حساب کند، اما در چند سال اخیر به این تکلیف به‌درستی عمل نشده است.

حاصل این رفتار دولت، تبدیل به فشار غیر قابل تحمل به بخش غیر دولتی مرتبط با صنعت برق شده که هم پیمانکاران تجهیزات برقی و هم تولیدکنندگان برق مجبور شده‌اند تبعات آن را تحمل کنند.

این مساله به صورت ویژه برای نیروگاه‌هایی که با استفاده از وام ارزی «صندوق توسعه ملی» احداث شده‌اند و به موقع به بهره‌برداری رسیده و با تولید برق در جهاد مقدس تامین نیاز اساسی مردم مشارکت داشته‌اند بسیار حاد و شدید بروز کرده است.

از یک طرف افزایش‌های شدید نرخ تسعیر ارز به صورت غیر قابل تصور و الزام وام‌گیرندگان به بازپرداخت وام دریافتی به صورت ارزی، از طرفی دیگر دریافت تنها جزیی از طلب نیروگاه‌ها (در حد هزینه‌های جاری) به ریال از وزارت نیرو، همچنین عدم امکان تهاتر طلب و بدهی در مورد وام‌هایی که منشا صندوق توسعه ملی دارند باعث شده تا همه راه‌ها برای بازپرداخت اقساط این نیروگاه‌ها مسدود شود.

اولین و مهمترین نتیجه این رفتارها، همچنین عدم تمکین مجموعه وزارت نیرو به قوانین و تکالیف مصوب و حتی قراردادهایی که با تولیدکنندگان غیر دولتی برق منعقد کرده، موجب شده تا در سال‌های اخیر هیچ سرمایه‌گذاری از بخش غیر دولتی جرات ورود به موضوع ساخت نیروگاه‌های جدید را نکند! وزارت نیرو هم که خود منابع لازم برای احداث نیروگاه‌های جدید را ندارد. حاصل این دو باعث شده تا سرمایه‌گذاری در احداث نیروگاه‌ها، متناسب با نیاز کشور انجام نگیرد و تامین برق مردم با تهدید بسیار جدی

در حوزه های مختلف تولید برق، جذب و با سیاستگذاری صحیح و بسترسازی مناسب موجبات توسعه صنعتی کشور و آسایش مردم را در مصرف برق پایدار فراهم سازد. حالا در آستانه آغاز به کار دولت جدید، امید آن می‌رود که با انتخاب نیروهای کارآمد و آشنا با مسائل صنعت برق در وزارت نیرو و ایجاد ساختاری مشارکت جو و چابک در این وزارتخانه، برای حل مشکلات چاره‌اندیشی شود. صنعت برق یک صنعت زیرساختی است که عملا همه بخش‌ها از جمله رفاه اجتماعی، امنیت، سلامت و اقتصاد وابستگی مستقیمی به آن دارند. جدی نگرفتن مشکلات این صنعت هزینه‌ها و خسارات جبران‌ناپذیری برای کشور در پی خواهد داشت که در تابستان امسال شاهد بخشی از این خسارات بودیم. وقت آن رسیده که برق و حل چالش‌های آن، خصوصا مساله اقتصاد برق به یکی از اولویت‌های دولت جدید تبدیل و در زمانی کوتاه اصلاحات لازم به عمل آید.

پیامدهای منفی این رویکرد است. در شرایطی که افزایش ظرفیت تولید با رشد مصرف همخوانی نداشته باشد و افت چشمگیر سرمایه‌گذاری‌ها و عدم توسعه زیرساختی حوزه نیروگاهی، همزمان با افزایش سالانه نیاز مصرف برق اتفاق بیافتد، طبیعی است که تحمیل خاموشی به مردم و صنایع را به دنبال خواهد داشت. درست است که برای تولید برق باید سرمایه‌گذاری نسبتا زیادی انجام داد، ولی تبعات و خسارت‌های ناشی از تحمیل خاموشی، بسیار بیشتر و سنگین‌تر است. ضمن این که خاموشی‌ها علاوه بر خسارت‌های مالی، خسارت‌های اجتماعی و سیاسی هم به دنبال دارد که محاسبه آن‌ها به سادگی میسر نیست. در شرایط فعلی و با وجود بیماری همه‌گیر کرونا تحمل خاموشی بسیار سنگین‌تر و پرهزینه‌تر است. در حالی که صنعت برق ایران، صنعتی توانمند و پیشرو است، توانایی آن را دارد که سرمایه‌های بخش غیر دولتی را





سُحْتَنِي بَاوَزِيرَنْبِرُو

راهبردهایی که نادیده انگاشته شد

گفت و گو با محمد ملاکی، رییس هیات مدیره شرکت تولیدی آراین ماهتاب گستر



امسال صدای خاموشی‌ها زودتر از همیشه به گوش رسید به طوری که از ابتدای خرداد و با افزایش دمای هوا، در همه نقاط کشور شاهد خاموشی‌های گسترده بودیم. در روزگاری که فعالیت همه صنایع، اداره‌ها، مراکز درمانی و سایر امور شهروندان به برق وابسته است، هر ثانیه خاموشی باعث ایجاد اختلال در روند فعالیت‌ها خواهد شد.

درباره چرایی بروز خاموشی و راهکارهای خروج از این بحران با محمد ملاکی، رییس هیات مدیره شرکت تولیدی آراین ماهتاب گستر، به گفت و گو پرداختیم:



خاموشی‌ها عنوان کرد. در بررسی علت خاموشی‌ها باید به موضوع سرمایه‌گذاری اشاره کرده چرا که متأسفانه سرمایه‌گذاری در صنعت برق متناسب با رشد مصرف نبوده است. دولت دوازدهم درباره برق و مصرف انرژی در کشور سیاست ناصحیحی در پیش گرفته بود در حالی که مدیریت مصرف و تقاضا در حوزه برق باید توأمان انجام می‌شد، توجه دولت وقت فقط معطوف به مدیریت تقاضا بوده است. در واقع عدم توجه به میزان عرضه ضروری برق، منجر به عدم توجه به ضرورت سرمایه‌گذاری در صنعت برق و به تبع آن خاموشی‌ها و ایجاد بحران برای کشور و فعالان این صنعت شده است. اضافه می‌کنم که در برنامه‌ها و صحبت‌های مسوولان، سرمایه‌گذاری و سازوکارهای آن بسیار

به نظر شما علت اصلی خاموشی‌های اخیر چیست؟ آیا دلایلی که از سوی مسئولان صنعت برق درباره تأثیر خشکسالی، افزایش دما و مراکز تولید ریزرها بر افزایش مصرف برق عنوان شده، می‌تواند علت اصلی خاموشی‌ها باشد؟

خاموشی‌های اخیر ناشی از این است که شبکه برق کشور از نظر قدرت، رزرو مناسبی ندارد و محدودیت نیروگاه‌های آبی در تولید برق نسبت به سال گذشته به این مسأله شدت بخشیده است. محدودیت این نیروگاه‌ها در تولید برق هم ناشی از کاهش بارندگی‌ها و خشکسالی و هم متأثر از طراحی آن‌ها است. با توجه به شرایط کشور در طراحی نیروگاه‌های آبی باید آن‌ها را به عنوان نیروگاه‌های تولید انرژی در نظر می‌گرفتند نه نیروگاه‌هایی که صرفاً قرار است در زمان حداکثر مصرف برق، نقش تولید را به عهده داشته باشند. نیروگاه‌های برق آبی توان ذخیره آب را دارند و از آن‌ها برای تامین آب شرب و کشاورزی نیز استفاده می‌شود، از این رو با مدیریت و طراحی منطقی‌تر می‌شد در تولید برق نیز حداکثر بهره‌برداری را از آن‌ها برد. منطق طراحی اکثر نیروگاه‌هایی که ۲ هزار مگاوات هستند برابر هزار مگاوات بود اما ظرفیت برخی از آن‌ها تا ۲ هزار مگاوات هم افزایش پیدا کرده است که نیروگاه شهید عباسپور نمونه‌ای از آن‌ها است و بعد از سال ۱۳۷۰، ظرفیت آن دو برابر شده است. از این رو در هنگام طراحی نیروگاه‌ها باید دقت بیشتری صورت می‌گرفت و برای تامین نیاز در زمان حداکثر مصرف، از نیروگاه‌های گازی به جای این نیروگاه‌ها استفاده می‌شد.

موضوع ارزهای دیجیتال و استفاده از ماینرها برای استخراج رمزارزها که طی یکی دو سال اخیر پررنگ شده، در افزایش مصرف برق بی‌تأثیر نبوده است، اما این مصرف حدوداً زیر هزار مگاوات بوده و نمی‌توان این حجم از مصرف را علت

ایجاد نهاد تنظیم‌گر بخش برق مدت‌ها است که مطرح شده اما هنوز به مرحله تصویب و اجرا نرسیده است. با تشکیل نهاد رگولاتوری قوی، تصمیم‌گیر و مستقل تکلیف سهام و منافع مالی همه بخش‌ها مشخص خواهد شد و تصمیم‌گیری‌ها ماهیت مستقل خواهد داشت به این معنی که در تصمیم‌گیری‌ها منافع همه ذی‌نفعان در نظر گرفته خواهد شد

در صنعت برق ندارند؟

با توجه به مدل سودآوری صنعت برق نمی‌توان از سرمایه‌گذار توقع داشت که سرمایه خود را در صنعتی قرار دهد که زیان‌ده بوده و امکانات سودآوری کمتری دارد. صنعت برق صنعتی است که ارزیابی بالایی داشته و با توجه به نوسانات نرخ ارز و عدم تغییر جدی در تعرفه، سرمایه‌گذار با درآمد حاصل از فروش برق حتی توان پرداخت ۳۰ درصد اقساط صندوق توسعه ملی را نخواهد داشت و مدام با کسری مواجه خواهد شد. در سال‌های اخیر برای حل این مشکل تلاش‌های زیادی از طرف بخش خصوصی و سندیکای مربوطه صورت گرفته و راه‌حل‌های متعددی که کاملاً عملی بوده، توسط این بخش ارائه شده است، اما متأسفانه به‌طور جدی مورد توجه و بررسی دستگاه‌های دولتی قرار نگرفته است. همه مراجع و نهادهای ذی‌ربط بر ضرورت چاره‌اندیشی در این حوزه تأکید کردند، اما هیچ راه حلی اندیشیده نشده و بخش خصوصی را با محدودیت جدی روبه‌رو کرده است.

در واقع عدم توجه به میزان عرضه ضروری برق، منجر به عدم توجه به ضرورت سرمایه‌گذاری در صنعت برق و به تبع آن خاموشی‌ها و ایجاد بحران برای کشور و فعالان این صنعت شده است

آیا در خصوص حمایت از بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در صنعت برق و در واقع خصوصی‌سازی این صنعت، قوانین کافی وجود دارد؟

خصوصی‌کردن برق و راه‌اندازی نیروگاه‌ها در کشورهای مختلف دارای قانون خاص خود بوده و از سوی نهاد مستقلی انجام می‌شود. از آنجایی که بازار برق بازار بسیار پیچیده‌ای است و شرایط خرید و فروش ویژه‌ای دارد، باید به‌طور ویژه نیز مورد توجه قرار گیرد که متأسفانه خیلی به این موضوع نپرداخته‌ایم. امروز هیاتی به نام هیات تنظیم بازار برق وجود دارد که ماهیت مستقلی ندارد و معاونان و مسوولان وزارت نیرو عضو آن هستند و طبیعتاً هر کدام به جای مستقل عمل کردن، منافع سازمان متبوع خود را دنبال می‌کنند. ایجاد نهاد تنظیم‌گر بخش برق مدت‌هاست که مطرح شده اما هنوز به مرحله تصویب و اجرا نرسیده است. با تشکیل نهاد رگولاتوری قوی، تصمیم‌گیر و مستقل تکلیف سهام و منافع مالی همه بخش‌ها مشخص خواهد شد و تصمیم‌گیری‌ها ماهیت مستقل خواهد داشت به این معنی که در تصمیم‌گیری‌ها منافع همه ذی‌نفعان در نظر گرفته خواهد شد.

دید و شنیده شده، اما در عمل اتفاقی نیفتاده است. با توجه به این که در بخش‌های صنعتی و تجاری با رکود نسبی مواجه هستیم، معضل خاموشی در صورت بهبود شرایط بیشتر هم خواهد شد.

تاخیر در تعمیر نیروگاه‌ها و تامین قطعات لازم نیز به صورت غیرمستقیم در خاموشی‌ها تأثیرگذار است. این عامل، معلول شرایط اقتصادی و به خصوص اقتصاد نامتوازن صنعت برق است. وقتی نیروگاهی به خاطر مسائل مالی نتواند تعهدهای خود در تعمیر و تامین قطعات را به‌موقع انجام دهد، در فرایند تولید برق هم مشکل ایجاد خواهد شد.

در حالی که هر روز با رشد قابل توجهی در مصرف برق روبه‌رو هستیم، عرضه آن یا به پای رشد مصرف حرکت نمی‌کند. امسال از روزهای اول خرداد ماه خاموشی‌ها شروع شد. با این وضعیت باید به شدت نگران وضعیت سال آینده باشیم چرا که با افزایش مشترکان جدید و خروج بخش‌های صنعتی، تجاری و گردشگری کشور از رکود، مصرف برق بیشتر هم خواهد شد و تامین رشد مصرف فاجعه خاموشی‌ها را قوی‌تر و پررنگ‌تر خواهد کرد، بنابراین از همین امروز باید برای این فاجعه که کاملاً قابل پیش‌بینی است، چاره‌اندیشی‌های لازم صورت بگیرد.

چرا دولت و وزارت نیرو راغب نیستند سهم ۴۰ درصدی خود در تولید برق را کاهش داده و کار را به بخش خصوصی واگذار کنند؟

علت اصلی را می‌توان به حضور در تصدی‌گری همراه با انحصارطلبی به جای نظارت، کنترل، ایجاد و حفظ فضای کاملاً رقابتی می‌دانم. در حالی که ایجاد امکان رقابت در بخش توسعه و بهره‌برداری، به نفع تمام صنعت برق است و به این صنعت در تامین پایدار و بهتر برای مصرف‌کننده کمک می‌کند. اما متأسفانه در حال حاضر فضای رقابت محدود است و یا اصلاً وجود ندارد. امروز با وجود همه مشکلات، بیشتر نیروگاه‌هایی که در اختیار بخش خصوصی هستند، در شرایط مطلوب‌تری قرار دارند. این نیروگاه‌ها باید برق تولیدی خود را در بازار برقی به فروش برسانند که کاملاً انحصاری است و تحت نظر دولت اداره می‌شود. بخش دولتی با ۴۰ درصد و بخش خصوصی با ۶۰ درصد با نحوه و هزینه سرمایه‌گذاری کاملاً متفاوت در فضایی نابرابر قرار دارند که امکان هیچ گونه رقابتی فراهم نیست.

این محدودیت بخش توسعه برق را هم در برمی‌گیرد. در حالی که نیروگاه‌ها باید از منابع داخلی تامین شوند، منبع داخلی برای آن‌ها وجود ندارد و باید امکان استفاده از منابع خارجی را برای آن‌ها فراهم کرد که امکان این امر نیز بنا به محدودیت‌های قانونی و محدودیت تعامل با خارج، وجود ندارد. اگر بنا داریم به منظور تامین برق مورد نیاز که از ضرورت‌هاست، باید صنعت برق را به جلو حرکت داده و فضای رقابتی ایجاد کنیم.

چرا سرمایه‌گذاران بخش خصوصی رغبتی برای سرمایه‌گذاری



گره‌های کور صنعت نیروگاهی

ابراهیم خوش‌گفتار، نایب‌رئیس هیات‌مدیره سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق



آرای دیوان عدالت تا همین امروز ادامه یافته است. یکی دیگر از ظرفیت‌های قانونی برای حمایت از تولیدکنندگان غیر دولتی مربوط به ماده ۱۰ قانون برنامه ششم توسعه است که در آن به صراحت دولت مکلف شده بابت دیرکرد در پرداخت بدهی‌های فاقد تعدیل، سودی معادل نرخ تورم را به شرکت‌های بستانکار پرداخت کند. در تبصره این ماده قانونی آمده است: «از ابتدای اجرای قانون برنامه، بدهی‌هایی که توسط دولت ایجاد و مراحل حسابرسی را در مراجع معتبر طی کرده و قطعی شده و از هیچ‌گونه افزایشی بابت عدم پرداخت برخوردار نشده باشند، تا زمان پرداخت بدهی توسط دولت از سودی معادل نرخ تورم تا حداکثر نرخ سود سپرده اعلام شده توسط بانک مرکزی برخوردار می‌شوند. در قراردادهای مربوط باید بندی اضافه شود که به موجب آن دولت ملتزم گردد تا در صورت عدم پرداخت بدهی خود در زمان مقرر معادل نرخ مذکور را به طلبکار بپردازد.»

بر این اساس شرکت‌های تولید کننده برق از دی ماه سال ۹۸ تا کنون پیگیر اجرای این بند قانون در قرارداد فروش برق هستند، اما همچنان وزارت نیرو حاضر به پرداخت خسارت دیرکرد مطابق با نرخ تورم به نیروگاه‌ها نشده و با بیش از ده‌ها پی‌گیری کتبی، پاسخ درستی نمی‌دهد. توجه به ضرورت‌های تمکین به قوانین موجود در وزارت نیروی دولت سیزدهم، برای بهبود شرایط و پیشبرد امور توسعه ای صنعت نیروگاهی کشور بسیار حیاتی است.

فراموش نکنیم که نیروگاه‌ها بیش از ۲۶ هزار میلیارد تومان مطالبات معوق از وزارت نیرو دارند و با مشکلات حاد مالی برای پرداخت هزینه‌های تعمیر و نگهداری و خرید تجهیزات مواجه هستند. این در حالی است که تولیدکنندگان برق بدون آن‌که کوچکترین تاخیری در پرداخت هزینه‌های پروانه بهره‌برداری داشته باشند، موظف به پرداخت خسارتی برابر با نرخ سود بانکی شده و این خسارات از حساب آنها نزد وزارت نیرو کسر خواهد شد. نکته بسیار مهم دیگر این است که عدم اجرای قانون و حتی مصوبات شورای عالی اقتصاد که مرجع اصلی قانون‌گذاری برای وزارت نیرو محسوب می‌شود، به تدریج در این وزارتخانه به یک رویه جاری بدل شده است. به عنوان مثال شورای اقتصاد در تاریخ ۹۷/۱۲/۲۰ با پیشنهاد وزارت نیرو، دستورالعمل اجرایی بند «ت» ماده ۴۸ قانون برنامه ششم توسعه کشور را ابلاغ کرد. بخشی از این دستورالعمل به حق

تولیدکنندگان غیر دولتی برق در طول سال‌های اخیر به ویژه از سال ۹۳ به بعد روزگار سختی را با وزارت نیرو پشت سر گذاشته‌اند که به جرات می‌توان بی‌انضباطی مالی و بی‌توجهی این وزارتخانه به نظرات و پیشنهادهای بخش خصوصی را از جمله مهمترین عوامل این شرایط بحرانی دانست. جایگاه وزارت نیرو به عنوان سیاستگذار، متولی و متصدی اصلی صنعت برق، به او این اجازه را می‌دهد که در مقابل بخش خصوصی که به موقع، کامل و قانونمند به تعهداتش عمل می‌کند، به سادگی از تمکین به قانون و انجام تکالیف قانونی‌اش سر باز زند، بدون آنکه ناگزیر به پرداخت یا پذیرش خسارت و هزینه‌ای باشد.

نیروگاه‌های غیر دولتی امروز قریب به ۳۰ هزار میلیارد تومان مطالبات معوق از وزارت نیرو دارند و برخی از آن‌ها حتی در تامین پیش پا افتاده‌ترین خدمات هم برای پرسنل خود با مشکل مواجهند. در این شرایط اما وزارت نیروی دولت دوازدهم بدون چاره‌اندیشی برای وضعیت بحرانی نیروگاه‌ها که حاصل سیاست‌های این وزارتخانه است، به کار خود پایان داد و صنعت تولید برق را با حجم قابل توجهی از مشکلات به دولت سیزدهم واگذار کرد. نکته بسیار مهم این است که وزارت نیرو در دولت جدید به هیچ عنوان نباید نتایج اقدامات و رویکردهای وزارت نیرو را در قبال تولیدکنندگان غیر دولتی نادیده بگیرد، چرا که این موضوع می‌تواند به تداوم مشکلات در طول چهار سال آینده منجر شود. یکی از مهمترین مشکلات ناشی از این رویکردها، توقف روند سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی در این حوزه بوده، در حالی که بسترهای قانونی موثری برای تسهیل سرمایه‌گذاری در این بخش ایجاد شده است.

به عنوان مثال طبق بند «و» ماده ۱۳۳ قانون برنامه پنجم وزارت نیرو مکلف است هر ساله طبق آیین‌نامه مصوب شورای اقتصاد، نرخ آمادگی و انرژی در بازار برق را اعلام کند. این وزارتخانه پس از دو سال اجرای این قانون، در سال ۱۳۹۳ طبق ابلاغیه داخلی از اجرای آن سر باز زد و با توجه به آن‌که پی‌گیری و جلسات متعدد نتیجه‌ای دربر نداشت، ده نیروگاه بزرگ از وزارت نیرو به دلیل عدم اجرای قانون به دیوان عدالت اداری شکایت کردند و در نهایت رای به محکومیت وزارت نیرو داده شد. با این وجود وزارتخانه حتی از اجرای رای دیوان هم سر باز زد. در ادامه اگرچه پی‌گیری شاکیان منجر به رای هیات عمومی دیوان عدالت اداری شد، اما متأسفانه بی‌توجهی وزارت نیرو و عدم تمکین آن به



کرده‌اند، برای گفت‌وگو با وزیر مربوطه با مانع جدی مواجه نمی‌شوند. باید این باور در وزارت نیرو ایجاد شود که ما به عنوان نمایندگان بخش خصوصی نیروگاهی کشور در کنار این وزارتخانه به دنبال تامین برق پایدار و توسعه زیرساختی این صنعت هستیم و می‌توانیم در تامین سرمایه این اقدامات توسعه‌ای هم به وزارت نیرو یاری برسانیم.

مساله دیگری که رسیدگی و تعیین تکلیف آن در کوتاه‌مدت توسط وزارت نیرو بسیار ضروری است تبعیض‌های فوق‌العاده بین نیروگاه اتمی دولتی و نیروگاه‌های غیر دولتی است. در طول تمام سال‌هایی که قیمت خرید برق از نیروگاه‌ها ثابت نگه داشته شد، دولت، وزارت نیرو را موظف کرد برق اتمی را به قیمت تمام‌شده، خریداری و ماهیانه تسویه کند. بر اساس مصوبه اخیر هیات دولت در این باره هم قرار شده پرداخت مطالبات بخش برق، باز هم با اولویت به نیروگاه اتمی و نیروگاه‌های وزارت نفت توسط سازمان هدفمندی یارانه‌ها، پرداخت شود و بانک مرکزی هم ارز لازم را برای آن‌ها تامین کند. به نظر می‌رسد با توجه به سهم ۶۰ درصدی نیروگاه‌های غیر دولتی در تامین برق کشور و نیز بروز خاموشی‌ها و مشخص شدن اهمیت نقش این بخش در پایداری شبکه، این نگاه تبعیض‌آمیز مورد بازنگری قرار گرفته و راهکاری موثر برای تسویه مطالبات همه نیروگاه‌ها بدون اولویت‌بندی خاصی، اندیشیده شود.

ترانزیت شرکت توانیر و نیز دستورالعمل نرخ آمادگی و انرژی بخش خصوصی اختصاص داده شده و وزارت نیرو موظف شده ظرف دو ماه از ابلاغ این دستورالعمل نسبت به نرخ آمادگی اقدام کند. اما متأسفانه از زمان ابلاغ این دستورالعمل اجرایی این بند قانونی، نرخ آمادگی تنها یک بار با دستور وزیر نیرو تغییر کرده و همچنان فرمول مشخص و قابل اتکایی برای محاسبه سالانه نرخ آمادگی تدوین نشده است.

تعهد به قوانین موجود به ویژه در خصوص تدوین نرخ آمادگی و خسارات دیرکرد در وزارت نیروی دولت سیزدهم می‌تواند زمینه را برای جلوگیری از ایجاد بحران‌های جدید در صنعت برق فراهم کند. اصلی‌ترین خواسته نیروگاه‌های غیر دولتی، تعهد وزارت نیرو به قوانین جاری و مدونی است که تا امروز در اجرای آن سهل‌انگاری شده است.

متأسفانه تشکل‌های بخش خصوصی از جمله سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق در طول سال‌های فعالیت وزارت نیروی دولت دوازدهم نتوانستند با وزیر نیرو به عنوان متولی و سکاندار اصلی صنعت برق همفکری و تعامل مناسبی داشته باشند و امیدواریم این مساله در طول دولت سیزدهم به عنوان یک دولت مردمی حل شود. چراکه در هیچ کجای دنیا سرمایه‌گذاران غیردولتی که در حقیقت موتورهای محرک توسعه یک صنعت را روشن نگه می‌دارند و بیش از ۲۰ میلیارد یورو در یک صنعت سرمایه‌گذاری



لزوم احیای شورای عالی انرژی

اسدالله صبوری، عضو هیات مدیره سندیکای شرکت های تولیدکننده برق



نهادهای تصمیم گیر هستیم و یکی از پیامدهای این مساله در کمبود گاز و خاموشی های زمستانی و کاهش سهم تجدیدپذیرها و خاموشی های تابستانی بوده است. در حقیقت کثرت نهادها و مدیران تصمیم ساز در حوزه انواع انرژی در کشور و غلبه بخشی نگری بر آن ها، بارها به طرح ایده تجمیع و ادغام این نهادها در سال های پس از انقلاب منجر شده است، اما در نهایت موضوع تشکیل وزارت انرژی کماکان در محاق قرار گرفته و با توجه به عدم ایفای نقش از سوی شورای عالی انرژی، کار در حوزه های مختلف انرژی در کشور همچنان به صورت جزیره ای و بخشی ادامه دارد و مردم و مصرف کنندگان برق و سایر انواع انرژی همچنان هزینه بخشی نگری های مرسوم را متحمل می شوند.

یکی از جدی ترین مسائلی که در حوزه انرژی و به ویژه صنعت برق مساله ساز شده، این است که وزارتخانه ها و نهادهای دولتی مرتبط با این بخش، در غالب موارد تصدی امور مربوطه را نیز عهده دارند و مانند بنگاه های بزرگ اقتصادی عمل می کنند. به همین دلیل نمی توانند وظایف حاکمیتی خود را به درستی انجام دهند و عوارض و مشکلات ناشی از این رویکرد به خوبی در حوزه نیروگاهی صنعت برق قابل مشاهده است. البته نبود نهاد رگولاتوری هم به این مساله به شدت دامن زده و موجب یک جانبه گرایی مستمر و پایدار، بی توجهی به نظرات فعالان و متخصصین از سوی دستگاه های دولتی و در نتیجه عدم توازن در برنامه ها و سیاست ها و عدم پیش بینی و ضعف مفرط در آمادگی لازم برای مدیریت شرایط شده است که آثار آن را روزانه مشاهده می کنیم.

از این رو اگر بهبود وضعیت صنایع انرژی کشور را یک ضرورت جدی برای توسعه پایدار برشمردیم، باید این نکته را بپذیریم که تمرکز سیاست گذاری کلان در بخش انرژی و

قرار بود شورای عالی انرژی نهادی ناظر و بالادستی برای بررسی و رصد اقدامات و تصمیم سازی های حوزه انرژی کشور باشد، اما امروز با وجود مشکلات بحران زای حوزه آب و برق، نه تنها اقدام، تصمیم و حرکتی از سوی این شورا صورت نگرفته، بلکه حتی به تشکیل جلسات آن هم امید نیست.

هدف این شورا که بر اساس قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی و قانون اصلاح مواد ۲ و ۴ آن تشکیل شده (فی الواقع به منظور پرکردن خلأ ناشی از عدم تشکیل وزارت انرژی)، تمرکز سیاست گذاری در بخش انرژی کشور (از جمله انرژی های نو) و ایجاد هماهنگی لازم در جهت بهره گیری کامل از ظرفیت های کشور در بخش انرژی و بهینه سازی تولید و مصرف انواع حامل های انرژی و تعیین ضوابط و الگوهای آن و نیز تدوین سیاست ها و ضوابط تقلیل آلودگی های زیست محیطی ناشی از تولید و مصرف انرژی، بوده است.

بر اساس همین قانون، ریاست شورای عالی انرژی بر عهده رئیس جمهور و در غیاب وی معاون اول رئیس جمهور بوده و وزرای نفت، نیرو، امور اقتصادی و دارایی، صنعت، معدن و تجارت، جهاد کشاورزی و روسای سازمان های انرژی اتمی، حفاظت محیط زیست و مدیریت و برنامه ریزی کشور سایر اعضای این شورا را تشکیل می دهند و عهده دار تصمیم گیری هایی هستند که پس از تایید رئیس جمهور لازم الاجرا خواهد بود.

دبیرخانه این شورا باید در سازمان مدیریت و برنامه ریزی مستقر شده و به منظور استفاده حداکثری از قابلیت کارشناسی وزارتخانه ها و سازمان های عضو شورا، نسبت به ایجاد کمیته های تخصصی اقدام می شده است.

به هر حال به رغم تکلیف قانونی تعریف شده برای شورای عالی انرژی، این شورا در طول دو دهه گذشته، کمترین میزان عملکرد را به عنوان یک نهاد نظارتی بالادستی داشته است. این در حالی است که چالش های جدی و پرشمار حوزه انرژی در کنار اهمیت انکارناپذیر آن در مسیر توسعه کشور، همواره نشان دهنده ضرورت وجود نهادی موثر برای یکپارچه سازی، سیاست گذاری و تصمیم گیری در سطح حاکمیتی حوزه انرژی بوده است.

نکته کلیدی که در این خصوص نباید از نظر دور داشت این است که ما در حوزه انرژی اعم از نفت، برق، گاز، انرژی های تجدیدپذیر و نیز زیست توده و زغال سنگ گرفتار تعدد





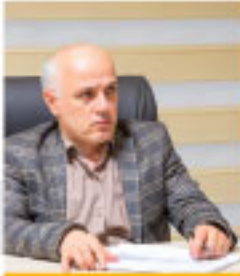
بخش خصوصی در مباحث مرتبط با انرژی در این شورا را هم از دیگر دلایل ناکامی آن دانست. وقتی شورایی در سطح حاکمیتی یک حوزه استراتژیک کوچکترین اعتنایی به نظرات بخش خصوصی نداشته باشد، در چنبره خواسته‌ها و تصمیم‌سازی‌های نمایندگان دستگاه‌های دولتی محدود خواهد ماند.

مرکز پژوهش‌ها در گزارش خود به این موضوع نیز اشاره کرده است که یکی از الزامات فعالیت موثر شورا، تقویت دبیرخانه و ایجاد تشکیلات منسجم و توانمند در سازمان برنامه و بودجه به منظور ایفای نقش مستقل و مشخص شورای انرژی است. همچنین با وجود تعریف دامنه وظایف و اختیارات شورای عالی انرژی در برنامه سوم توسعه، اما این شورا همچنان فاقد جایگاه مشخص و موکد در قوانین است. به نظر می‌رسد تعیین اختیارات و ارائه نقش‌های مشخص از سوی دولت و مجلس شورای اسلامی به شورای انرژی، می‌تواند در پررنگ‌تر کردن نقش آن موثر باشد. به علاوه ضروری است ظرفیت‌های لازم برای بهره‌گیری از توان کارشناسی جمعی در کشور از مسیر این شورا فراهم شود.

ایجاد هماهنگی لازم در جهت بهره‌گیری کامل از ظرفیت‌های کشور در این حوزه، در گرو فعالیت موثر شورای عالی انرژی خواهد بود. علی‌رغم این که تجربه چندین‌ساله این شورا نشان می‌دهد که موفقیت‌چندانی در تحقق اهداف خود نداشته، اما آغاز به کار دولت سیزدهم شاید فرصت مناسبی برای بازآفرینی شورا و پی‌گیری مجدانه اهداف متعالی آن باشد.

یکی از بررسی‌های مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در خصوص عملکرد ضعیف شورای عالی انرژی ظرف سال‌های گذشته (در دو دهه گذشته این شورا فقط دو جلسه برگزار کرده است) موید آن است که تشکیل‌نشدن منظم جلسات، نبود متولی مشخص و قابل‌اطمینان برای پی‌گیری امور، تضاد منافع و عدم پذیرش مواضع و دیدگاه‌های سایر اعضا، اصلاح‌نشدن ساختارهای موازی پس از تشکیل شورا و عدم حضور قوای مقننه و قضاییه در ساختار پی‌گیری امور شورا از مهم‌ترین علل ضعف عملکردی این شورا در سال‌های گذشته بوده است.

البته به جرات می‌توان فقدان دبیرخانه فعال برای هماهنگی و برگزارکردن جلسات و همچنین عدم استفاده از توانایی‌های



چگونه سیاست‌های بخش انرژی متمرکز می‌شود؟ مروری بر عملکرد شورای عالی انرژی کشور

فریدون اسعدی، کارشناس اقتصاد انرژی



امور صنعت و معدن را در سه وزارتخانه تجمیع کند. به این طریق قانون‌گذار مقرر کرده بود که امور انرژی در یک وزارتخانه سامان یابد ولی طی ۱۵ ماه، از طرف دولت اقدام خاصی صورت نگرفت و مجلس ششم با قانون اصلاح مواد (۲) و (۴) قانون برنامه سوم توسعه با مطرح کردن تشکیل شورای عالی انرژی کشور، موضوع تشکیل وزارت انرژی را منتهی کرد.

وجود ناهماهنگی‌های خسارت‌زا در بخش انرژی و منفعل بودن شورای عالی انرژی در برطرف کردن این ناهماهنگی‌ها، بار دیگر مجلس را برآن داشته تا در هنگام تصویب قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی در سال ۱۳۸۹ و در ماده (۵) قانون مذکور، کلیه تصمیمات و سیاست‌های انرژی کشور را به شورای عالی انرژی واگذار کند و مقرر داشت که ساختار شورای عالی انرژی باید به گونه‌ای اصلاح شود که امکان حضور منظم طرفین عرضه و تقاضای انرژی در جلسات شورا و سیاست‌گذاری مشترک آنها در بخش انرژی فراهم شود. فارغ از اینکه شورای عالی انرژی به چه میزان در دستیابی به اهدافش موفق بوده است، بررسی چرایی تشکیل این شورا و اهداف پیش روی آن ضروری است. تمرکز سیاست‌گذاری در بخش انرژی کشور و ایجاد هماهنگی لازم برای بهره‌گیری کامل از ظرفیت‌های کشور در بخش انرژی مهم‌ترین اهداف تشکیل شورای عالی انرژی بود. ضمن اینکه بهینه‌سازی تولید و مصرف انواع حامل‌های انرژی و تعیین ضوابط و الگوهای آن و همچنین تدوین سیاست‌ها و ضوابط تقلیل آلودگی‌های محیط زیستی ناشی از تولید و مصرف انرژی نیز از جمله کارکردهای این شورا محسوب می‌شود. ترکیب اعضای شورای عالی انرژی کشور نشان می‌دهد رویکرد یکپارچه‌سازی کلان امر برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری در مسائل مختلف بخش انرژی کشور هدف اصلی شورای عالی انرژی است. انتخاب سازمان برنامه و بودجه به عنوان دبیرخانه شورا به دلیل این که نهادی بی‌طرف حاکمیتی محسوب می‌شود، یکی دیگر از دلالت‌های ایجابی برای هدف کلان‌نگری در امر برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری در بخش انرژی کشور توسط این شورا است.

وضعیتی که در مورد برخی شاخص‌های بخش انرژی کشور نظیر شدت مصرف انرژی و بهره‌وری انرژی در مراجع رسمی وجود دارد، در سال ۲۰۱۶، شاخص شدت عرضه انرژی اولیه جهان براساس تولید ناخالص داخلی بر حسب نرخ ارز و برابری قدرت خرید به ترتیب ۰/۱۸ و ۰/۱۳ تن معادل

بخش انرژی ایران به لحاظ ساختار و تصمیم‌گیری از وضعیت بسیار نامناسبی برخوردار است و دچار تعدد مراکز تصمیم‌گیری است. وزارتخانه‌های نفت، نیرو، صمت و سازمان انرژی اتمی متولی و عهده‌دار مسئولیت‌ها و وظایف انرژی در کشور هستند و تعدد نهادهای تصمیم‌گیر در بخش انرژی هزینه‌های بسیار زیادی را به کشور تحمیل کرده است. برجسته‌ترین هزینه‌ای که این ساختار به کشور تحمیل کرده، نبود استراتژی و برنامه‌ای جامع در کشور به منظور دسترسی به انرژی پایدار و مطمئن در بخش‌های مختلف است و در چنین رویکردی است که در برخی مناطق کشور انواع انرژی‌ها در اختیار بخش‌ها قرار دارد و این شیوه تصمیم‌سازی گویای این واقعیت است که اصل اقتصادی در چنین رویه‌ای نادیده گرفته شده است.

مواجهه اقتصاد ایران با این مشکل از دهه‌ها پیش است و برای برطرف کردن این مشکل در سال ۱۳۴۲ موضوع تشکیل شورای عالی نیرو با هدف ایجاد هماهنگی در توسعه منابع و عرضه و تقاضای انرژی مطرح شد اما اجرای این تصمیم با تاسیس وزارت آب و برق متوقف شد. سه سال بعد مجدداً سازمان برنامه در سال ۱۳۴۵ برای ایجاد هماهنگی در عرضه و تقاضای انواع انرژی، موضوع تاسیس شورای هماهنگی را پی‌گیری کرد که به دلیل وجود برخی مغایرت‌ها این اقدام هم به نتیجه نرسید. افزایش قیمت نفت در دهه ۱۳۵۰، افزایش درآمدهای نفتی را به دنبال داشت و این خود زمینه ایجاد تغییرات عمرانی در کشور را فراهم کرد که افزایش تقاضای مصرف انرژی را به دنبال داشت. این وضعیت سبب شد در اول شهریورماه ۱۳۵۶ با مصوبه هیات وزیران وقت، شورای هماهنگی انرژی تشکیل شود. مسئولیت دبیری این شورا با توجه به قانون برق سال ۱۳۵۳ به وزارت نیرو سپرده شد که تحولات مربوط به پیروزی انقلاب اسلامی، مانع از تشکیل این شورا شد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، همزمان با رشد تقاضای انرژی و برحسب بند «الف» ماده (۱) قانون تاسیس وزارت نیرو، تشکیل شورای هماهنگی انرژی توسط وزارت نیرو در دستور کار قرار گرفت. با اینکه شورای مذکور با جمعی از وزرا و رییس سازمان برنامه و بودجه وقت تشکیل شد، ولی گزارشی از آن منتشر نشد و در عمل منحل شد.

مجلس پنجم براساس بند «ه» ماده (۲) قانون برنامه سوم توسعه مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ دولت را موظف کرد سه حوزه امور انرژی، امور کشاورزی و دام و توسعه عمران روستایی و

منطقه ای حوزه انرژی را به آنها انتقال داد و از این طریق می توان به این بخش کمک کرد. این بخش از ابهام جدی برخوردار است و اگر این گونه اطلاع رسانی شود که برخی استان ها از گاز برخوردار هستند و برخی از استان ها از گاز برخوردار نیستند این خود می تواند فشار مضاعفی به دولت تحمیل کند تا در تغییر این وضعیت اقداماتی را انجام دهد. این در حالی است که مجلس و دولت باید موضوع دسترسی به انرژی مطمئن و پایدار را در دستور کار خود قرار دهند و نه همه انواع انرژی در همه جای کشور در دسترس باشد و متأسفانه در حال حاضر در کشور این سیاست در حال اجراست. در بخشی دیگر از مقدمه به موضوع نقش شورا در فرهنگ سازی اشاره شده است. این در حالی است که شورای عالی استان ها در نظام برنامه ریزی استان هم نقش و جایگاه لازم را ندارد. به گونه ای که در حال حاضر نماینده شورا در شورای برنامه ریزی استان که بالاترین رکن برنامه ای استان است، فقط حضور دارد و از حق رای هم برخوردار نیست. بنابراین آنچه که در این طرح درخصوص فرهنگ سازی توسط شورا آمده است واجد جایگاه اجرایی نیست. بنابراین هدفی که طرح به دنبال آن است در حال حاضر امکان حصول ندارد و عضویت ریاست شورای عالی استان ها در شورای عالی انرژی به بهبود عملکرد این شورا منتهی نخواهد شد.

علاوه بر این لازم است به این نکته اشاره شود که مسئول فرهنگ کشور مجلس شورای اسلامی نیست و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت آموزش و پرورش و صدا و سیما مسئول و متولی فرهنگ کشور هستند و اگر این نیاز وجود داشته باشد تا در بخش فرهنگ تغییراتی در حوزه انرژی ایجاد شود باید از کانال وزارتخانه های مذکور صورت گیرد. علاوه بر این در حال حاضر شورای عالی استان ها با توجه به وظایف و اختیاراتی که طبق قانون دارد قادر است به مجلس و دولت طرح هایی را تقدیم کند تا از این طریق هم قوانین مورد نیاز تصویب شود. با توجه به توضیحات فوق، کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی مخالف طرح فوق است. در نهایت اگر دغدغه نمایندگان طراح ایجاد زیرساخت های فرهنگی مربوط به موضوع انرژی در کشور است، عضویت ریاست صدا و سیما و وزیر فرهنگ و ارشاد در شورای عالی انرژی در اولویت قرار دارد. با توجه به توضیحات فوق، انتظار بر این است که مجلس یازدهم با توجه به هدف گذاری که در ابتدای دوره انجام داده است به دنبال تقویت جایگاه نظارتی خود باشد و از اتلاف منابع کمیاب کشور برای پرداختن به اموراتی این چنینی پرهیز کند و به دنبال اصلاح نظام قیمت گذاری در بخش انرژی و حذف یارانه پنهان در این بخش باشد.

تمرکز سیاست گذاری در بخش انرژی کشور و ایجاد هماهنگی لازم برای بهره گیری کامل از ظرفیت های کشور در بخش انرژی مهم ترین اهداف تشکیل شورای عالی انرژی بود

نفت خام به ازای هزار دلار بوده است. این در حالی است که این رقم در ایران بیش از $2/9$ و $1/3$ برابر مقدار متوسط جهانی است.

همچنین شاخص شدت مصرف نهایی انرژی جهان براساس تولید ناخالص داخلی بر حسب نرخ ارز و برابری قدرت خرید به ترتیب $0/11$ و $0/08$ تن معادل نفت خام به ازای هزار دلار بوده است. این در حالی است که این رقم در ایران بیش از 3 و $1/4$ برابر مقدار متوسط جهانی است. جای سوال دارد که چرا وضعیت ایران در این شاخص، هر سال بدتر از سال قبل است و باید سیاست گذاران و تصمیم گیران به این پرسش پاسخ دهند که چرا در بهبود این وضعیت به رغم وجود شورای عالی انرژی تغییری حاصل نمی شود. هیچ اراده ای در کشور برای حل این مشکل وجود ندارد. حل نشدن این مشکل باعث شده است که کشور در فصول سرد و گرم سال با کمبود جدی انرژی مواجه شود و برای ایجاد توازن در تولید و مصرف برق به نصایح متوصل شود.

چشم اندازها در مورد بخش عرضه انرژی ایران بسیار نگران کننده است و اگر کشور بخواهد با همین وضعیت بخش انرژی را مدیریت کند، بدون شک در آینده نه چندان دور به واردکننده نفت و گاز تبدیل خواهد شد. بنابراین انتظار بخش خصوصی این است که مجلس یازدهم در این خصوص تصمیمات جدی اتخاذ کند.

مجلس یازدهم هم به دنبال این است که با اتخاذ یک سلسله تصمیمات، بتواند در بهبود عملکرد بخش انرژی موثر و مفید عمل کند. برای این منظور طرحی را با عنوان آنچه در طرح با عنوان «اصلاح ماده (۳) قانون اصلاح مواد (۲) و (۴) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و تشکیل شورای عالی انرژی کشور» با شماره ثبت (۲۸۱) تهیه کرده است. در مقدمه توجیهی طرح به موضوع فرهنگ سازی اشاره شده است و بیان شد از کانال شوراها می توان فرهنگ مصرف مناسب را برای مردم ایجاد کرد و عدم تعادل های



نقدی بر جایگاه صنعت برق در برنامه‌های توسعه

سید احمد مطهری؛ نایب‌رئیس هیات‌مدیره ستدیگای شرکت‌های تولیدکننده برق



تصویب شده در شورای اقتصاد اساسا به این روش‌ها توجهی نشده و عمدتا بر هدایت سرمایه‌گذاران به بازار برق تمرکز شده است. بدیهی است قیمت‌های بازار عمده‌فروشی برق مطلقا جریان سرمایه‌گذاری‌های کلان در احداث و بهره‌برداری نیروگاه‌های حرارتی را نکرده و برای سرمایه‌گذاران جذابیتی ندارد.

به علاوه این دستورالعمل به مواردی فراتر از قانون مورد استناد خود پرداخته و برای تولیدکنندگان غیر دولتی برق مشکلات جدی در سایر ابعاد قراردادی ایجاد کرد. به عنوان مثال دستورالعملی که قرار بود چارچوب خرید برق از این نیروگاه‌ها را برای وزارت نیرو روشن کند، فروش برق را مشمول حوزه قراردادهای دوجانبه، ورود در بورس انرژی تحت حاکمیت یک‌طرفه شرکت‌های توزیع و راه‌اندازی بازارهای متمرکز مانند بازار گواهی ظرفیت هم کرد. در حالی که سازماندهی هر یک از این موارد نیازمند یک چارچوب قانونی متمایز و مستقل بوده و هست.

البته در ماده ۷ دستورالعمل مذکور، مساله نادیده‌انگاشتن حقوق سرمایه‌گذاران قبلی هم مورد نقد است. تبصره سه ماده هفت به این شرح است: «قراردادهای بلندمدت تبدیل انرژی و یا فروش برق به توانیر که در گذشته براساس ماده (۶) آیین‌نامه اجرایی شرایط و تضمین خرید برق، موضوع بند «ب» ماده «۲۵» قانون برنامه چهارم توسعه منعقد گردیده و قراردادهای موضوع تبصره ۲ این بند، به منزله واگذاری امتیاز گواهی ظرفیت به توانیر می‌باشد و از بابت واگذاری این امتیاز مبلغ جداگانه‌ای به سرمایه‌گذار نیروگاهی پرداخت نمی‌شود.»

بر این اساس توسعه مالکیت گواهی ظرفیت نیروگاه‌هایی که قرارداد بلندمدت تبدیل انرژی داشته و یا برق خود را بر اساس ماده (۶) آیین‌نامه اجرایی شرایط و تضمین خرید برق و موضوع بند «ب» ماده «۲۵» قانون برنامه چهارم توسعه، به توانیر می‌فروختند، از آن‌ها سلب شده و به توانیر انتقال می‌یابد، به این ترتیب برخلاف منطق قانونی و اقتصادی، حقوق طبیعی سرمایه‌گذاران قبلی نیروگاهی نقض شد، آن‌ها هم در شرایطی که انتقال گواهی ظرفیت به توانیر در هیچ قانونی پیش‌بینی نشده و مجوز قانونی نیز برای آن صادر نشده است.

البته ایرادات دیگری هم به چگونگی اجرای قانون پنجم توسعه در بخش برق وارد بوده است که مهمترین آن عدم پیش‌بینی سازوکاری برای اخذ جبران مالی تاخیر در پرداخت مطالبات

برنامه‌های پنج‌ساله توسعه در سال‌های پس از انقلاب به دلایل مختلف در اجرا تقریبا ناکام مانده‌اند. در این میان برنامه‌های صنعت برق نیز مستثنی نبوده و البته به عنوان یکی از مهمترین و کلیدی‌ترین زیرساخت‌های توسعه اقتصادی و رفاه اجتماعی، می‌بایست جایگاهی پراهمیت در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور داشته باشد.

با این وجود اما جایگاه صنعت برق در این برنامه‌های راهبردی کاملا قابل بحث بوده و به نظر می‌رسد بازنگری این جایگاه در برنامه هفتم از اهمیت بسزایی در تغییر مسیر و رونق بخشی به اقتصاد این صنعت برخوردار است. در این مجال برنامه‌های پنجم و ششم توسعه و اصلی‌ترین نقدهای وارده به ویژه در خصوص بندهای مرتبط با تولیدکنندگان غیر دولتی برق بررسی و بازنگری شده است. امید آن می‌رود که در برنامه هفتم با اصلاح نگرش مجلس و دولت و مد نظر قرار دادن نقش فعالان غیر دولتی این صنعت و هدف‌گذاری برای توسعه پایدار صنعت برق با اتکا به پتانسیل‌های بخش خصوصی، این ایرادات تا حدی قابل قبول برطرف شود.

در پنجمین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، بحث بسترسازی برای جذب سرمایه‌گذاران بخش خصوصی در حوزه نیروگاهی مورد توجه قرار گرفته بود. در ماده ۱۳۳ این قانون وزارت نیرو به منظور تنوع بخشی در عرصه انرژی کشور، بهینه‌سازی تولید و افزایش راندمان نیروگاه‌ها، کاهش تلفات و توسعه تولید همزمان برق و حرارت، موظف شده بود علاوه بر حمایت از توسعه نیروگاه‌های با مقیاس کوچک تولید برق توسط بخش‌های خصوصی و تعاونی، در طول برنامه نسبت به افزایش توان تولیدی برق تا بیست و پنج هزار (۲۵۰۰۰) مگاوات از طریق سرمایه‌گذاری بخش‌های عمومی، تعاونی و خصوصی اعم از داخلی و خارجی و یا منابع داخلی شرکت‌های تابعه و یا به صورت روش‌های متداول سرمایه‌گذاری از جمله ساخت، بهره‌برداری و تصرف (BOO) و ساخت، بهره‌برداری و انتقال (BOT) اقدام کند. البته سهم بخش خصوصی از ۲۵ هزار مگاوات پیش‌بینی شده در برنامه پنجم توسعه حداقل ۱۰ هزار مگاوات تخمین زده شده بود.

نکته اینجا است که بر اساس بند «د» مقرر بوده به روش‌های متداول سرمایه‌گذاری از جمله ساخت، بهره‌برداری و تصرف (BOO) و ساخت، بهره‌برداری و انتقال (BOT) نیروگاه‌های مورد نظر ساخته شوند، در حالی که در دستورالعمل

تلفات انتقال و توزیع و بهینه‌سازی مصرف بهینه برق، توسعه صادرات برق، افزایش سهم انرژی‌های پاک، از جمله سیاست‌های اصلی ابلاغی در دوره برنامه ششم توسعه برای بخش برق بود، اما شاید نتوان ارزیابی درستی از میزان تحقق این اهداف در طول سال‌هایی که صنعت برق بیشترین میزان کسری بودجه، تورم، نوسانات اقتصادی و بالاترین سطح رکود را تجربه کرد، ارائه داد.

در هر صورت پس از تصویب برنامه ششم توسعه در مجلس شورای اسلامی و ابلاغ آن به دولت، بیشترین نقد تولیدکنندگان غیر دولتی برق بر روی دستورالعمل بند «ت» ماده ۴۸ این قانون بود که به تصویب بسیار دیر هنگام شورای اقتصاد رسید. بر اساس این ماده قانونی، دولت مکلف شده بود تا از طریق وزارت نیرو نسبت به افزایش توان تولید برق تا ۲۵۰۰۰ مگاوات از طریق سرمایه‌گذاری موسسات عمومی غیر دولتی، تعاونی و خصوصی اعم از داخلی و خارجی و یا منابع داخلی شرکت‌های تابعه یا به صورت روش‌های متداول سرمایه‌گذاری اعم از BOO و BOT اقدام کند. بر اساس این دستورالعمل قرار بود تنها نرخ خرید تضمینی از طریق شورای اقتصاد تعیین شود. لذا دستورالعمل بند (ت) ماده ۴۸ قانون برنامه پنج‌ساله ششم تنها بایستی ناظر بر تعیین نرخ و نوع خرید تضمینی باشد به نحوی که منظور قانون‌گذار برای جذب سرمایه‌گذار محقق شود.

محوریت این ماده، افزایش توان و ظرفیت تولید بوده و به خرید تضمینی برق و آن هم بر اساس نرخ تعیین شده در شورای اقتصاد تاکید داشته به گونه‌ای که باید یک نرخ مشخص با روندی تعدیل پذیر یا یک فرمول مشخص از سوی شورای اقتصاد شده و مورد تایید قرار می‌گرفت.

نکته بسیار کلیدی اما این بود که برای اجرای صحیح این ماده قانونی تعیین نرخ پایه عادلانه خرید تضمینی برق از همان ابتدای پیاده‌سازی برنامه ششم در قراردادهای تبدیل انرژی یا توجه به دوره خرید و نوع قرارداد BOO/BOT از اهمیت بسزایی برخوردار بود. افزون بر این که تعیین نرخ تعدیل مناسب برای تعدیل نرخ در سال‌های بعدی برنامه ششم هم در زمینه‌سازی برای جذب



نیروگاه‌ها از محل فروش برق در بازار برق است. در ماده ۵ دستورالعمل آمده است: «عرضه‌کننده می‌تواند (تمام یا بخشی از) برق در اختیار خود را در چارچوب مقررات بازار برق به بازار عمده‌فروشی عرضه کند. مدیریت شبکه موظف است برای تمام عرضه‌کننده‌ها شرایط عرضه ظرفیت و رقابت عاری از تبعیض برای تامین انرژی و فروش آن در بازار عمده‌فروشی و عرضه خدمات جانبی را فراهم کند.»

در تبصره یک همین دستورالعمل هم مدیریت شبکه مکلف شده و جوه برق خریداری شده از محل مبالغ دریافتی از خریداران بازار را بر اساس شرایط قراردادی به فروشندگان برق بپردازد. این امر در شرایطی که قراردادهای فیما بین نیروگاه‌ها و مدیریت شبکه فاقد خسارت دیرکرد پرداخت بوده و وزارت نیرو به طور معمول در پرداخت مطالبات این بخش تاخیر قابل توجهی دارد، منشاء زیان‌های غیر قابل جبرانی برای تولیدکنندگان غیردولتی برق بوده است. دامنه این خسارات در طول چند سال اخیر و با وجود کاهش ارزش پول ملی گسترده‌تر هم شده است.

همچنین ماده ۱۱ دستورالعمل اجرایی بند «و» ماده ۱۳۳ قانون برنامه توسعه پنجم مسئولیت عقد قرارداد برای تامین سوخت و پرداخت هزینه‌های مربوط را برعهده سرمایه‌گذار گذاشته بود. نکته اینجا است که اختلافات مالی وزارت نیرو و وزارت نفت در خصوص هزینه سوخت تحویلی به نیروگاه‌ها به لحاظ دولتی بودن طرفین معمولاً منجر به عدم تحویل سوخت نشده، اما ظرفیت بخش خصوصی در حالی که پول برق تحویلی را نگرفته و در نتیجه بدهکار قیمت سوخت بود ریسک قطع شدن تحویل سوخت و در نتیجه توقف تولید برق را با ثبات قصور و تقصیر سرمایه‌گذار به دنبال داشته است. پیش‌بینی این عواقب موجب تداوم عقد قرارداد تامین سوخت نیروگاهی توسط وزارت نیرو بر خلاف صراحت دستورالعمل شورای اقتصاد شد که البته اتفاق درستی بود اما نشان دهنده عدم توجه و دقت کافی اعضای شورای اقتصاد به محتوای دستورالعمل‌های پیشنهادی و تصویب آن‌ها است. همچنین این امر برخلاف روح قانون در بند «و» ماده ۱۳۳ قانون برنامه پنجم توسعه مبنی بر ترغیب نیروگاه‌ها برای تولید نیروی برق است و شرایط را برای تولید برق دشوار می‌کند.

این اشکالات در طول اجرای برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی که البته به دلیل تحویل دیر هنگام ششمین برنامه اجرای آن برای یک سال تمدید شد، عملاً ضربه‌هنگ سرمایه‌گذاری‌ها در بخش تولید برق را کاملاً کند کرد.

در برنامه ششم توسعه هم البته ایرادات اساسی دیگری مطرح شد که باز هم نیروگاه‌های غیر دولتی را بیشتر متضرر کرد. اگرچه توسعه افزایش راندمان نیروگاه‌ها، کاهش

این مشکلات عمدتاً از اعمال عامدانه محدودیت نرخ با مدیریت وزارت نیرو و از طریق شرکت‌های توزیع که خریداران اصلی برق در بورس انرژی هستند، ناشی شده و عملاً بورس را از ایفای نقش در ایجاد بازار رقابتی و شفافیت در قیمت باز داشته است. به علاوه میزان تزریق پول به صورت قطره‌چکانی به معاملات بورس با مدیریت مالی وزارت نیرو دقیقاً مخالف منظور نظر قانون‌گذار در ماده ۴۴ است که به لزوم «سازوکار بازار» یعنی تعادل منطقی و خارج از تئانی خریدار و فروشنده و عرضه و تقاضا در بورس تاکید کرده است.

بند ۴۴ قانون توسعه ششم باید به ایجاد سازوکاری تضمین شده در بورس انرژی منجر می‌شد که بر اساس آن سرمایه‌گذار به امکان فروش برق تولیدی ناشی از سرمایه‌گذاری کلان خود در بورس با قیمت‌های عادلانه و منطقی اطمینان یابد، اما متأسفانه این اتفاق در طول سال‌های پیاده‌سازی قانون ششم رخ نداد.

همان‌گونه که در این نوشتار اشاره شد در بند (ت) ماده ۴۸ قانون مذکور محوریت این ماده، افزایش توان و ظرفیت تولید بوده و به خرید تضمینی برق بر اساس نرخ تعیین شده در شورای اقتصاد تاکید دارد. در حقیقت برای اجرایی شدن این ماده و افزایش ظرفیت تولید تا ۲۵۰۰۰۰ مگاوات در ۵ سال با اتکا بر قراردادهای BOO و BOT و خرید تضمینی برق می‌بایست بسترسازی‌های لازم برای افزایش رغبت سرمایه‌گذار انجام می‌شد. اما متأسفانه روشی که وزارت نیرو در طول سال‌های گذشته پیش گرفت این بود که ضمن محوکردن تضامین ضروری عرفی طرف دولت در قراردادهای، به جای تسهیم عادلانه ریسک‌های سرمایه‌گذاری بین سرمایه‌گذار و سرمایه‌پذیر، به تدریج آنها را به سمت بخش خصوصی سوق داد. به این ترتیب هر ساله رغبت سرمایه‌گذاران نیروگاهی برای حضور در صنعت تولید برق کاهش یافت. روش مغایر قانون مندرج در دستورالعمل شورای اقتصاد روش برگزاری مناقصه بین متقاضیان سرمایه‌گذاری است که اصولاً تطبیقی با نظر قانون‌گذار نداشته و با گذشت نزدیک به ۵ سال از برنامه ششم حتی یک مورد هم با روش مندرج در دستورالعمل سرمایه‌گذاری برای احداث نیروگاه حرارتی جذب نشده است.

نکته بسیار کلیدی دیگری که باید مد نظر قرار گیرد این است که برای برنده مناقصه، بازده ۵ تا ۷ ساله برای قرارداد در نظر گرفته شده، آن هم با عرضه برق به بازار عمده‌فروشی که خود چند سال تاخیر در پرداخت پول برق دارد و پرداخت مابه‌التفاوت نرخ برنده مناقصه با نرخ بازار برق را منوط به افزایش نرخ فروش برق به مصرف‌کنندگان توسط وزارت نیرو کرده که امری بعید و دور از انتظار در طول سال‌های اخیر بوده است.

سرمایه‌گذاران جدید نیروگاهی اثری غیر قابل انکار داشت. در حقیقت سرمایه‌گذاران حوزه تولید برق انتظار داشتند که در شورای اقتصاد نرخ پایه خرید تضمینی برق به گونه‌ای بر اساس مدل‌های مالی تعیین شود که سرمایه‌گذار به نرخ بازگشت سرمایه ۱۵ درصدی خود براساس مصوبات صندوق توسعه ملی دست یابد.

تولیدکنندگان غیر دولتی برق البته نظرات اصلاحی قابل توجهی در خصوص بندهای ۴۴ و ۴۸ قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه داشتند که انتظار می‌رود برای حفظ ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری بخش غیر دولتی در حوزه تولید برق حداقل در برنامه هفتم این موضوعات مورد توجه دولت و مجلس شورای اسلامی قرار گیرد.

اولین نکته در خصوص برنامه ششم، حول محور بند (ب) ماده ۴۴ مطرح شده بود. در این بند آمده است: «وزارت نیرو موظف است که به منظور افزایش بازدهی و ضریب بهره‌وری نیروگاه‌ها، برای نیروگاه‌هایی با بازدهی ۵۵-۶۰ درصد موافقت اصولی صادر و قیمت خرید برق را بنا به سازوکارهای بازار در بورس تعیین کند.»

در حقیقت سرمایه‌گذاران حوزه تولید برق انتظار داشتند که در شورای اقتصاد نرخ پایه خرید تضمینی برق به گونه‌ای بر اساس مدل‌های مالی تعیین شود که سرمایه‌گذار به نرخ بازگشت سرمایه ۱۵ درصدی خود براساس مصوبات صندوق توسعه ملی دست یابد

واقعیت این است که درج قید تاکید وظیفه (و نه اختیار) برای وزارت نیرو در خصوص صدور موافقت اصولی برای احداث نیروگاه‌هایی با راندمان بالاتر از مقادیر کنونی، از مزایای این ماده محسوب شده و رغبت لازم را برای ارتقای بهره‌وری در سرمایه‌گذاران فراهم می‌آورد، ولی این نقاط قوت در صورتی در اجرا اثرگذار خواهد بود که مشکلات و معضلات موجود در وضعیت بورس انرژی با تدوین آیین نامه اجرایی تا حدی مرتفع شود. به ویژه آن که مشکلات پرتعداد در مدیریت بورس انرژی، نه تنها رغبت لازم را برای حضور سرمایه‌گذاران در این عرصه فراهم نمی‌آورد، بلکه منجر به گریز آن‌ها شده است.

جدیت را در تغییر دبیرخانه این نهاد از شورای رقابت به وزارت نیرو اعمال و دنبال کرده است.

امروز کشور در آستانه تقدیم هفتمین برنامه توسعه پنج‌ساله اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به مجلس شورای اسلامی است. با این تفاوت که شرایط صنعت برق به عنوان یکی از مهمترین پیشران‌های توسعه پایدار و زیرساخت اصلی توسعه صنعتی و تامین رفاه عمومی، نسبت به گذشته بسیار بحرانی‌تر است.

برنامه هفتم از این جهت برای صنعت برق اهمیت دارد که اولاً می‌تواند به یک بستر قانونی مناسب برای خروج این صنعت از بحران تبدیل شود و ثانیاً قادر است زمینه را برای بازگشت رونق به سرمایه‌گذاری‌های این صنعت فراهم کند. نکته اینجا است که آنچه که بخش خصوصی در طول سالیان گذشته به عنوان نقاط ضعف و یا قوت برنامه‌های پنج ساله توسعه عنوان کرده می‌بایست به صورت جدی در هفتمین برنامه مورد توجه قرار گیرد. در غیر این صورت این برنامه هم می‌تواند به جای حل مساله، بر مشکلات صنعت برق بیافزاید و به بی‌انگیزگی سرمایه‌گذاران این صنعت بیش از گذشته دامن زند.

البته جالب است که در دستورالعمل مذکور مشکل مالی انتقال و توزیع برق برای وزارت نیرو به شکلی عجیب و خارج از قانون حل و فصل شده و با تعیین دو ضریب ۳۵ درصدی از نرخ خرید برق به نفع وزارت نیرو تامین مالی شده است (ماده یک تبصره (۲) مصوبه وزیر نیرو در زمینه تعیین مقررات (نرخ و ضوابط مرتبط) ترانزیت انرژی الکتریکی در شبکه برق کشور)

این در حالی است که کماکان هیچ جبران تاخیری برای پرداخت صورتحساب‌ها دیده نشده و سرمایه گذار هیچ تأمینی برای بازگشت سرمایه خود ندارد. به طور خلاصه باید گفت که این قانون با چنین دستورالعملی برای بازگشت سرمایه و سود قابل رقابت با سرمایه‌گذاری‌های مشابه در صنعت کشور هیچ جذابیتی را برای سرمایه‌گذاری نیروگاه حرارتی ایجاد نکرده و نمی‌کند. با این روند توقف سرمایه‌گذاری‌ها در حوزه تولید برق که در طول سال‌های برنامه ششم توسعه به تدریج رخ داده، کاملاً قابل انتظار بوده است.

در این میان نحوه تعیین نرخ پایه به نحوی که سرمایه‌گذاران غیر دولتی بتوانند بر اساس مدل‌های مالی و اقتصادی معمول با عرضه برق در بازار عمده‌فروشی و نیز بورس انرژی، به اداره نیروگاه‌های تحت تملک خود بپردازند هم مساله‌ای است که در طول این برنامه محقق نشد. وفق ماده ۶ دستورالعمل تعیین نرخ خرید تضمینی برق موضوع بند (ت) ماده ۴۸ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه مقرر بوده وزارت نیرو دستورالعملی را برای تعیین نرخ پایه بازار برق ظرف دو ماه تعیین و ابلاغ کند که متأسفانه به لحاظ بی‌انگیزگی وزارت نیرو این ابلاغ با گذشت بیش از ۱۴ ماه آن هم به صورت ناقص و فقط با اعلام یک رقم (به جای دستورالعمل) صورت گرفت. متأسفانه همین ابلاغیه دیرنگام هم به دلیل تغییرات شدید نرخ ارز و هزینه تمام شده تولید برق کارایی خود را کاملاً از دست داد.

جای بسی تعجب است که وزارت نیرو به جای تلاش در حفظ و نگهداشت سرمایه‌گذاران غیر دولتی، با وضع مقررات مختلف و بعضاً مغایر با قوانین و آرای دیوان عدالت اداری در این سال‌ها نه تنها نقش حاکمیتی و ملی خود را به درستی ایفا نکرده، بلکه بر حفظ و تقویت یکجانبه خریداران دولتی برق (عمدتاً شرکت‌های توزیع) و شرکت شبکه برق ایران متمرکز بوده است.

مشکل اینجا است که وزارت نیرو از ساختارهای غیرقانونی همچون هیات تنظیم بازار نیز به عنوان وسیله اعمال قدرت خود در خرید برق استفاده کرده و از زمانی که با همت و نظر مجلس شورای اسلامی مقرر است نهاد تنظیم‌گر بخش برق (رگولاتوری) تشکیل و خلاء تعدیل در روابط خریدار و فروشنده برق را به صورت قانونی پر کند، نهایت تلاش و

مشکل اینجا است که وزارت نیرو از ساختارهای غیرقانونی همچون هیات تنظیم بازار نیز به عنوان وسیله اعمال قدرت خود در خرید برق استفاده کرده و از زمانی که با همت و نظر مجلس شورای اسلامی مقرر است نهاد تنظیم‌گر بخش برق (رگولاتوری) تشکیل و خلاء تعدیل در روابط خریدار و فروشنده برق را به صورت قانونی پر کند، نهایت تلاش و جدیت را در تغییر دبیرخانه این نهاد از شورای رقابت به وزارت نیرو اعمال و دنبال کرده است



گام اول وزارت نیروی دولت سیزدهم؛ اصلاح قیمت خرید برق از نیروگاه‌های غیر دولتی

حسنعلی تقی‌زاده لنده، عضو هیات‌مدیره سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق



سرمایه‌گذاری در احداث نیروگاه‌های جدید و کاهش تولید نیروگاه‌های برقی با ظرفیتی قریب به ۱۰ هزار مگاوات مهم‌ترین و موثرترین دلیل وقوع خاموشی‌های اخیر بود. مساله بسیار کلیدی که نباید از نظر دور داشت این است که اقلیم ایران خشک است و وزارت نیرو ناگزیر است بر اساس همین شرایط اقلیمی برای تامین آب و برق کشور برنامه ریزی کند و عدم توجه به این مساله نتیجه‌ای جز بروز خاموشی‌های گسترده مانند امسال نخواهد داشت. لذا ضروری است برای مواجهه موفق با پیک برق برای وابستگی غیر قابل انکار تامین برق تابستان به نیروگاه‌های برقی چاره‌اندیشی شود.

تابستان ۱۴۰۰ برای صنعت برق روزهای بسیار دشوار و پرتنش به دنبال داشت. وقوع خاموشی‌های گسترده، کاهش ساعات کار ادارات، تعطیلی روزانه شهرک‌های صنعتی و در نهایت تعطیلی چند هفته‌ای صنایع فولاد و سیمان، راهکارهای ناگزیر وزارت نیرو برای مدیریت خاموشی‌ها بودند.

اگرچه مدیران وزارت نیرو و شرکت توانیر در روزها و هفته‌های ابتدایی بارها بر این مساله تاکید کردند که گرمای زودهنگام امسال در کنار استخراج غیر قانونی رمزارزها، از جمله مهم‌ترین دلایل این خاموشی‌ها هستند، اما واقعیت این است که پیش از همه این مسائل کاهش چشمگیر



افزوده می‌شد، وضعیت برای تامین برق در سال‌های آینده هم بحرانی خواهد بود.

اعمال خاموشی‌های گسترده امسال، زنگ خطر یک بحران جدی در بخش‌های مختلف از جمله صنعت و اقتصاد و نارضایتی گسترده در بین مردم بود. شاید یکی از مهمترین اقداماتی که در وزارت نیروی دولت سیزدهم باید انجام شود این است که خسارت ناشی از خاموشی‌ها را در بخش‌های صنعتی و اقتصادی بررسی کرده و به عدد تبدیل کند. شاید مقایسه خسارتی که فقط به صنایع وارد می‌شده با سرمایه‌گذاری مورد نیاز برای توسعه نیروگاه‌ها، سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان کشور و وزارت نیرو را به تغییر رویکردشان نسبت به برق ترغیب کند.

کافی است این مساله را در نظر بگیریم که در خاموشی‌های زمستان سال گذشته که وزارت نیرو برای مدیریت مصرف، اقدام به خاموش کردن چراغ‌های معابر کرد، بر اساس اعلام پلیس راهنمایی و رانندگی، بیش از ۲۶ انسان جان خود را بر اثر تصادف در خیابان‌های تاریک تهران از دست دادند، بدون آن‌که مدیر یا مسئولی پاسخگو باشد و یا مدعی‌العموم به ریشه این تصادفات ورود کند.

صنعت برق ایران، صنعتی توانمند و پیشرو است و می‌توانست سرمایه‌های بخش خصوصی را در حوزه‌های مختلف خود جذب کند، اما این مهم مستلزم سیاست‌گذاری صحیح و بسترسازی مناسب برای سرمایه‌گذاران غیر دولتی است. وقتی رقم مطالبات نیروگاه‌های غیردولتی به بیش از ۲۵ هزار میلیارد تومان رسیده است، در نبود نهاد مستقل تنظیم‌گر، برق را با قیمت غیر اقتصادی در ساختار غیرشفاف بورس و بازار انرژی می‌فروشند، نمی‌توانند برق تولیدی و مازاد خود را صادر کنند، با وزارتخانه‌ای کار می‌کنند که به قانون و احکام صادره در دیوان عدالت اداری توجهی ندارد و آمیدی به تغییر سیستم تصمیم‌گیری وزارت نیرو و حاکمیت در باره بهای برق ندارند، چه‌طور می‌توان انتظار نتیجه‌ای جز توقف سرمایه‌گذاری در این صنعت را داشت؟ بازگشت سرمایه‌ها به صنعت برق بیش از هر چیز مستلزم تغییر نظام تعرفه‌گذاری برق خریداری‌شده از نیروگاه‌های غیر دولتی است. وزارت نیرو باید ضمن تامین منابع مالی لازم جهت تسویه بدهی خود به تولیدکنندگان برق، زمینه را برای اصلاح قیمت خرید برق آنها هم فراهم کند. وزارت نیرو در ابتدای کار خود باید روشن کردن دلایل و الزامات واقعی کردن قیمت برق را در دستور کار قرار دهد. چرا که اگر این فرصت از دست برود، صنعت برق دوباره روی دور باطل اقتصاد بیمار، باید آماده مواجهه با سال‌های سخت بعدی باشد که بدون تردید در صورت گشایش اقتصادی، نتیجه‌بخش بودن مذاکرات، روشن شدن موتور صنایع و افزایش میزان مصرف برق آن‌ها، بسیار بغرنج‌تر و بحرانی‌تر از امروز خواهد بود.

سوال بسیار اساسی که در خاموشی‌های امسال مطرح شد این بود که چرا برای نیروگاه‌های برقی که عمدتاً وابسته به میزان بارش‌ها و ذخایر آب پشت سدها هستند، در سال‌های کم‌بارشی که با خشک‌سالی مواجه هستیم، جایگزین مناسبی پیش‌بینی نشده است؟ به هر حال ایران با اقلیمی خشک و بارش‌های اندک قابل پیش‌بینی، باید علاوه بر بحران کم‌آبی، بحران خروج برقی‌ها از مدار و خاموشی را به عنوان یک تهدید جدی برای اقتصاد، رفاه اجتماعی و رضایت عمومی مردم مد نظر قرار دهد.

خاموشی‌های امسال نشان داد که این بحران با فرافکنی حل شدنی نیست. تجربه این خاموشی‌ها در شرایطی که مدیران وزارت نیرو تلاش می‌کردند خاموشی را به گردن ماینرها بیندازند، آن هم در حالی که به طور روشن و شفاف میزان مصرف استخراج‌کنندگان رمزارز را اعلام نشد تا مشخص شود قطعی‌های برق که گاه در یک روز سه بار در یک منطقه رخ می‌داد، ناشی از چه میزان کمبود برق و مصرف غیر مجاز ماینرها است. افزون بر اینکه به هر حال شناسایی و قطع برق مزارع تولید رمزارز برای شرکت‌های توزیع نیروی برق بسیار ساده بود. جالب‌تر این که در هیچ یک از این اظهارنظرها به توقف بی‌سابقه سرمایه‌گذاری‌ها و افول بخش خصوصی که به این صنعت به ویژه در حوزه تولید برق ورود کرده‌اند، اشاره‌ای نشده بود.

برای کشوری که ترسالی یک اتفاق غیر قابل پیش‌بینی و بی‌ثبات است، اتکا به دو سال پربارش و عبور کم‌دغدغه از پیک مصرف برق، توقف سرمایه‌گذاری‌ها در نیروگاه‌های غیر برقی و تجدیدپذیر یک اشتباه استراتژیک است که هزینه‌های آن غیرقابل جبران بوده و عوارضش غیر قابل توجیه به نظر می‌رسند.

فرافکنی وزارت نیرو در روشن کردن دلایل خاموشی و گذاشتن بار این مساله روی دوش پرمصرفی مردم، آن هم با چشم‌پوشی از مسئولیت روشن این وزارتخانه برای تامین برق مورد نیاز کشور، راهکار درستی برای مواجهه با آنچه بر این صنعت گذشته است، نیست و این مساله ای است که در وزارت نیروی دولت سیزدهم باید به شکل جدی مورد توجه قرار گیرد.

نباید این مساله را فراموش کنیم که تولیدکنندگان غیر دولتی برق بارها از انباشت مطالبات و تعرفه‌گذاری غیر منصفانه برق گلایه کرده و نسبت به فرار سرمایه از این صنعت هشدار داده‌اند، اما بی‌توجهی مدیران وقت وزارت نیرو به این مساله، عملاً به ایجاد فرصت‌سوزی‌های جدی در این صنعت منجر شده است. بدون تردید مدیران ارشد صنعت برق به خوبی به این مساله آگاهند که در شرایطی که میزان تولید برق بر اساس برنامه ششم توسعه باید سالانه ۵۰۰۰ مگاوات افزایش می‌یافت و به دلیل نبود منابع مالی کافی و البته عدم سرمایه‌گذاری بخش خصوصی سالانه رقمی بین ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ مگاوات بر ظرفیت موجود



موانع، ابهامات و مشکلات تمدید پروانه بهره‌برداری تولید برق پروانه بهره‌برداری نیروگاه، جواز بهره‌کشی از سرمایه‌گذار خصوصی

مجید غمامی، عضو هیات مدیره سندیگای شرکت‌های تولیدکننده برق



شروع شد که هیات تنظیم بازار برق که با اختیار وزیر نیروی وقت و در پی دستور وی در سال ۱۳۸۲ تشکیل شد، در قامت یک نهاد تنظیم گر بازار که قرار بود مستقل از بازیگران بازار برق باشد، جلوه کرد. ولی در طول زمان نشان داد که این هیات به جای تنظیم گری بازار برق، در جایگاه بازوی مشورتی وزیر نیرو عمل می‌کند. سیاهه اقدامات این هیات به خوبی گویا است که کارویژه آن پشتیبانی و نمایندگی تمام‌قد از وزارت نیرو است و در این طریق نیز ابایی از زیرپانهادن قانون ندارد. این هیات با پندار ناصواب صلاحیت قانونگذاری، مقرراتی وضع و اجرا کرده است و هم اکنون نیز می‌کند که آشکارا خارج از صلاحیت قانونی وزارت نیرو است. در حقیقت این هیات در قالب مقرراتی که برای تنظیم بازار، وضع و ابلاغ می‌کند، به جای تنظیم گری بازار، عملاً راه را برای اجرای تصمیمات دلخواه و خلق الساعه برای واحدهای عملیاتی زیرمجموعه وزارت نیرو باز کرده است. اوضاع چنان شده است که اگر نسبت به هر یک از اقدامات و تصمیمات شرکت‌های زیرمجموعه وزارت نیرو در زمینه ی تولید برق اعتراضی شود پاسخ آماده این است: «این تصمیم مستند به فلان مصوبه

تولیدکنندگان غیردولتی برق در طول سال‌های اخیر با مشکلات بسیاری دست و پنجه نرم کرده اند که بدعهدی وزارت نیرو در پرداخت مطالبات فعالان این حوزه و پایین بودن نرخ خرید برق از این نیروگاه‌ها جزو اصلی‌ترین مشکلات معرفی می‌شوند. با وجود این نیروگاه‌های غیردولتی گرفتاری‌های متعدد دیگری هم دارند که زابیده نقش چندوجهی وزارت نیرو در صنعت برق است. وقتی یک وزارتخانه با استفاده از اقتدار حاکمیتی و اتکا به نقش سیاست‌گذاری صنعت، در جامه ی خریدار و تولیدکننده برق هم ظاهر شده و علاوه بر این که مشتری کالای تولیدی نیروگاه‌ها است یکی از رقبای آن‌ها هم محسوب می‌شود، نحوه سیاستگذاری دچار ابهامات و پیچیدگی‌های گسترده ای خواهد شد که اثرات آن را به خوبی می‌توان در آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های ابلاغی و نیز عدم تمکین این وزارتخانه به برخی از قوانین مشاهده کرد.

یکی از مسائلی که نیروگاه‌های غیر دولتی را با مشکلات عدیده مواجه کرده، پدیده ی نوظهوری به نام صدور پروانه بهره‌برداری نیروگاه است. واقعیت این است که وزارت نیرو در طول سالیان اخیر با تفسیری نابجا از اختیارات قانونی خود و بدون در نظر گرفتن الزامات قانونی توسعه و بهبود محیط کسب و کار و مانع زدایی از تولید، فرایندی غیر شفاف و مستبدانه را برای صدور پروانه بهره‌برداری برای نیروگاه‌های کشور در پیش گرفته است. این فرآیند نه تنها فاقد مبنای قانونی و توجیه اقتصادی و فنی است، بلکه خود تبدیل به یکی از موانع مهم برای تولید برق در نیروگاه‌های خصوصی شده و عملاً هزینه‌های مالی قابل توجهی را به آن‌ها تحمیل کرده است.

در شرایط کنونی که تامین پایدار انرژی الکتریکی در وضعیتی شکننده قرار دارد و صنعت برق به دلیل اعمال خاموشی‌ها به شدت مورد نقد قرار گرفته، رفع موانعی مانند نحوه صدور پروانه ی بهره برداری مداخله جدی نهادهای ذیصلاح حاکمیتی در جهت ممانعت از ادامه این فرایند و رفع این موانع در سالی که از سوی مقام معظم رهبری سال «تولید، پشتیبانی‌ها، مانع‌زدایی‌ها» نام نهاده شده است، را الزام می‌کند.

نگاهی به سابقه چالش‌ها و مشکلات تولیدکنندگان برق درباره تمدید پروانه بهره‌برداری نشان می‌دهد که مساله‌ای که به سادگی قابل حل است چگونه می‌تواند برای یک نیروگاه، چالش‌های جدی ایجاد کند. این مساله از آن جا

نگاهی به سابقه چالش‌ها و مشکلات تولیدکنندگان برق درباره تمدید پروانه بهره‌برداری نشان می‌دهد که مساله‌ای که به سادگی قابل حل است چگونه می‌تواند برای یک نیروگاه، چالش‌های جدی ایجاد کند. این مساله از آنجا شروع شد که هیات تنظیم بازار برق که با اختیار وزیر نیروی وقت و در پی دستور وی در سال ۱۳۸۲ تشکیل شد، در قامت یک نهاد تنظیم گر بازار که قرار بود مستقل از بازیگران بازار برق باشد، جلوه کرد. ولی در طول زمان نشان داد که این هیات به جای تنظیم گری بازار برق، در جایگاه بازوی مشورتی وزیر نیرو عمل می‌کند

به بیان ساده‌تر یک نیروگاه به عنوان واحد تولیدی، به طور متعارف در طول یک سال دچار تغییرات جدی نمی‌شود و به همین دلیل اساساً به پایش سالیانه نیازی ندارد. در حقیقت هر نیروگاهی با توجه به طبیعت خود دارای شرایط ثابتی بوده و متغیرهای موثر بر رانندگی و توان یا مشخصه‌های فنی آن در چرخه‌های زمانی مشخص و متناسب با کمیت و کیفیت تولید برق در هر نیروگاه متفاوت و متمایز از سایر نیروگاه‌هاست.

از این رو یکی از جدی‌ترین نقدهایی که به موضوع تمدید سالانه پروانه بهره‌برداری وارد است این است که مشخص نیست چرا مدت اعتبار کوتاه مدت یک‌ساله برای نیروگاه در نظر گرفته شده و این مدت به صورت نوعی برای همه نیروگاه‌ها یکسان در نظر گرفته شده است؟ آن هم در شرایطی که می‌توان تمدید پروانه بهره‌برداری را به صورت منطقی و حرفه‌ای به انجام تعمیرات برنامه‌ریزی‌شده ادواری و ارائه مستندات انجام این نوع تعمیرات موکول کرد.

کافی است این مساله را در نظر بگیریم که وزارت صمت، که بنا به اصل تنها مرجع صدور پروانه بهره‌برداری واحدهای صنعتی و تولیدی است، طی یک فرایند مشخص پروانه بهره‌برداری صنایع مختلف را به صورت دائمی یا اعتبار موقت ادواری برای دوره‌های معین صادر می‌کند. مقایسه این ترتیب منطقی با رویه نامرئیه وزارت نیرو حکایت از آن دارد که وزارت نیرو در وضع مقررات صدور پروانه بهره‌برداری، از اساس به دنبال مقاصد دیگری است که شاید ایجاد یک فرصت مغتنم برای برآوردن سلسله نامتناهی انتظارات و توقعات غیر قراردادی و غیر قانونی مهمترین آن‌ها باشد.

تجربه نشان داده که وزارت نیرو، عدم تمدید پروانه بهره‌برداری را به مستمسکی برای کسر از درآمد ناشی از فروش برق نیروگاه تبدیل کرده و در حالی که خود تکلیف قانونی مندرج در بند «و» ماده ۱۳۳ قانون برنامه پنجم توسعه را در روزآمد کردن تعرفه خرید برق از نیروگاه‌های خصوصی به واسطه یکی از مصوبات همین هیات تنظیم بازار، انجام نداده، برای تولیدکنندگان غیردولتی برق تعهدات جدید ایجاد کرده است. وزارتخانه‌ای که با وجود انباشته شدن انبوه مطالبات نیروگاه‌های خصوصی از محل فروش برق حاضر به پرداخت خسارت تاخیر قانونی برای این بدعهدی نیست، تولیدکنندگان را به بهانه‌های متعدد از جمله تمدید پروانه بهره‌برداری به کسر درآمد و جریمه محکوم می‌کند، آن هم در دادگاهی که خود، هم شارع هم شاکي هم قاضی و هم مجری حکم است.

اما اکنون نوبت آن است که بطلان آن فرض بالا را مدلل کنیم؛ وزارت نیرو برای صدور پروانه بهره‌برداری نیروگاه

هیات تنظیم بازار است و ما فقط مجری آنیم. حتی اگر غیرقانونی باشد مادام که لغو نشده باید اجرا شود». البته اگر پرسید که این هیات خودخوانده هیچ مبنا و جایگاه قانونی ندارد، پاسخ فقط لب‌گزیدن است و خاموشی طفره‌وار. با همین رویکرد، طبق مصوبه‌ی شماره ۱۶۳ مورخ ۱۳۸۹/۶/۱۷ هیات تنظیم بازار برق مقرر شد که سرمایه‌گذاران خصوصی جهت بهره‌برداری از نیروگاه‌های خود ملزم به تقاضای صدور پروانه بهره‌برداری و نگهداری نیروگاه از وزارت نیرو و شرکت مدیریت شبکه شوند. مدت اعتبار این پروانه یک ساله است و شرایط و ضوابط صدور آن از قبل تعیین نشده است.

نکته بسیار کلیدی این است که بر اساس تبصره ۳ اصلاحی ماده ۳ قانون اصلاح مواد ۶، ۷ و ۸ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی موضوع ماده ۵۷ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر، پروانه بهره‌برداری یاد شده از مصادیق بارز مجوز کسب و کار تلقی شده و منطقیاً مشمول حکم تبصره یاد شده است. این در حالی است که تاکنون اصل صدور این مجوز و شرایط و ضوابط آن به تصویب «هیات مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار» نرسیده است. عدم تمکین به امر غیر قانونی کار را به آن‌جا کشاند که هیات تنظیم بازار دست به شمشیر برد و در مصوبه‌ی غیر قانونی، علاوه بر عدم شفافیت فرایند صدور، برای ضمانت اجرای عدم درخواست صدور یا تمدید این پروانه، مجازات مالی در نظر بگیرد که البته این مساله با طرح دعوی از سوی نیروگاه‌های خصوصی و به موجب رای هیات عمومی دیوان عدالت اداری به جهت تجاوز از اختیارات قانونی، ابطال شد. هر چند به رغم رای دیوان عدالت اداری، هیات تنظیم بازار همچنان این جرایم را به موجب مصوبه شماره ۱۸۸ مورخ ۱۳۹۰/۰۶/۰۲ با نامی دیگر و به عنوان کسر درآمد از مطالبات نیروگاه اعمال می‌کند؛ شمشیر از او گرفته شد ولی از ترکش خود سلاحی دیگر برگرفت.

حال بیایید فرض کنیم که وزارت نیرو مجاز به صدور پروانه بهره‌برداری است و باز هم فرض کنیم که شرایط صدور این پروانه از پیش به صورت شفاف و پایدار اعلام شده است. پرسش این است که چرا اعتبار آن یک سال است؟ واقعیتی که وزارت نیرو چشم از آن پوشیده این است که نیروگاه یک واحد تولیدی با مختصات مشخص است که بعد از احداث و ورود به مرحله بهره‌برداری تجاری و با رعایت استانداردهای فنی و اعمال چرخه‌ی تعمیرات ادواری برای مدت معین که برابر با عمر مفید آن است، قابلیت بهره‌برداری مطمئن دارد. بر این پایه هیچ‌گونه اقتضا یا دلیل موجهی وجود ندارد که پروانه بهره‌برداری آن حتی با فرض داشتن مبنای قانونی قابل اتکا، به تمدید سالیانه از سوی وزارت نیرو نیاز داشته باشد.

درآمدی تازه برای خودش ایجاد کرد. پیش از آن و در طول اجرای برنامه های سوم و چهارم با وجود مبادله ی قراردادهای خرید تضمینی، این وزارتخانه هیچ تکلیفی را برای صدور پروانه بهره‌برداری بر عهده خود نمی‌دانست و کار طی یک روال مشخص انجام می‌شد. اما در طول سال های اخیر تغییر شرایط مالی و سطح بدهی‌های وزارت نیرو، رویکردش نسبت به قوانین هزینه‌ساز برای بخش خصوصی را تغییر داده است.

با وجود این که هیچ نیروگاهی بدون کسب موافقت اصولی اولیه از وزارت نیرو و امکان سنجی اقتصادی و فنی متقاضی در کشور ساخته نمی‌شود و هر سرمایه‌گذاری برای احداث نیروگاه و تولید برق چه برای ارائه برق در بازار عمده فروشی و چه به منظور فروش تضمینی به وزارت نیرو در چارچوب قرارداد خرید تضمینی باید موافقت اصولی اولیه از سوی وزارت نیرو را کسب کرده و با هماهنگی این وزارتخانه طی مکان‌یابی مناسب از جهت امکان تامین سوخت نیروگاه و بهترین نقطه اتصال به شبکه نیروگاه را احداث کند، اما به نظر می‌رسد این وزارتخانه در ادامه مسیر هم قصد ندارد سایه سنگین قیمومت دست و پاگیر خود را از سر سرمایه‌گذاران بخش خصوصی بردارد.

در پایان باید گفت که در تبصره ۳ اصلاحی ماده ۳ قانون اصلاح مواد ۶۰۱ و ۷ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم مندرج در ماده ۵۷ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور عنوان شده که شرایط و فرایند صدور مجوزهای کسب‌وکار و مبنای قانونی آن‌ها باید به صورت شفاف باشد و بعد از تصویب به اطلاع همگان برسد و امکان تغییر سلیقه‌ای آن بدون اطلاع قبلی وجود ندارد. تکلیف وزارت نیرو به تمکین همین بند قانونی می‌تواند تولیدکنندگان برق را از یک دردسر بزرگ نجات دهد. در شرایط فعلی وزارت نیرو به جای تامین فضای امن سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در صنعت راهبردی نیروگاهی و ایفای نقش منطقی خود در یک مشارکت عمومی و خصوصی برد-برد، در عمل به مانعی در فرایند تولید انرژی تبدیل شده و پیش از هر اقدامی امکان سنجی ورود سرمایه‌های خصوصی به بخش نیرو را به نتیجه محتوم باخت-باخت محکوم کرده است. لذا شاید یکی از اقدامات موثر و کلیدی وزارت نیروی دولت سیزدهم باید کاستن حجم بوروکراسی بی‌تأثیر به ویژه در خصوص تمدید پروانه بهره‌برداری به عنوان یک اقدام فراقانونی غیر منطقی باشد تا امیدها به بازگشت سرمایه به حوزه نیروگاهی کشور اندکی پررنگ‌تر شود.

فاقد مستند و حجت قانونی است. به تعبیر دیگر صدور گواهی بهره‌برداری از نیروگاه توسط وزارت نیرو، فاقد مبنای قانونی است. گرچه وزارت نیرو برای توجیه این اقدام به مواد ۵ و ۶ قانون سازمان برق استناد می‌کند اما این استناد از حیث دلالت کاملاً غیر قابل قبول است. چرا که مفاد مواد ۵ و ۶ قانون سازمان برق حاکی از آن است که، پروانه بهره‌برداری مجوزی است که، وزارت نیرو برای احداث نیروگاه به متقاضی سرمایه‌گذاری اعطا می‌کند. در سال ۱۳۷۹ و همزمان با رویکرد اقتصادی کشور در اقبال به خصوصی سازی صنعت برق در ماده ی ۱۲۲ قانون برنامه سوم توسعه کشور وزارت نیرو موظف شد به بخش خصوصی اجازه تأسیس و بهره‌برداری نیروگاه های خصوصی دهد. در همین راستا این وزارتخانه نسبت به به صدور مجوز احداث نیروگاه خصوصی یا تامین مالی بخش خصوصی در قالب قراردادهای BOT و BOO اقدام کرد.

قراردادهای موصوف با اخذ موافقت اصولی اولیه یا در مواردی با برگزاری مناقصات در چارچوب قانون منعقد شد و در آن‌ها شرایط احداث و بهره‌برداری و تعهدات سرمایه‌گذار در دوره احداث و بهره‌برداری تجاری و نحوه ی نظارت وزارت نیرو بر فعالیت های سرمایه‌گذار به تفصیل شرح داده شده بود. در تمام طول سال های اجرای برنامه سوم توسعه، وزارت نیرو پروانه احداث و بهره‌برداری از نیروگاه خصوصی را بدون نیاز به قانون کهنه سازمان برق، در قالب همین قراردادهای صادر می‌کرد. اما متأسفانه این شرایط در قانون برنامه چهارم تغییر کرد و با تصویب آیین‌نامه ی بند «ب» ماده ی ۲۵ قانون برنامه، ایجاد بازار رقابتی عمده فروشی برق در دستور کار قرار گرفت. به این ترتیب با کوتاه شدن دوره خرید تضمینی در قراردادهای خرید تضمینی برق، مالکان نیروگاه های خصوصی ناگزیر به عرضه برق تولید خود در بازار عمده‌فروشی شدند.

البته موضوع تمدید سالانه پروانه بهره‌برداری از اواسط دولت دهم و با انباشته شدن دیون وزارت نیرو به بخش خصوصی مطرح شد، درستی در زمانی که هیات تنظیم بازار برق آرام آرام به ابزار تولید دستورالعمل‌های سفارشی تبدیل شد. تدوین جراثم جدید و عمدتاً غیرقانونی و خارج از عرف برای نیروگاه ها و کاستن آن‌ها از مطالبات تولیدکنندگان برق حاصل رویکرد جدید هیات تنظیم بازار بود. با این دیدگاه هیات تنظیم با بازگشتی غیر قابل پیش‌بینی به قانون ۴۵ ساله سازمان برق، مصوبه جدیدی تدوین و ابلاغ کرد که براساس آن صدور و تمدید پروانه بهره‌برداری به عنوان یکی از وظایف این هیات تعیین شده بود.

به این ترتیب وزارت نیرو از قانونی که بسیاری از مفاد آن سال‌ها است با مقررات دیگر جایگزین شده، هفت‌خوانی غیر قابل پیش‌بینی، برای سرمایه‌گذاران نیروگاهی و منبع



راهکارهای ناگزیر توسعه صنعت برق



سیدفریدالدین معصومی، عضو هیات مدیره سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق

می‌توانست به ابزاری برای توسعه بازارهای صادراتی از مسیر بخش خصوصی، ارزآوری و ایجاد ارزش افزوده بیشتر برای کشور، زمینه‌سازی برای تبدیل ایران به هاب انرژی منطقه و تحکیم امنیت کشور از طریق وابستگی اقتصادی کشورهای همجوار به برق ایران تبدیل شود. اما متأسفانه در طول این سال‌ها علیرغم همراهی‌ها و مشارکت تولیدکنندگان غیردولتی برق با وزارت نیرو، این وزارتخانه هنوز هم نتوانسته به فعالان این بخش اعتماد کند و تصدی‌گری خود را در این بخش کاهش دهد.

اگر زمینه برای صادرات برق توسط بخش خصوصی در زمان غیرپیک و حتی مجوز واردات برق در زمان‌های پیک مصرف برای فعالان این صنعت فراهم می‌شد و وزارت نیرو مطابق قانون تنها در ترانزیت برق ایفای نقش می‌کرد، قطعاً سرمایه‌گذاران این حوزه انگیزه مناسبی برای ورود به حوزه نیروگاهی پیدا می‌کردند. البته این همه در گرو تدوین یک سیاست جامع انرژی برای تامین پایدار گاز نیروگاه‌ها با قیمتی اقتصادی و مطابق با منافع ملی امکان‌پذیر است. در مقابل اما ادامه روند فعلی نه تنها به یک فرصت‌سوزی تاریخی در حوزه صادرات برق منجر شده و سهم ایران را از بازار برق منطقه کاهش می‌دهد، بلکه به عاملی برای استمرار افت سرمایه‌گذاری‌ها در این صنعت بدل می‌شود.

نکته کلیدی دیگری که نباید از نظر دور داشت این است که ضعف‌های ساختاری اقتصاد صنعت برق چنان گسترده و

صنعت برق به ویژه در حوزه نیروگاهی در طول سال‌های اخیر با مشکلات متعددی مواجه بوده که عمده آن‌ها از سه عامل اساسی یعنی تحریم، ساختار صنعت برق و مشکلات داخلی وزارت نیرو نشأت می‌گیرند. استمرار این سه ابرچالش در طول این سال‌ها عملاً به گریز سرمایه‌ها از صنعت برق منجر شده و بخش خصوصی را از ورود مجدد به حوزه احداث یا حتی خرید نیروگاه‌های جدید بازداشته است.

واقعیت این است که اقتصاد نابسامان برق، قیمت‌گذاری تکلیفی و از همه مهمتر انباشت مطالبات نیروگاه‌های غیر دولتی به عنوان زنجیره‌ای مخرب از چالش‌ها، عواملی هستند که سرمایه‌گذاران این حوزه را به نوعی ناامیدی از بهبود شرایط صنعت برق دچار کرده‌اند. به بیان ساده‌تر تا زمانی که این زنجیره آسیب‌زا از چرخه ساختار اقتصادی صنعت برق حذف نشود، نمی‌توان انتظار بازگشت رونق به سرمایه‌گذاری‌های صنعت برق را داشت.

در شرایطی که به دلیل گستردگی و عمق تحریم‌های بین‌المللی عملاً هر گونه امکان تامین نقدینگی از مسیر فاینانس و یا شرکای خارجی برای سرمایه‌گذاران از میان رفته، واردات قطعات به یک فرایند پرهزینه و حتی ناممکن تبدیل شده، کشور با کمبود منابع ارزی مواجه است و انتقال و مبادله ارز از مسیر واسطه‌ها هزینه‌های بسیاری را به شرکت‌ها تحمیل می‌کند، بی‌اثر دانستن تحریم‌ها آن هم در یک صنعت زیرساختی نظیر برق، یک اشتباه بزرگ است.

این مسأله در شرایطی به ایجاد یک بحران جدی در صنعت نیروگاهی کشور بدل می‌شود که ساختار نهادی برق در ایران دچار نقصان‌های جدی و بزرگی است که به هر حال نمی‌توان از آن‌ها چشم‌پوشید. ساختار بیمار صنعت برق در بطن اقتصاد پرنوسان و ملتهب کشور، عملاً به سیستمی پرهزینه برای فعالان این صنعت بدل شده است. چرا که از یک سو درآمد نیروگاه‌ها از محل فروش برق آن هم با قیمت‌های تکلیفی که پایین‌تر از بهای تمام شده می‌باشند، به صورت ریالی است؛ اما در مقابل عمده هزینه‌های آن‌ها برای تامین قطعات، توسعه زیرساخت‌ها و تعمیرات دوره‌ای و اورهال نیروگاه، ارزی است. جبران اختلاف قابل‌ملاحظه بین درآمدهای ریالی و هزینه‌های ارزی، عملاً نیروگاه‌ها را به یک مجموعه زیان‌ده بدل کرده است.

در این بین چتر انحصار وزارت نیرو بر سر صادرات برق هم به یک عامل دیگر برای گریز سرمایه‌ها از این صنعت بدل شده است. در حقیقت فرایند فعلی صادرات برق یک مبادله سودآور برای وزارت نیرو است، در حالی که با نگاهی فرابخشی





برق، زمینه را برای توسعه زود هنگام ظرفیت های موجود فراهم کرده و حداقل تا اندازه ای برای مواجهه با خاموشی های احتمالی سال آینده که ناشی از افت سرمایه گذاری ها ظرف یک دهه اخیر است، مهیا شود.

راهکارهای میان مدت

در میان مدت هم اصلی ترین راهبرد جلوگیری از انباشت مطالبات نیروگاه ها است و در کنار آن بدون تردید ایجاد مشوق های لازم برای تکمیل نیروگاه های گازی توسط بخش خصوصی می تواند نویدبخش جبران عقب ماندگی های یک دهه ای صنعت از برنامه ریزی ها باشد.

راهکارهای بلندمدت

در بلندمدت اما اصلی ترین راهکار صنعت برق برای بازگشت به ریل توسعه ایجاد اطمینان خاطر و احساس امنیت برای سرمایه گذاران است. بازگشت سرمایه های بخش خصوصی به صنعت برق تنها راه حل برای رونق بخشی به این صنعت است، لذا چاره ای جز تسهیل سرمایه گذاری و ایجاد اطمینان از نحوه بازگشت سرمایه فعالان این صنعت نیست.

به علاوه وزارت نیرو باید فرآیندی قانونی، شفاف و کارآمد برای تامین ارز مورد نیاز نیروگاه ها از طریق صادرات برق یا سایر مسیرهای ممکن پیش بینی کرده و بسترهای لازم را برای اعطای ضمانت نامه های لازم برای سرمایه گذاران بخش خصوصی در حوزه نیروگاهی فراهم آورد. در نهایت رفع انحصار از واردات و صادرات برق هم راه حلی است که برای توسعه نمی توان از آن چشم پوشی کرد.

به طور خلاصه باید گفت صنعت برق برای پیاده سازی همه این راهکارها به اخلاق مداری، روحیه جهادی و نیز یکپارچگی و درک مشترک بین دولت و بخش خصوصی نیاز دارد و نظام بوروکراتیک فعلی در وزارت نیرو همخوانی چندانی با این شاخصه ها ندارد. لذا به نظر می رسد تغییر رویکرد در این وزارتخانه بر مبنای سه راهبرد مذکور می تواند زمینه را برای بهبود شرایط صنعت برق در کوتاه مدت فراهم کند.

عمیق است که عملاً به کارگیری روش های نوین مالی را در نیروگاه ها ناممکن کرده است. نحوه قیمت گذاری برق و یارانه عظیم و قابل توجهی که به مصرف کنندگان این کالای استراتژیک تعلق می گیرد، عملاً موازنه جریان درآمد و هزینه های صنعت برق را از بین برده و به یکی از عوامل جدی برای انباشت مطالبات این وزارتخانه از دولت و بدهی های آن به بخش خصوصی تبدیل شده است.

افزون بر این که به دلیل نقش های متعدد و گاه متناقض وزارت نیرو در صنعت برق به عنوان متولی صنعت، تولیدکننده و خریدار برق، سیاستگذاری های این صنعت را در برخی موارد گرفتار تعارضات جدی کرده است. به همین دلیل بخش خصوصی سال هاست نبود یک نهاد تنظیم گر مستقل برای برق را به عنوان یکی از چالش های جدی مطرح و پیگیری کرده است.

ایجاد نهاد رگولاتوری می تواند بخشی از تعارضات موجود را رفع کرده، به بهبود نحوه قیمت گذاری برق کمک کند و زمینه را برای شفافیت فرآیندهای اقتصادی و قانونگذاری برق فراهم می کند. در حقیقت در سایه ایجاد یک نهاد تنظیم گر مستقل، می توان به تدوین آیین نامه ها و بخشنامه های تسهیل گر و منصفانه و همچنین تعیین قیمت اقتصادی برای برق امید بیشتری داشت.

به هر حال آنچه که امروز در صنعت برق کشور قابل مشاهده است، انباشت مشکلات گسترده در وزارت نیرو به دلیل نبود نقدینگی و منابع مالی کافی است. ما به التفاوت قیمت تمام شده و تکلیفی برق که عدم پرداخت آن از سوی دولت به وزارت نیرو به ایجاد یک مطالبه بیش از ۵۰ هزار میلیارد تومانی برای این وزارتخانه منجر شده، وزارت نیرو را به یکی از بزرگترین طلبکاران دولت تبدیل کرده که در کنار آن ده ها هزار میلیارد تومان هم به بخش خصوصی بدهکار است.

این انباشت بدهی که عوارض و پیامدهایش آنطور که باید جدی گرفته نمی شود، شالوده صنعت برق را دچار ضعف های جدی کرده است. در حقیقت عدم توانایی وزارت نیرو در پرداخت بدهی هایش به دلیل ارزان فروشی برق، نه تنها زیرساخت های اصلی صنعت را تضعیف کرده، بلکه دست بخش خصوصی را هم برای توسعه و حتی حفظ سرمایه گذاری های انجام شده بسته است. ضمن این که بوروکراسی حاکم بر این وزارتخانه خود به مانع جدیدی برای تسهیل و توسعه فعالیت های بخش خصوصی تبدیل شده است.

راهکارهای کوتاه مدت

با وجود همه این چالش ها اما صنعت برق همچنان راهکارهای موثری در پیش رو دارد. این صنعت در کوتاه مدت می تواند با تعیین تکلیف مطالبات نیروگاه ها، ایجاد مشوق های لازم برای نیروگاه های کوچک مقیاس، تجدیدپذیر و تولید پراکنده و نیز اعطای تسهیلات خاص کوتاه مدت به تولیدکنندگان

نجات حیات نیروگاه داران در گرو همکاری دولت و مجلس



گفت‌وگو با محمدرضا پورابراهیمی، رییس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی



به نظر می‌آید مرتفع‌نشدن مشکلات صنعت برق در کنار عدم تسویه مطالبات بخش خصوصی این صنعت ارثیه دولت سیزدهم از دولت‌های پیشین است.

در این میان، سرمایه‌گذاری در حوزه نیروگاهی با بحران‌هایی بزرگتر نیز دست به گریبان است. چرا که این نوع از سرمایه‌گذاری به دلیل ارقام بسیار بالا و عموماً ارزی لازم برای سرمایه‌گذاری، نیازمند سازوکارهای تامین مالی از سوی صندوق توسعه ملی است و این امر از طریق بانک‌های عامل صورت می‌پذیرد. اما در حال حاضر به سبب کمبود نقدینگی شدید در این حوزه که در پی عوامل مختلفی چون

قیمت نازل و ثابت برق طی چندین سال به وجود آمده، شرایط در این صنعت به گونه‌ای پیش رفته است که عملاً این بانک‌ها دیگر برای تامین نقدینگی سرمایه‌گذاری در بخش تولید برق همکاری نمی‌کنند و در نتیجه انگیزه سرمایه‌گذاران بخش خصوصی برای ورود و یا تداوم فعالیت در این عرصه به میزان چشم‌گیری کاهش یافته است.

این در حالی است که با توجه به نیاز روزافزون کشور به برق به عنوان زیرساخت زیرساخت‌های تولید در کشور، خصوصاً در صورت رفع تحریم‌ها و رفع موانع تولید، ضرورت احداث نیروگاه‌های جدید به طور جدی احساس می‌شود.

با این وجود توجه ویژه مجلس یازدهم به رفع مشکلات نقدینگی و ترغیب سرمایه‌گذاران در نیروگاه‌سازی این امیدواری را ایجاد می‌کند که شاید اقدامات جدی از ناحیه مجلس برای رفع این مشکلات انجام شود. با این حال واقعیتی که هم مسئولان دولتی و هم نمایندگان مجلس بر آن اذعان داشته‌اند آن است که هر سال پیکره صنعت تولید برق نحیف‌تر می‌شود و مطالبات آن فزونی می‌یابد.

در این خصوص با محمدرضا پورابراهیمی، رییس کمیسیون اقتصادی مجلس گفت‌وگوی کوتاهی داشتیم که با هم می‌خوانیم:

خواهیم شد. کمیسیون اقتصادی مجلس روند ورشکستگی بنگاه‌های مرتبط با نیروگاه‌های برق را در صورت عدم توجه دولت به این موضوع قطعی می‌داند، چرا که ما معتقدیم در حال حاضر هم مشکلات زیادی برای این واحدها به وجود آمده است. با این وصف مجلس نگران تولید برق در کشور است چرا که برق زیرساخت زیرساخت‌ها و یک کالای کاملاً استراتژیک و حیاتی برای کشور و اقتصاد است.

با توجه به نگرانی‌های جدی موجود، به منظور ترغیب بیشتر سرمایه‌گذاران برای ورود و تداوم حضور در ساخت نیروگاه‌ها چه اقداماتی در سطح مجلس انجام خواهد شد؟ برق، مورد نیاز خانوارها و واحدهای تولیدی و صنعتی بی‌شماری در کشور است، اما در زمینه فعالیت این نیروگاه‌ها مشکلاتی رخ داده است. مجلس در حمایت از رونق و تداوم تولید هر اقدامی که در راستای آن باشد انجام خواهد داد. البته باید به این موضوع نیز اشاره داشت که ممکن است برخی اقدامات از دید سرمایه‌گذاران دیگری که هنوز وارد این عرصه اقتصادی نشده‌اند پنهان بماند، اما به هر حال

برای برون‌رفت نیروگاه‌ها از مشکلات کنونی که دلیل اصلی آن کمبود نقدینگی است مجلس شورای اسلامی چه اقداماتی انجام خواهد داد؟

کمیسیون اقتصادی مجلس گزارش‌های جامعی را در خصوص وضعیت نگران‌کننده نیروگاه‌ها که به دلیل عدم وصول مطالبات‌شان از دولت پدید آمده است، در دستور کار قرار داد؛ از جمله گزارش ماده ۴۵ که به احکامی اشاره شده که تکالیف دولت را مشخص می‌کند و همچنین گزارش ماده ۲۳۴ که تخلفات دستگاه‌های اجرایی مرتبط با این حوزه را مشخص می‌کند.

ارزیابی شما از همکاری دولت با مجلس در حوزه تولید برق و سیاست‌گذاری‌های آن در این بخش چیست؟ از منظر کمیسیون اقتصادی مجلس، سیاست‌های دولت‌های پیشین در بحث حمایت از نیروگاه‌ها برای تولید برق به دلیل عدم ایفای تعهدات به آن‌ها بابت خرید تضمینی، امکان ادامه حیات آن‌ها را با مشکل جدی مواجه کرده است و اگر دولت یک تصمیم جدی برای آن‌ها نگیرد طبیعتاً با مشکل مواجه

به دلیل توسعه شدید فعالیت اقتصادی در کشور و نیاز مبرم به سرمایه گذاری، کمیسیون اقتصادی مجلس قطعا برنامه ریزی خود را معطوف به این خواهد کرد که ظرفیت نیروگاهی کشور را سالی ۵ تا ۱۰ هزار مگاوات افزایش دهد تا بتوانیم به تعهدات توسعه ای پاسخ بدهیم

مشکلات متعاقب آن قابل حل است و کمیسیون اقتصادی و کمیسیون انرژی مجلس می توانند با همکاری دولت سیزدهم این مشکل را برطرف کنند.

هر اقدامی که در راستای سیاست های کلان صورت گیرد موجب مدیریت سرمایه و هدایت آن خواهد شد. بنابراین در تلاشیم تا با ابزارهای نظارتی خود شرایط عملکرد نیروگاه ها را در وضعیت عادی قرار دهیم. مثلا در بخش انرژی های پاک و همچنین در بخش انرژی های فسیلی که از ظرفیت های آن ها استفاده می شود به دلیل توسعه شدید فعالیت اقتصادی در کشور و نیاز مبرم به سرمایه گذاری، کمیسیون اقتصادی مجلس قطعا برنامه ریزی خود را معطوف به این خواهد کرد که ظرفیت نیروگاهی کشور را سالی ۵ تا ۱۰ هزار مگاوات افزایش دهد تا بتوانیم به تعهدات توسعه ای پاسخ بدهیم.

ما نگران جدی تولید و توسعه نیروگاه ها در کشور هستیم. روند توسعه اقتصادی در زمینه های مختلف کشور به گونه ای است که نیازمند توسعه شبکه تولید انرژی و برق در کشور است. البته در حال حاضر به نظر می رسد با این شرایط و عملکردی که دولت های پیشین در خطوط موجود نیروگاهی داشته اند، انگیزه ای برای حضور بخش خصوصی در این بخش باقی نخواهد ماند، اما این رویه حتما قابل اصلاح و





بازی با اعداد و ابهام در گزارش دهی وزارت نیرو



ابراهیم خوش گفتار، نایب‌رئیس هیات‌مدیره سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق

مجموعاً ۲۰ هزار و ۱۴ مگاوات ظرفیت جدید تولید برق به بهره‌برداری رسیده و بر این اساس سالانه به طور متوسط ۲۵۰۰ مگاوات به ظرفیت تولید برق کشور افزوده شده است این آمار با آمار اعلام شده توانیر مغایرت دارد.

همچنین بر اساس این گزارش جمعاً از ۸۶ واحد نیروگاه حرارتی بزرگ با بیش از ۷ میلیارد یورو سرمایه‌گذاری، بهره‌برداری شده و کار ساخت ۴۳ نیروگاه حرارتی بزرگ دیگر با ظرفیت ۱۶ هزار و ۳۰۹ مگاوات آغاز شده است که این نیروگاه‌ها در دولت سیزدهم به بهره‌برداری خواهند رسید. پیام این آمار و ارقام، میراثی قابل اتکا برای وزارت نیروی دولت سیزدهم، است اما در واقعیت شاید بهتر باشد در مورد این اعداد کندوکاو بیشتری صورت بگیرد. پیش از آن اما اگر افزایش سالانه ۲۵۰۰ مگاواتی ظرفیت تولید را به عنوان یک آمار مستند در نظر بگیریم باز هم ما نسبت به پیش‌بینی‌های برنامه پنجم و ششم توسعه، هر سال ۲۵۰۰ مگاوات عقب‌ماندگی داریم و به نظر می‌رسد جبران این اعداد بسیار دشوار و شاید در شرایط فعلی ناممکن باشد.

صنعت برق در پایان دولت دوازدهم عملاً سخت‌ترین روزهای خود را گذراند. خاموشی‌های تابستان امسال که بسیار گسترده‌تر از حد انتظار عمومی و حاصل سیاست‌های دولت‌های اخیر بود، به درستی نشان داد که دولت تدبیر و امید حداقل در زمینه سرمایه‌گذاری و تامین نقدینگی صنعت برق، ناکام بوده است. نکته کلیدی و مهمی که در این میان نباید از نظر دور داشت این است که با وجود این که در روزهای ابتدایی بروز خاموشی‌ها، وزیر نیروی وقت و سایر مدیران ارشد صنعت برق تلاش بسیاری کردند تا خاموشی‌ها را معلول استخراج‌های غیر قانونی رمزارز، گرمای هوا و خشکسالی معرفی کنند، اما در نهایت با بالاگرفتن موضوع، ناگزیر به پذیرش کاهش سرمایه‌گذاری به عنوان عامل اصلی خاموشی‌ها شدند.

با این وجود وزارت نیرو در آخرین هفته‌های فعالیتش در دولت دوازدهم گزارشی از اقدامات خود در حوزه افزایش توان تولید برق ارائه داد. در این گزارش به این مساله اشاره شده بود که در طول دولت‌های یازدهم و دوازدهم



صورت جدی به آن توجه کرد رقم ۲۰ هزار ۱۷ مگاواتی نیروگاه‌هایی است که در طول دولت‌های یازدهم و دوازدهم به مدار وارد شده و به بهره‌برداری رسیده‌اند. این درحالی است که بر اساس آمار ارائه شده از سوی شرکت توانیر مجموع ظرفیت نیروگاه‌هایی که از ابتدای سال ۹۲ تا پایان سال ۹۹ وارد مدار شده‌اند رقمی بالغ بر ۱۶ هزار و ۳۴۰ مگاوات است. تفاوت این دو عدد معادل ۷ نیروگاه ۵۰۰ مگاواتی است که نشان می‌دهد یا این هفت نیروگاه از فهرست نیروگاه‌های کشور جا افتاده و یا وزارت نیرو در محاسبه ظرفیت اضافه شده تولید برق کشور دچار اشتباه شده است.

فراموش نکنیم که وزیر نیروی دولت دوازدهم در کنفرانس توجیهی بی‌سابقه‌اش به بخش خصوصی، در صدور دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های مربوط به برنامه ششم توسعه هم بسیار ضعیف عمل کرد. یک بررسی ساده و سطحی نشان می‌دهد که در طول چهار سال گذشته در وزارت نیرو هیچ دستورالعمل یا آیین‌نامه‌ای مرتبط با برنامه ششم توسعه تدوین و ابلاغ نشده و هیچ قراردادی برای افزایش ظرفیت تولید مطابق با این برنامه امضا نشده است.

آمار وزارت نیرو در حوزه نیروگاهی نیازمند بازنگری و بررسی مجدد است. شاید لازم است از وزیر نیروی دولت دوازدهم و مدیران ارشد صنعت برق این سوال پرسیده شود که در این فرصت طلایی چهارساله چه بر سر صنعت برق کشور آوردید؟ امیدوارم وزیر نیروی دولت سیزدهم و مدیران ارشد وزارت نیرو عملکرد دولت یازدهم و دوازدهم در حوزه صنعت برق را به عنوان یک تجربه تلخ و ناکارآمد مورد توجه قرار دهند و با رویکردی منطقی زمینه بازگشت سرمایه‌گذاران به این صنعت را فراهم سازند.



نکته مهم دیگری که نباید از نظر دور داشت این است که ۱۶ هزار و ۲۰۰ مگاوات نیروگاه در حال احداث که قرار است میراث گرانتامیه دولت دوازدهم باشد، بر چه مبنایی محاسبه و اعلام شده است. بدون تردید همه صنعت‌گرانی که با قوانین، روش‌ها و آیین‌نامه‌های سرمایه‌گذاری در حوزه نیروگاهی آشنایی دارند به درستی به این مساله واقفند که در طول برنامه سوم توسعه ده‌ها هزار مگاوات مجوز احداث نیروگاه توسط سازمان توسعه برق ایران صادر شد. متأسفانه عمده این مجوزها بدون بررسی توانایی و امکانات مالی سرمایه‌گذاران صادر شده و عملاً بسیاری از آنها در سال‌های بعد دچار بلاتکلیفی و توقف شد. با این وجود مجوزهای صادر شده بلاتکلیف با سرمایه‌گذارانی که امکان اجرای پروژه را ندارند، همچنان در لیست پروژه‌های در حال احداث وزارت نیرو باقی ماند تا اعداد امیدبخش‌تر از شرایط واقعی صنعت برق باشد.

بنابراین فهرست ۱۶ هزار مگاواتی که وزیر نیروی دولت تدبیر و امید از آن به عنوان نیروگاه‌های در حال احداث یاد کرده که قرار است در دولت سیزدهم به بهره‌برداری برسد، باید با این نگاه بازنگری شده و مجوزهای قدیمی، پروژه‌های متوقف و سرمایه‌گذاری‌های ناموفق تفکیک شوند.

این که وزارت نیرو به چه میزان برای احداث نیروگاه‌های جدید مجوز صادر کرده، به هیچ عنوان تصویر درستی از شرایط سرمایه‌گذاری در این حوزه ایجاد نمی‌کند؛ چرا که عمده سرمایه‌گذاران به ویژه در شرایط حاضر که انباشت مطالبات نیروگاه‌ها به یک رویه مرسوم تبدیل شده، بانک‌ها به دلیل بدهی‌های وزارت نیرو به صنعت برق پشت کرده‌اند، صندوق توسعه ملی از اعطای تسهیلات ارزی به فعالان این صنعت سر باز می‌زند و هیچ بانکی حاضر به مذاکره با سرمایه‌گذاران نیروگاهی در همه ابعاد نیست و عملاً همه ریسک‌های ناشی از نوسانات اقتصادی بر عهده سرمایه‌گذار است، که ترجیح می‌دهند به صنعت برق ورود نکنند.

آمار نشان می‌دهد که در حال حاضر ما کمتر از ۲ هزار مگاوات نیروگاه در دست احداث داریم که مجوز آن بر اساس برنامه پنجم توسعه صادر شده است. لذا باید این مساله روشن شود که کار چند نیروگاه در حال احداث به دلیل عدم تامین منابع مالی از سوی صندوق توسعه ملی، متوقف شده و چند سرمایه‌گذار در تامین سرمایه برای پیشبرد کار، ناکام مانده‌اند. پس از آن باید ببینیم دولت دوازدهم به جز ۳۰ هزار میلیارد تومان بدهی و تفاوت قریب به ۱۰ هزار مگاواتی تولید و مصرف برق در ساعات پیک و عقب ماندگی ۲۵ هزار مگاواتی از سرمایه‌گذاری‌ها چه میراث دیگری برای دولت سیزدهم دارد.

نکته مهم دیگری که در گزارش عملکرد وزارت نیرو باید به



موانع تجدید ساختار صنعت برق



مسعود حجت، کارشناس ارشد صنعت برق

که در طول قریب به ۲۰ سال اخیر در صنعت برق دنبال شد، به ایجاد تعارض جدی منافع برای تولیدکنندگان دولتی و خصوصی برق منجر شده و عملارقات برابر و منصفانه در بازار برق را ناممکن کرده است. البته رویکرد درست این است که همواره تعدادی ولو اندک از نیروگاه‌های غیر خصوصی در اختیار اپراتور شبکه باشد تا بتواند در مواقع حساس، مانورهای مورد نیاز را در شبکه انجام دهد، اما این بخش نباید سهم تعیین‌کننده‌ای در مناسبات اقتصادی بازار و ... داشته باشد.

در حقیقت لزوم سهم اندک نیروگاه‌های دولتی از بازار برق کشور در کنار یک نهاد تنظیم‌گر مستقل، اصلی‌ترین پیش‌نیازها برای حفظ شرایط عادلانه رقابت در این حوزه است. با این وصف لازمه اساسی ایجاد یک فضای رقابتی مناسب در صنعت برق برق با ویژگی انحصار طبیعی موجود در آن، علاوه بر بحث تسهیم مناسب بخش تولید (سهم عمدتاً غیر دولتی در مقابل اندک سهم دولتی برای موارد کنترل ضروری بازار برق و ...)، وجود یک نهاد مستقل رگولاتوری است.

همچنین باید این مساله را در نظر داشت که در زنجیره تولید و تامین برق اگر یکی از حلقه‌ها انحصاری باشد، این حلقه نباید در حلقه‌های بالادست یا پایین‌دست دخالت کرده و یا در آن سهمی داشته باشد. بر این اساس بخش دیسپاچینگ شرکت مدیریت شبکه که تعیین‌کننده میزان تولید هر نیروگاه است، نباید در هیچ یک از نیروگاه‌ها سهمی داشته باشد و این اصل مهم با وجود سهم توانیر در برخی از نیروگاه‌های دولتی عملاً زیر سوال می‌رود.

فراموش نکنیم که همه کشورها در حوزه صنایع بزرگ و زیرساختی یک روند مشابه را طی کرده‌اند. در ابتدا دولت برای افزایش سطح خدمات و سیستم‌دهی اداره و مالکیت را عهده دار می‌شود. پس از آن برای ثابت نگاه‌داشتن قیمت، ناگزیر به تخصیص یارانه شده و در نهایت به علت عدم توانایی در پرداخت یارانه، صنعت یا خدمات مورد نظر را به بخش خصوصی واگذار می‌کند.

در مورد صنعت برق نیز همین مسیر طی شده است. ابتدا و حدود دهه ۱۳۸۰ تولید برق توسط بخش خصوصی، در شهرهای کشور با نصب دیزل‌های کوچکی در گاراژها، آغاز شد. در حدود سال ۱۳۲۰، شرکت‌های وابسته به شهرداری‌ها به صنعت برق ورود کردند و این صنعت تا حدی سرو سامان گرفت. پس از آن و به فاصله کمتر از ۲۰ سال، شرکت‌های

تجدید ساختار صنعت برق در ایران ریشه‌ای نسبتاً دیرینه دارد و تحولات و رخداد‌های بسیاری را از سر گذرانده است. این مبحث برای اولین بار پیش از انقلاب و در سال‌های ۱۳۵۴ و ۱۳۵۵ با ارائه یک طرح پیشنهادی برای تشکیل شرکت ملی برق و شرکت ملی آب و قاضلاب، آغاز شد، هر چند این طرح در سال‌های پس از انقلاب و آغاز جنگ تحمیلی عملاً مسکوت ماند و پی‌گیری آن به سال‌های پس از جنگ موکول شد.

در حقیقت تجدید ساختار به دلیل افزایش چشمگیر مصرف برق و نیاز به رشد متناسب تولید، به عنوان یک ضرورت مد نظر قرار گرفته بود، چرا که مدیران این صنعت بر این باور بودند که ساختار سنتی سابق قادر به تامین این میزان از مصرف نیست.

البته هدف تجدید ساختار صنعت برق در ابتدا خصوصی‌سازی نبود، بلکه ضرورت آن با توجه به رشد چشمگیر مصرف برق و متناسب با آن نیاز به رشد تولید برق احساس می‌شد و ساختار پیشین این صنعت نمی‌توانست کارایی داشته باشد. دولت در صنعت برق و بسیاری از صنایع بزرگ به دنبال تفویض اختیارات و استقلال مالی هر یک از بخش‌ها برای شفافیت بیشتر بود و تجدید ساختار ابتدا با این رویکرد آغاز و سپس با محوریت خصوصی‌سازی ادامه یافت.

نگاهی به روند تجدید ساختار صنعت برق در سایر کشورها نشان می‌دهد که این اقدام اولین بار در انگلستان به صورت جدی با خصوصی‌سازی آغاز شد و بعد از انگلیس اغلب کشورهای اروپایی هم همین مسیر را طی کردند. در نهایت کشورهای مخالفی مانند فرانسه هم به دلایل متعددی از جمله عدم امکان رقابت یک شرکت دولتی بهره‌مند از رانت و یارانه دولتی با بازار برق اروپا که غالباً متشکل از شرکت‌های خصوصی بود، ناگزیر شدند به این کار تن دهند.

در ایران روند خصوصی‌سازی صنعت برق به دلیل واگذاری مالکیت برخی نیروگاه‌ها از وزارت نیرو به بخش دیگری از دولت یا وابسته به دولت (عموماً در ازای پرداخت بدهی‌های دولت یا وزارت نیرو)، عملاً مخدوش شد و به همین دلیل، امکان دستیابی به اهداف پیش‌بینی‌شده برای واگذاری‌ها هرگز فراهم نشد. این در حالی است که تجدید ساختار صنعت برق می‌توانست با عرضه سهام نیروگاه‌ها در بورس روند مناسب‌تری را طی کند و در کنار آن زمینه برای واقعی کردن قیمت برق و صرفه‌جویی در هزینه‌ها فراهم شود.

مساله بسیار کلیدی این است که تجدید ساختار با روشی

در صنعت برق منجر شد که نتیجه‌اش خاموشی‌های سال‌های ۵۶ و ۵۷ بود.

در نهایت در اواخر دهه شصت این دو ارگان با هم ادغام شدند و تا سال ۱۳۸۵ تمرکز ستادی و برنامه‌ریزی مناسبی در صنعت برق ایجاد و معاون برق وزیر نیرو و مدیرعامل توانیر موظف به پاسخگویی به همه مسائل این صنعت شد. سپس دوباره این دو ارگان از هم جدا شدند و چند سال بعد، راهبری تولید برق حرارتی نیز از توانیر تفکیک شد که هر یک از این جداسازی‌ها به دلایلی مشکلاتی ایجاد کرد.

به نظر می‌رسد با وجود مشکلات جدی کنونی صنعت برق نیازمند یک واحد ستادی است که با اشراف و اختیارات کامل مسئولیت صنعت برق را عهده‌دار شود. این واحد بدون هیچ وظیفه اجرایی، باید صرفاً بر روی تایید برنامه و بودجه مشترک و هماهنگ‌کردن شرکت‌های متولی تولید، انتقال، توزیع و دیسپاچینگ متمرکز باشد.

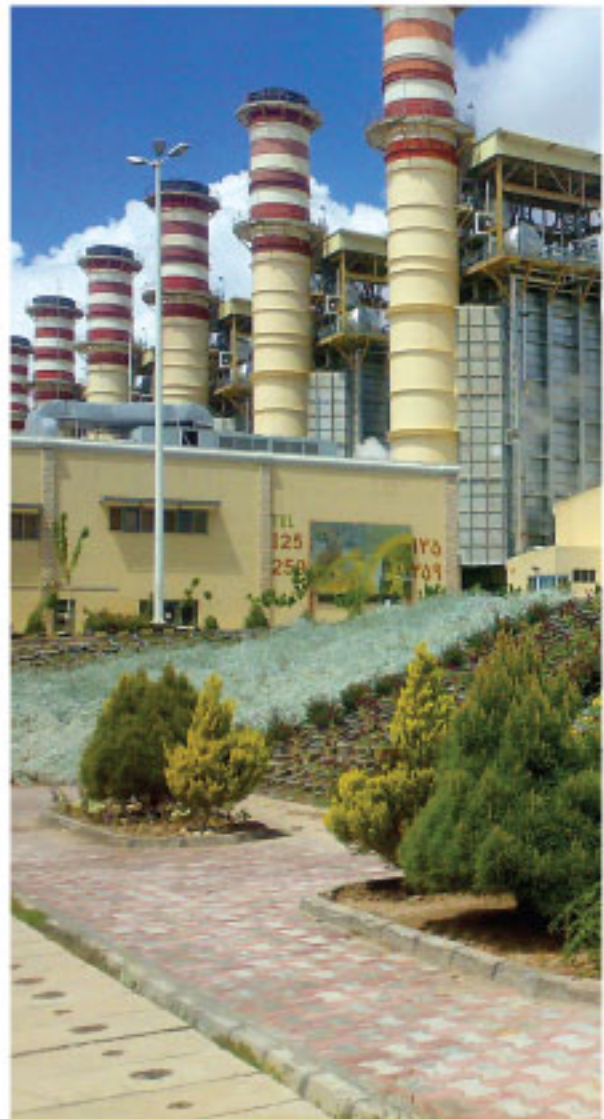
اما مساله بسیار مهم و اساسی که حتی در صورت بهبود ساختار نهادی صنعت برق باید برای آن چاره‌اندیشی شود، عدم دریافت هزینه تمام‌شده از مشترکین، در کنار عدم توانایی دولت برای پرداخت یارانه یا حداقل بخشی از آن است که به ایجاد نوعی پارادوکس در چرخه خصوصی‌سازی_ملی‌سازی منجر شده است. لذا به نظر می‌رسد این صنعت بیش از هر چیز به یک مرجع واحد برای ایجاد هماهنگی‌های کلان بین بخش‌های مختلف نیاز دارد.

البته اگر نهادی که قرار است در صنعت برق نقش نظارتی داشته باشد، از اختیارات لازم برای اعمال هماهنگی‌ها برخوردار نباشد، ضمانت اجرایی کافی برای عمل به دستورات این نهاد از سوی شرکت‌ها وجود نخواهد داشت، بنابراین باید اختیارات و قدرتی ویژه به این نهاد داده شود تا افراد حقیقی و حقوقی برای پذیرش خط مشی تعیین‌شده توسط این نهاد توجیه شوند.

به علاوه نمی‌توان این مساله را از نظر دور داشت که اصلاح ساختار صنعت برق برای دستیابی به اهدافی که از ابتدا برای توسعه این صنعت در نظر گرفته شده بود، مستلزم این است که تامین مالی این صنعت به شکلی منطقی، اقتصادی و بهنگام انجام پذیرد. در شرایط حاضر هم وزارت نیرو از نتایج واگذاری نیروگاه‌ها به نهادها و ارگان‌های عمومی ناراضی است و هم سرمایه‌گذاران بخش خصوصی به دلیل ناکارآمدی اقتصاد برق، از ورود به این صنعت رضایت چندانی ندارند. بر این اساس دستیابی به اهداف پیش‌بینی‌شده برای تجدید ساختار صنعت برق، نیازمند چاره‌اندیشی موازی و همزمان برای همه این موارد است. در غیر این صورت روند کنونی می‌تواند آسیب‌های جدی‌تری را برای پایداری شبکه ایجاد کند.

برق منطقه‌ای و سپس در سال ۱۳۴۸ شرکت توانیر شکل گرفت و طی این دو دهه صنعت برق را به شکل مطلوبی ارتقا داد.

پیش از تشکیل توانیر روال تصمیم‌گیری در صنعت برق به این شکل بود که وقتی در منطقه مشکلی ایجاد می‌شد، با توجه به این که نیروگاه‌ها نیز زیر نظر برق منطقه‌ای فعالیت می‌کردند، مدیرعامل برق منطقه‌ای پاسخگوی تمام مشکلات بود، به طوری که یک مدیرعامل برق منطقه‌ای عملاً هم مسئولیت اجرایی برای تامین برق چند استان را داشت و هم در جایگاه پاسخگویی تمام اتفاقات حوزه صنعت برق آن منطقه قرار می‌گرفت. اما پس از آن عملاً پاسخگویی به مشکلات موجود به توانیر سپرده شد و این مساله گاه مشکلات جدی ایجاد می‌کرد. تشکیل وزارت نیرو و تدوین شرح وظایف این وزارتخانه در کنار نقش توانیر، به ایجاد اختلافاتی





ضرورت‌های توسعه صنعت برق در دولت سیزدهم



سیدعلی حسینی؛ عضو هیات تنظیم بازار برق ایران

بر این اساس ضروری است دولت سیزدهم و در راس آن وزارت نیرو برای عبور صنعت برق از بحران‌های فعلی زمینه را برای جذب سرمایه‌های جدید در حوزه تولید برق و پایداری شبکه فراهم کند. همچنین ضروری است جایگاه انرژی‌های تجدیدپذیر در قوانین و اسناد بالادستی حوزه انرژی و برق بازنگری شود. وزارت نیرو باید موضوع تامین مالی برای توسعه صنعت برق را به عنوان یکی از مهمترین محورهای اقدامات و برنامه‌ریزی‌های خود مدنظر قرار داده و پیش از افول ظرفیت‌های فعلی، راهی برای تامین منابع مالی و نقدینگی مورد نیاز صنعت برق کشور پیدا کند. به علاوه ناگفته پیداست که پرنرنگتر کردن نقش بورس به عنوان ساختاری شفاف، رقابتی و اقتصادی برای کشف قیمت تعادلی برق و حرکت در جهت اصلاح ساختار اقتصادی این صنعت، راهبردهای کلانی است که باید ظرف چهار سال آینده در وزارت نیرو دنبال شود.

فراموش نکنیم که ما در صنعت برق دچار کمبود قوانین موثر نیستیم، ما نیازمند پیاده‌سازی کامل و شفاف قوانین موجود هستیم. به عنوان مثال سیاستی که برای راه اندازی بورس در قوانین پیش بینی شده بود، متأسفانه در اجرا به شکلی ناقص و آسیب‌زا پیاده‌سازی شد و با وجود راه اندازی بورس، بازار عمده فروشی برق که از حمایت و پشتیبانی قاطعی در ساختار دولت برخوردار است همچنان به کار خود ادامه داد. همین مساله قرارگرفتن بورس برق در جایگاه واقعی‌اش را با چالش مواجه کرد و عملاً امکان شفاف‌سازی، رقابت و کشف قیمت‌های تعادلی از مسیر بورس را از میان برد. امروز بورس انرژی به جای کشف قیمت واقعی برق، به محلی برای ارائه قیمت‌های انتحاری به ویژه در ماه‌های کم مصرف تر سال بدل شده و همین مسئله مشکلات تازه‌ای را برای نیروگاه‌های غیردولتی ایجاد کرده است. چرا که وقتی تولیدکنندگان دولتی به دلیل ساختار تولید و بهره‌مندی از حمایت و بودجه‌های دولتی، مظنه‌های پایین و غیرمتعارف را در بورس اعلام می‌کنند، عملاً با نیروگاه‌های غیردولتی که براساس روال معمول بنگاه‌های اقتصادی و فرآیندهای روشن سود و زیان فعالیت می‌کنند، وارد رقابتی نابرابر و مخرب می‌شوند. ذکر این نکته ضروری است که تمرکز بر کاهش سهم تصدی‌گری دولت در صنعت برق و واگذاری امور به بخش غیردولتی در کنار برنامه‌ریزی عملیاتی به منظور بهینه‌سازی مصرف و شفاف کردن قیمت تمام شده برق برای مشترکین، از دیگر اقداماتی است که انجام آن‌ها در دولت سیزدهم بسیار حیاتی و ضروری است.

در مجموع، وزارت نیرو به عنوان سیاستگذار اصلی صنعت برق پیش از هر اقدامی باید تلاش کند با نظر خواهی از تمامی ذی‌نفعان در خصوص موضوعات فوق به سیاست‌های موجهی دست یابد تا حداقل، امید به رفع برخی از مشکلات در این صنعت پرنرنگتر شود. در غیر این صورت جابجایی افراد و تغییرات ساختاری کوتاه مدت قطعاً اثربخش نخواهد بود.

صنعت برق در طول ماه‌های گذشته درگیر خاموشی‌ها بود و ابعاد مختلف فنی و اقتصادی این رخداد، توسط بسیاری از کارشناسان و متخصصین امر مورد بررسی قرار گرفت. مساله کلیدی این است که جلوگیری از خاموشی‌ها در طول سال‌های آینده، نیازمند برنامه‌ریزی و کنترل جدی است. لذا ناگزیر به اندازه‌گیری میزان خاموشی‌ها و خسارات ناشی از آن هستیم. شاید لازم باشد وزارت نیرو و بخش خصوصی، نسبت به ایجاد یک گروه مستقل برای انجام این ارزیابی‌ها با روش‌های علمی، اقدام کنند. به این ترتیب می‌توانیم میزان خسارات ناشی از خاموشی‌ها در اقتصاد کشور را اندازه‌گیری کرده و ابعاد و آثار آن را به درستی روشن کنیم. تبدیل و تقویم مجموع خسارت‌های ناشی از خاموشی‌های اخیر به یک عدد، ممکن است زمینه لازم برای تصمیم‌گیری قاطع و فوری مقامات و سیاستگذاران کشور در خصوص بازنگری در سیاست‌های کاری صنعت برق با هدف بهبود رفاه مردم و جلوگیری از تعطیلی صنایع فراهم کند.

باید این مساله را بپذیریم که برای دستیابی به توسعه باید فرآیندهای مربوطه را طی کرده و این فرآیندها را در قالب یک سند جامع پیش بینی کنیم. این سند جامع که در حقیقت نقشه راه توسعه کشور محسوب می‌شود باید براساس مفهوم پایداری (Sustainability) تدوین شود. نکته اینجاست که برق در ایجاد این پایداری در وجوه مختلف اقتصادی، زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبردی نقشی بسزا و غیر قابل انکار دارد.

لذا ما در صنعت برق هم به یک سند جامع توسعه‌ای نیاز داریم که در آن به درستی مشخص شده باشد که سرمایه‌گذاران و صنایع در کجای نقشه راه صنعت برق جای گرفته‌اند؟ وزارت نیرو به عنوان قوه عاقله صنعت برق، چه راهبردهایی را برای حفظ سرمایه‌های فعلی و جذب سرمایه‌گذاران جدید در نظر گرفته است؟

نقش وزارت نیرو در سند جامع توسعه صنعت برق به عنوان یکی از بنیان‌های پایداری توسعه کشور، باید به نحوی تعریف شود که این وزارتخانه عهده‌دار ایجاد ساز و کارهای لازم برای حضور همه ذی‌نفعان در تصمیم‌گیری‌های کلان این صنعت باشد.

اگر وزارت نیروی دولت سیزدهم تصمیمات کلان و موثر صنعت برق را با مشارکت همه ذی‌نفعان این حوزه اتخاذ کند، قطعاً می‌توانیم انتظار تغییرات و بهبودهای قابل توجهی را نسبت به شرایط فعلی داشته باشیم و به تحقق اهداف تعیین شده در اسناد بالادستی این صنعت امیدوار باشیم.

تجربه سال‌های گذشته ثابت کرده که متأسفانه باب تفاهم و تعامل در صنعت برق تا حدودی بسته شده و به همین دلیل دستیابی به راهبردهای اثربخش در این صنعت پیچیده میسر نیست، مخصوصاً این که راه حل‌های ساده برای موضوعات پیچیده پاسخگو نیستند.

فضا برای فعالیت بخش خصوصی در صنعت برق فراهم نیست

گفت‌وگو با مالک شریعتی نیاسر، سخنگوی کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی



با توجه به نیاز روزافزون کشور به انرژی برق به عنوان یکی از اصلی‌ترین مولفه‌های زیرساختی تولید در کشور خصوصا در صورت رفع تحریم‌ها و تحقق جهش تولید، ضرورت احداث نیروگاه‌های جدید به طور جدی احساس می‌شود و خاموشی‌های اخیر نیز گواه این امر است. بنابراین اگر هدف بالابردن ضریب اطمینان در شبکه سراسری برق است، باید راهکارهای حضور بخش خصوصی برای احداث نیروگاه بررسی و تسهیل شود، اما چگونگی ترغیب سرمایه‌گذاران بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری و احداث نیروگاه مساله مهمی است که به نظر می‌آید هنوز مورد توجه و اقدام جدی قرار نگرفته است. یکی از روش‌های تشویقی برای حضور بخش خصوصی در احداث نیروگاه می‌تواند صادرات برق باشد؛ موضوعی که سال‌ها است با وجود قانون، بخش خصوصی هنوز به آن نایل نشده است. مالک شریعتی نیاسر سخنگوی کمیسیون انرژی مجلس با اشاره به لزوم ترغیب بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری هر چه بیشتر در بخش تولید برق، مهم‌ترین دلیل خاموشی‌های اخیر را نبود برنامه ریزی در دستگاه متولی آن یعنی وزارت نیرو می‌داند. در این باره گفت‌وگوی «نیرو و سرمایه» را با سخنگوی کمیسیون انرژی مجلس در ادامه می‌خوانیم:

اما آن طور که وزارت نیرو اعلام کرده بخش زیادی از این کمبود ناشی از رشد غیرمنطقی مصرف بوده و عملاً مدیریت این بخش از عهده او خارج بوده و مردم باید همراهی کنند. وزارت نیرو وظایفی را در زمینه تولید برق داشته که تقریباً به هیچ یک از آن‌ها عمل نکرده است. به عنوان مثال سازمان هواشناسی از پارسال پیش‌بینی کرده بود که امسال، وضعیت بارندگی‌ها به هیچ وجه مناسب نخواهد بود. بنابراین این که ظرفیت تولید نیروگاه‌های برقی را امسال نداریم، اتفاق قابل پیش‌بینی بود، اما مسئولان طوری صحبت می‌کنند که انگار هیچ اطلاعی از گزارش‌ها نداشته و یک شبه ظرفیت تولید ۳۵۰۰ مگاوات کمتر شده است.

بی‌توجهی به هشدارهای سازمان هواشناسی موجب شده که عملاً هیچ برنامه ریزی برای تعمیر زود هنگام یا حتی به موقع نیروگاه‌ها نداشته باشیم. بر اساس آمار موجود حدود ۴ هزار مگاوات نیروگاه در دست تعمیر است و هنوز وارد مدار نشده‌اند. همچنین وزارت نیرو قرار بوده که میزان بهره‌وری در نیروگاه‌ها را افزایش دهد اما همچنان شاهد هستیم که میزان بهره‌وری در برخی از نیروگاه‌های کشور حدود ۲۰ الی ۳۰ درصد است. افزایش ظرفیت نیروگاه‌های تجدیدپذیر دیگر اقدامی است که دولت در سال‌های گذشته توجه چندانی به آن نداشته است. طبق هدف‌گذاری صورت گرفته قرار بود که ظرفیت نیروگاه‌های تجدیدپذیر به ۵ هزار مگاوات برسد اما هم‌اکنون برق تولید شده از نیروگاه‌ها حدود هزار مگاوات است. همچنین در حال حاضر ۱۰ درصد برق تولید شده در شبکه‌های برق در حال تلف شدن است.

اما متأسفانه وزارت نیرو برای این که افکار عمومی را منحرف کند و به نوعی خود را از اتهامات وارده و کوتاهی‌هایی که کرده مبرا کند، چنین مسائلی را مطرح می‌کند.



قطعی‌های برق در ماه‌های گذشته مشکلات بسیاری را در کشور ایجاد کرده است. به نظر شما چه عواملی خاموشی‌های اخیر را رقم زده است؟

وزیر نیروی وقت در توضیح دلایل قطعی‌های برق معمولاً گزارش‌هایی را درباره افزایش دما، مصرف برق مزارع رمزارز و کاهش ظرفیت تولید نیروگاه‌های برقی به دلیل کاهش بارندگی‌ها ارائه داده‌اند. اما هیچ‌گاه درباره تأثیر نبود برنامه ریزی مناسب برای گذر از بحران و بهره‌وری پایین نیروگاه‌ها و اتلاف بالای برق در شبکه برای خاموشی‌های اخیر توضیحی نداده است.

وزارت نیرو بهتر است بگوید که سیاست‌های نادرست خرید تضمینی برق و بدحسابی وزارت نیرو تا چه اندازه سرمایه‌گذاری در این صنعت را کاهش داده است.

صادرات در انحصار خودش باشد. باید قوانین کشور به گونه ای وضع شود که سهم دولت از اقتصاد به صورت واقعی کاهش پیدا کند و وزارتخانه ها و دستگاه های دولتی در این حوزه پاسخگو باشند. در سال های گذشته در هر قانون و برنامه ای کاهش سهم دولت از اقتصاد مورد تاکید قرار گرفته، اما عملاً این هدف محقق نشده است.

اما مسئولین وزارت نیرو می گویند که زیرساخت های لازم برای انتقال برق به کشورهای همسایه ایجاد نشده است. این ادعا تا چه اندازه درست است؟

بخش خصوصی خود حاضر است که زیرساخت های لازم را هم ایجاد کند. اگر امروز برای افزایش سهم خود از بازار برق کشورهای همسایه کاری نکنیم، خیلی زود پشیمان خواهیم شد. این همان اتفاقی است که یک بار در گاز تجربه کردیم و راحت از رقبای گازی خود جا ماندیم و بازارها را دودستی تقدیم آن ها کردیم. همین الان اگر وزارت نیرو اعلام کند که اجازه صادرات برق به بخش خصوصی را می دهد، بسیاری از سرمایه گذاران به این حوزه ورود می کنند. اما متأسفانه دولت می خواهد که تمام بخش های درآمدزا را در اختیار خود داشته باشد.



آمارهای موجود نشان می دهد که سرمایه گذاری در حوزه احداث و ارتقای ظرفیت نیروگاهی به شدت کاهش یافته؛ دلیل اصلی این کاهش چیست و تا چه اندازه به خاموشی های اخیر دامن زده است؟

در حال حاضر انتظار داریم که بخش خصوصی بیش از پیش وارد حوزه نیروگاه سازی شود. این در حالی است که بر اساس آمار موجود، وزارت نیرو به پیمانکاران صنعت برق بیش از ۳۰ هزار میلیارد تومان بدهکار است. بدهی که بعضاً برای چند سال پیش است، بسیاری از نیروگاه های کشور را زیانده کرده و عملاً امکان افزایش بهره وری و راندمان را گرفته است. با این وضعیت نمی توان انتظار رشد سرمایه گذاری بخش خصوصی در این حوزه را داشت. دولت هم که به دلیل محدودیت های مالی و همچنین قانونی، عملاً چنین امکانی را ندارد.

چه طور می توان به لحاظ قانونی مشکل سرمایه گذاری در صنعت برق را حل کرد؟ آیا بخش خصوصی می تواند در اولویت قرار داشته باشد؟

یکی از عوامل اصلی زیانده بودن صنعت برق، وضعیت قیمت ها و اقتصاد برق است. باید قوانین کشور به گونه ای تنظیم شود، که مشترکان پرمصرف قیمت واقعی را پرداخت کنند و تعرفه برق به صورت پلکانی افزایش پیدا کند.

همچنین وزارت نیرو اگر منابع لازم برای پرداخت بدهی فعالان صنعت برق را ندارد، می تواند با ایجاد شرایط صادرات برق توسط بخش خصوصی، به نوعی انگیزه لازم برای سرمایه گذاری در این حوزه را فراهم کند، اما این وزارتخانه همچنان می خواهد

اگر دولتی بودن نیروگاه ها نتیجه می داد، نباید امروز وضعیت صنعت برق تا این اندازه بحرانی می شد. بنابراین باید فضا را برای فعالیت بخش خصوصی فراهم کنیم. دولت باید خود از بخش خصوصی و حضور آن در بازار کشورهای همسایه پشتیبانی کند و سرمایه گذاران هم متعهد به تامین پایدار برق کشور باشند

آیا تقویت سرمایه گذاری بخش خصوصی را در این حوزه را کارسازتر می دانید یا بازگشت به تمرکز دولتی در صنعت برق؟

اگر دولتی بودن نیروگاه ها نتیجه می داد، نباید امروز وضعیت صنعت برق تا این اندازه بحرانی می شد. بنابراین باید فضا را برای فعالیت بخش خصوصی فراهم کنیم. دولت باید خود از بخش خصوصی و حضور آن در بازار کشورهای همسایه پشتیبانی کند و سرمایه گذاران هم متعهد به تامین پایدار برق کشور باشند.

فرار سرمایه، عامل بحران صنعت برق

گفت‌وگو با پرویز محمدنژاد قاضی محله، رییس کمیته نیرو کمیسیون انرژی مجلس



کاهش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در احداث نیروگاه برق سال‌هاست که به یکی از چالش‌های اصلی صنعت برق تبدیل شده است. آمارها نشان می‌دهد که سال‌های ۹۷ تا ۹۹ از دوران نه چندان مناسب در صنعت برق از نظر احداث نیروگاه بوده و سرمایه‌گذاری جدیدی در این حوزه صورت نگرفته است. در این باره با رییس کمیته نیرو در کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی گفت‌وگو کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید:



را بر مبنای دلار ۲۴ هزار تومانی تسویه کنند و به نوعی تاوان بدحسابی دولت را بدهند. این در حالی است که صادرات برق ایران عملاً در اختیار دولت بوده و بخش خصوصی سهمی از بازارهای صادراتی و گنج نهفته در آن ندارد. در واقع بخش خصوصی در حالی بدهی خود را به صورت ارزی باید پرداخت کند که درآمدش (البته اگر به موقع پرداخت شود) ریالی است.

جدای از این، بروکراسی پیچیده و رفتار متولیان امر با سرمایه‌گذاران در این بخش به هیچ وجه مناسب نبوده است. این ۴ عامل در کنار هم باعث شکل‌گیری بحران در صنعت برق شده است.

آیا قوانین موجود در کشور به گونه‌ای هست که تمایل سرمایه‌گذار برای ورود به این حوزه را افزایش دهد؟ شرایط پیش آمده حاکی از این است که ما خلاهایی را هم در حوزه قانون‌گذاری یا اجرای قوانین مصوب داریم. برای شناسایی این خلاها جلسات متعددی برگزار شده است.

آمارهای اعلامی نشان می‌دهد که میزان سرمایه‌گذاری در صنعت برق به خصوص در حوزه نیروگاه‌سازی به شدت کاهش یافته است. این کاهش چقدر در خاموشی‌های سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ دخیل بوده است؟ امنیت و داشتن توجیه اقتصادی دو اصل لازم در سرمایه‌گذاری است. اما متأسفانه انگیزه سرمایه‌گذاری در صنعت برق طی سال‌های گذشته به چند دلیل کاهش یافته و حتی نزدیک به صفر شده است.

یکی از دلایل از بین رفتن انگیزه سرمایه‌گذاری در این حوزه، حجم بالای بدهی‌های وزارت نیرو به پیمانکاران صنعت برق است. بر اساس آمار موجود بیش از ۳۰ الی ۳۵ هزار میلیارد تومان پیمانکاران صنعت برق از این حوزه طلب دارند.

اما دلیل دوم کاهش سرمایه‌گذاری، به تسهیلات ارزی که در این حوزه پرداخت می‌شود، بازمی‌گردد. بسیاری از سرمایه‌گذاران در این حوزه تسهیلاتی را بر مبنای ارز ۴ هزار تومان و حتی کمتر از آن دریافت کرده‌اند، اما به دلیل بدحسابی دولت قادر به بازپرداخت تسهیلات دریافتی در موعد مقرر خود نبودند و حالا مجبور هستند که بدهی خود

بر اساس قانون رفع موانع تولید هر کسی که موجب ضرر سرمایه‌گذار شود باید به نوعی این ضرر و زیان را جبران کند. به عنوان مثال افزایش نرخ دلار در سال‌های گذشته حاصل اشتباهات دولت در سیاست‌گذاری بوده و مطابق قانون نباید بخش خصوصی تاوان آن را بپردازد

سال‌های گذشته دولت اعتبارات سرمایه‌ای و پروژه‌های عمرانی خود را کاهش داده و مدام بر رقم اعتبارات جاری خود افزوده است. در واقع اگر همین روند را ادامه دهیم، در سال‌های بعد دولت‌های ما فقط مصرف‌کننده هستند و امیدی به دولت نیست. بنابر این چاره‌ای جز تقویت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در صنعت برق نداریم و باید نگاهمان به بخش غیر دولتی باشد.

پیش از سال ۸۹ در بودجه‌های سنواتی بندی برای جبران ماه‌التفاوت قیمت تمام‌شده و تکلیفی برق پیش‌بینی می‌شد که متأسفانه حذف شده است. بسیاری از کارشناسان بر این باورند این عدم تناسب در اقتصاد برق منجر به کمبود نقدینگی شدید در این صنعت و افزایش آسیب‌پذیری بخش خصوصی شده است. با این حال چرا همچنان در دولت و مجلس صحبت از ارائه برق رایگان و یا ارزان به نهادهای مختلف مطرح می‌شود که قاعدتاً به این کمبود نقدینگی دامن می‌زند؟ طبق گفته‌های مسئولان وزارت نیرو تولید هر کیلووات برق برای وزارت نیرو حدود ۵۸۰ تومان تمام می‌شود اما تعرفه برق دریافتی از طرف مردم حدود ۸۰ تومان است. اختلاف هزینه دریافتی و قیمت تمام‌شده خیلی بالاست اما با توجه به شرایط بد اقتصادی و کاهش سطح درآمد واقعی مردم و بدتر شدن افت سطح معیشتی مردم امکان افزایش تعرفه برق وجود ندارد و دولت نمی‌تواند هیچ بار اضافه‌ای را روی دوش مردم بگذارد.

برای بهبود قدرت مالی سرمایه‌گذاران این صنعت باید منابع درآمدی نیروگاه‌ها را افزایش داد و دولت می‌بایست امتیازاتی جانبی به آن‌ها بدهد تا تفاوت قیمت برق تکلیفی و تمام‌شده از این طریق پوشش داده شود

بنابر این برای بهبود قدرت مالی سرمایه‌گذاران این صنعت باید منابع درآمدی نیروگاه‌ها را افزایش داد و دولت می‌بایست امتیازاتی جانبی به آن‌ها بدهد تا تفاوت قیمت برق تکلیفی و تمام‌شده از این طریق پوشش داده شود. به عنوان مثال سرمایه‌گذاران این حوزه این اجازه را داشته باشند که ۱۰ درصد برق تولید خود را صادر کنند یا این که منابع مالی خود را از طریق رمزارز تامین کنند.

یکی از پیشنهادها ما در کمیسیون انرژی این بوده که اختیارات وزیر در حوزه قراردادهای افزایش داده شود و وزیر نیرو به نوعی اجازه تعدیل و جبران ضرر و زیان وارده به بخش خصوصی را داشته باشد.

همچنین بر اساس قانون رفع موانع تولید هرکسی که موجب ضرر سرمایه‌گذار شود باید به نوعی این ضرر و زیان را جبران کند. به عنوان مثال افزایش نرخ دلار در سال‌های گذشته حاصل اشتباهات دولت در سیاست‌گذاری بوده و مطابق قانون نباید بخش خصوصی تاوان آن را بپردازد و باید توسط دولت پوشش داده شود. به همین دلیل نمایندگان مجلس به دنبال تصویب قانونی هستند که تسهیلات ارزی بر مبنای نرخ ارز در زمان تنظیم قرارداد صورت گیرد. البته برای این مساله می‌توان شرایطی را هم گذاشت. به عنوان مثال کسانی مشمول این قانون می‌شوند که خوش‌حساب باشند و بدهی خود را در موعد مقرر تسویه کنند.

با توجه به شرایط موجود، چشم‌انداز بروز خاموشی را تا پایان پیک مصرف برق در سال جاری و در سال‌های آینده چگونه ارزیابی می‌فرمایید؟

آمارهای موجود نشان می‌دهد که در سال ۹۷ تا ۹۹ کمترین ظرفیت نیروگاه وارد مدار شده و در نتیجه هم اکنون کشور با فقدان سرمایه‌گذاری در این صنعت سرنوشت‌ساز و زیرساختی مواجه است.

متأسفانه باید بگویم نگرانی‌ها درباره تامین برق امسال کمتر از سال بعد بوده و سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ به مراتب اوضاع وخیم‌تر هم خواهد بود. بنابر این پیش‌بینی می‌شود دولت سیزدهم با چالش سنگینی در حوزه برق مواجه می‌شود چرا که هم اکنون نیروگاه در حال احداثی نداریم که قرار باشد در سال‌های آینده وارد مدار شود. ضمن این که به دلیل فرسودگی نیروگاه‌ها عملاً همه‌ساله ظرفیت تولید کمتر هم می‌شود. در حالی ظرفیت تولید روند کاهشی به خود گرفته که مصرف برق و مشترکین برق در کشور مدام در حال افزایش هستند.

آیا تقویت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را در این حوزه کارسازتر می‌دانید یا بازگشت به تمرکز دولتی در صنعت برق؟

با توجه به محدودیت منابع مالی دولت عملاً امکان سرمایه‌گذاری در هیچ بخشی به خصوص صنعت برق شدنی نیست. ضمن این که منابع مالی دولت شناور و کاملاً وابسته به نفت است. شاهد بودیم که تحریم‌ها تا چه اندازه درآمدهای دولت را کاهش داد و چه چالش بزرگی را ایجاد کرد. در چنین شرایطی نمی‌توان اساس یک صنعت زیرساختی را بر پایه اما و اگر استوار کرد.

علاوه بر این، نگاهی به عملکرد دولت‌های گذشته نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری در چنین پروژه‌هایی اولویت دولت‌ها نیست. برخلاف بسیاری از کشورهای دیگر در تمام



مصائب ورود نیروگاه ها به بورس

محمد جعفری اناری، مدیرعامل شرکت تولید و مدیریت نیروگاه زاگرس کوثر



انباشت مطالبات بخش غیر دولتی و نیاز آن به نقدینگی و همچنین عدم شفافیت قوانین موجود به ایجاد فضای رقابتی ناسالم برای فعالان این صنعت منجر شده است. کار به جایی رسیده به بسیاری از تولیدکنندگان غیر دولتی ترجیح می دهند برق را به جای بورس در بازار عمده فروشی عرضه کنند، با وجود این که اطمینان دارند مطالباتشان از محل فروش برق در بازار ممکن است تا ماه ها بعد وصول نشود.

البته در یک نظام شفاف و کارآمد سهولت تامین مالی از طریق بورس و بانک از مزایای مهم برای فعالان اقتصادی برشمرده می شود. اما متأسفانه در سیستم کنونی اقتصاد برق، بانک ها به دلیل انباشت بدهی های وزارت نیرو و مشکلات مالی ناشی از آن، عملاً حاضر به تخصیص تسهیلات به نیروگاه ها نیستند و بورس هم به دلیل رقابت ناسالم حاکم بر آن و قیمت های انتحاری برق، عملاً به یک باتلاق جدید برای تولیدکنندگان غیردولتی تبدیل شده است.

در این شرایط که تامین نقدینگی و سرمایه در گردش برای نیروگاه های غیردولتی بسیار دشوار و گاه ناممکن شده و به تسهیلات بانکی هم نمی توان امید چندانی داشت، عرضه نیروگاه ها در بورس می تواند به یک منبع مالی جدید برای آن ها تبدیل شود. فرآیند پذیرش در بورس، پرداخت به موقع، تعیین قیمت منصفانه دارایی ها، نقدشوندگی بالا، معافیت های مالیاتی، سهولت تامین مالی، آشنایی جامعه با واحدهای اقتصادی و ... از مزایای مهم و کلیدی بورس است. به علاوه در شرایطی که بسیاری از نیروگاه ها در با مشکل منابع مالی مواجهند، بورس این فرصت را در اختیار آن ها قرار می دهد نقدینگی مورد نیاز خود را به شکل ساده تری تامین کنند. نکته کلیدی دیگری که نباید از نظر دور داشت این است که ارتباط با کل اقتصاد کشور، جمعیت و افزایش سرمایه از مسیر بورس، می تواند اتفاقات تازه ای را در صنعت نیروگاهی کشور رقم بزند.

به هر حال نمی توان این مساله را انکار کرد که مساله نقدینگی جدی ترین و بزرگ ترین مشکل تولیدکنندگان برق است. فراموش نکنیم که از سال ۱۳۹۳ تا کنون قیمت خرید برق از نیروگاه ها ۵۰ درصد افزایش یافته، این در حالی است که بهای محصولات سایر صنایع تا ۶۰۰ درصد هم افزایش داشته است. همین مساله به ایجاد مشکلات جدی در سودآوری نیروگاه ها منجر شده و شرایط آن ها را هر روز بغرنج تر می کند.

البته در یک دوره زمانی حمایت از سرمایه گذاران بخش خصوصی صنعت نیروگاهی با تخصیص تسهیلات ارزی به درستی انجام شد، اما متأسفانه انباشت مطالبات این بخش، درآمد ریالی تقریباً ثابت و افزایش بی سابقه قیمت ارز، دست آن ها را برای

فعالیت صنعت نیروگاهی کشور پیچیدگی های گسترده ای دارد که عمدتاً ناشی از ساختار درهم تنیده صنعت برق و سهم دولت در بخش های مختلف آن است. واقعیت این است که برخلاف تصور عام، عمده نیروگاه های کشور و به ویژه نیروگاه های غیردولتی در همه روزهای سال به صورت مستمر کار نمی کنند. تفاوت پیک مصرف در روزهای گرم و سرد سال عملارقمی بالغ بر ۳۰ هزار مگاوات ظرفیت خالی در دوره های کم مصرف ایجاد می کند. به همین دلیل است که نیروگاهی مانند زاگرس کوثر در ایامی از سال ناچار به خاموش کردن تعدادی از واحدها است. خاموش کردن واحدهای یک نیروگاه یعنی بلااستفاده ماندن سرمایه ای عظیم و هنگفت که برای احداث آن واحدها ایجاد شده است. به بیان ساده تر هدررفت سرمایه هایی که عمدتاً ناشی از خاموشی واحدهای نیروگاه های غیر دولتی در ایام سرد سال است، نادیده گرفته می شود.

نکته بسیار کلیدی این است که بلااستفاده ماندن بخشی از ظرفیت های نیروگاه ها عملاً به تضعیف توان مالی و طولانی شدن دوره بازگشت سرمایه منجر می شود. در نهایت این نیروگاه ها توانی برای توسعه ظرفیت های خود نخواهند داشت و همین امر در نهایت صنعت برق را ناگزیر می کند با پدیده خاموشی مواجه شود. خاموشی یک درصدی شاید ساده و ناچیز به نظر برسد، اما در عمل همین یک درصد در پیک مصرف معادل خاموشی برای ۸۰۰ هزار مشترک است. به علاوه نباید و نمی توان هزینه های گزاف خاموشی ها به ویژه در حوزه اقتصاد و صنعت را نادیده گرفت و اثرات منفی آن در حوزه خدمات اجتماعی، رفاهی و سلامت مردم را در نظر نگرفت.

به نظر می رسد هنوز هم می توان اقتصاد ناپایدار، پارانهای و بیمار برق را اصلی ترین عامل افول سرمایه گذاری ها در حوزه نیروگاهی و در نهایت بروز خاموشی ها دانست. این در حالی است که اگر وزارت نیرو سیستمی کارآمد، شفاف و موثر را برای کشف قیمت واقعی برق و حداقل اصلاح قیمت خرید برق از نیروگاه ها پیاده می کرد، امروز شرایط به شکل دیگری رقم می خورد. البته قرار بود بورس انرژی فضای برای کشف قیمت واقعی برق و شکل گیری رقابت کامل در حوزه فروش این کالای استراتژیک باشد. اما متأسفانه بورس نه تنها نتوانست این انتظارات را برآورده کند، بلکه در عمل به ایجاد مشکلات جدیدی برای تولیدکنندگان غیر دولتی برق هم منجر شد.

عمده ترین دلیل عدم کارآمدی بورس انرژی، وجود خریداران خریدارها محدود و متصل به دولت است. این خریداران همواره تقاضای برق را با قیمتی خاص و قاعدتاً پایین تر از قیمت تمام شده و واقعی آن مطرح می کنند و این امر در کنار



چندانی با روند معمول بورس ندارد و معمولاً عدد قابل قبولی برای میانگین به دست می‌آید. نگاهی اجمالی به شرایط نیروگاه‌های عرضه شده در بورس نشان می‌دهد که به دلیل ناکارآمدی اقتصاد برق، عملاً درآمد نیروگاه‌ها در بورس بسیار پایین‌تر از سایر صنایع است. بنابراین به جرات می‌توان گفت بورس به دلیل عدم کارکرد نامناسب سایر زنجیره‌ها نتوانسته آن قدرها کارساز واقع شود.

البته قطعاً می‌توان اوراق سلف موازی استاندارد را هم یکی از روش‌های موثر تامین مالی از طریق بازار سرمایه دانست که می‌تواند نیروگاه‌ها را در رفع بخشی از مشکلات نقدینگی یاری کند. این روش از سال ۱۳۹۴ و در دوره اوج تامین مالی صنایع به کار گرفته شد، اما متأسفانه بهره‌برداری از آن به تدریج کاهش یافت. باید این مساله را بپذیریم که با وجود این که ۶۰ درصد درآمد نیروگاه‌ها در ۳ تا ۴ ماه اوج مصرف حاصل می‌شود، اما به دلیل پایین بودن قیمت برق و کم بودن میزان فروش نیروگاه‌های دولتی، عملاً این روند به ایجاد زیان انباشته برای آن‌ها منجر می‌شود. تعرفه‌های ناچیز برق، نبود نهاد مستقل رگولاتوی، عدم صدور مجوز صادرات برق و طولانی بودن دوره وصول مطالبات اصلی‌ترین و جدی‌ترین مشکلات تولیدکنندگان غیر دولتی هستند که نه تنها سرمایه‌گذاری‌های جدید در این صنعت را متوقف کرده، بلکه حتی امکان تامین مالی از مسیرهایی چون بورس و بانک را هم برای بخش خصوصی از بین برده است. لذا ضروری است که سیستم حکمرانی صنعت برق علاوه بر ایجاد تغییرات اساسی در رویکردها و سیاست‌گذاری‌ها، در کنار حامیان و نخبانان این صنعت قرار گرفته و زمینه را برای رفع این مشکلات فراهم کند.

بازپرداخت به موقع اقساط این تسهیلات بست و در نهایت فرصت بهره‌مندی از تسهیلات ارزی صندوق توسعه ملی را از صنعت برق گرفت.

در این میان طولانی و متفاوت بودن دوره پرداخت مطالبات، هم توان برنامه‌ریزی را از نیروگاه‌ها گرفته و دست آن‌ها را برای هر اقدام توسعه‌ای بسته است. افزون بر اینکه متأسفانه وزارت نیرو تنها ۳۰ درصد از مطالبات نیروگاه‌ها را به صورت نقد پرداخت می‌کند و این امر در کنار افزایش مدت زمان پرداخت مطالبات طی سالیان اخیر، به ایجاد مشکلات مالی جدی در این صنعت منجر شده است. در حال حاضر برخی از نیروگاه‌ها به علت فقدان نقدینگی، ناگزیر به تهاثر مطالباتشان با بدهی‌هایشان به سیستم بانک، بیمه و مالیات شده‌اند.

در نهایت همه این مشکلات ورود نیروگاه‌های غیر دولتی به بورس را هم با مانع مواجه می‌کند، به ویژه آن که مستندات و مدارک مورد نیاز جهت پذیرش در بورس دشواری‌های خاصی دارد. به عنوان مثال چالش‌های تهیه امیدنامه به عنوان یکی از این مستندات ورود به بورس از جمله مواردی است که فعالان اقتصادی را دچار دردسر می‌کند. چرا که هر مجموعه‌ای برای تهیه امیدنامه به یک چشم‌انداز از صنعت نیاز دارد، اما در شرایطی که قوانین و مقررات به شکل روزانه دستخوش تغییر می‌شوند و نیز شرایط بحرانی حاکم بر صنعت، تهیه امیدنامه اصولی و طرح کسب و کار، بسیار دشوار و شاید غیر واقعی است.

در خصوص ارزش‌گذاری نیروگاه‌ها در بورس هم باید گفت که به شکل معمول قیمت توسط بورس تعیین و نتیجه برای عرضه اعلام شود. اما این روند به دلیل قیمت‌گذاری دستوری برق و کاهش سود نیروگاه‌ها و در نگاه کلی اقتصاد ناکارآمد برق، نتایج خوبی برای فعالان این صنعت در بورس به دنبال نداشته است.

تجزیل جریان‌های نقدی آزاد سهامداران FCFE، تجزیل سود تقسیمی DDM، ارزشیابی نسبی P/E و ارزش خالص دارایی‌ها NAV، از جمله مهمترین روش‌های متداول قیمت‌گذاری دارایی‌ها محسوب می‌شوند. بر این اساس اختلاف ناخوشایندی در ارزش‌گذاری نیروگاه‌ها در مقایسه با شرکت‌های فعال سایر صنایع رخ می‌دهد. این مغایرت زمانی مساله‌ساز می‌شود که ارزش دارایی‌های یک شرکت برای عرضه سهامش باید بر مبنای روش‌های مختلف بورس تعیین شود. میانگین به دست آمده برای ارزش دارایی‌های نیروگاه‌ها نسبت به شرکت‌های فعال سایر صنایع بسیار متفاوت است و این اختلاف به حدی است که میزان P/E و VAV نمادهای برقی تقریباً ۱۰ برابر بیشتر از عدد حاصل از روش‌های FCFE و DDM محاسبه می‌شود.

در نتیجه تفاوت اعداد به دست آمده از این روش‌ها، موجب کاهش میانگین نهایی ارزش سهم نیروگاه‌ها شده و باز هم سرمایه‌گذاران این حوزه را متضرر می‌کند. این در حالی است که اعداد به دست آمده از روش‌های مختلف برای صنایع تفاوت



ناهم ترازوی فرصت‌های سرمایه‌گذاری حوزه نیرو با سایر بخش‌ها

آرش جالبی، معاون اقتصادی هلدینگ برق و انرژی صبا



چند هزار مگاوات را مدیریت مصرف کردیم به هیچ وجه صحیح نیست بهتر است بگوییم خاموشی دادیم و مصرف را کنترل کردیم. که متأسفانه نتیجه این خاموشی‌ها و محدودیت‌ها علاوه بر سلب آسایش مردم، باعث گرانی مواد اساسی اولیه از جمله فولاد و سیمان و ... شد که قطعاً اثرات این گرانی‌ها به مرور در زندگی مردم نمایان خواهد شد.

در مقام مقایسه صنعت برق با صنعت فولاد و پتروشیمی و با استناد به شاخص‌های اقتصادی مانند نرخ بازده داخلی، دوره بازگشت سرمایه و ... در این صنایع، باید گفت سرمایه‌ها به سمتی حرکت می‌کنند که سودآور باشد به عنوان مثال از بین این سه صنعت به طور قطع سرمایه‌گذاری در صنعت برق بی‌منطق است. با این حال نهادهایی چون مجموعه بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی بر اساس دستور رییس بنیاد در راستای محرومیت‌زدایی و کمک به مستضعفین کشور در حال ایجاد نیروگاه در چند نقطه محروم کشور با مجموع ظرفیت حدود یک هزار مگاواتی است.

از سوی دیگر ظرفیت کل نیروگاه‌های بورسی حدود ۱۴ هزار مگاوات است. ارزش کل بازار این صنعت نیز حدود ده هزار

نقش بی‌بدیل صنعت برق در توسعه سایر صنایع سبب شده که از آن به عنوان زیرساخت زیرساخت‌ها نام برده شود و بیان مشکلات آن طی سال‌ها حدیثی مکرر و انکارناپذیر باشد؛ با این حال متأسفانه به نظرمی‌رسد که اراده‌ای برای حل موضوعات و مشکلات برق وجود ندارد. به طوری که شاهدیم نرخ متوسط رشد مصرف برق ۵ درصد و روند متوسط نرخ رشد تولید ظرفیت برق ۳ درصد عنوان می‌شود؛ این یعنی ایجاد شکاف بین مصرف و تولید و با این روند طبیعی است که به سمت خاموشی در صنعت برق پیش خواهیم رفت.

مشکلات پیش آمده در صنعت برق نتیجه سیاست‌گذاری‌های غلط سال‌های گذشته بوده است و از جمله مهمترین سیاست‌های غلط، عدم افزایش نرخ برق و انحصاری بودن آن است. رشد فزاینده مصرف برق و توسعه نیافتن تولید متناسب با آن به دلایل مختلفی همچون تحریم‌ها، جذاب نبودن سرمایه‌گذاری در این حوزه، مطالبات و مقرراتی رویاروی سرمایه‌گذاران، رخ داده است.

ادامه روند خاموشی‌ها در سال‌های آینده قطعی است و حتی با وضعیت و مشکلات پیش آمده فعلی نیز شاهد اقدام مناسبی از سمت وزارت نیرو نیستیم. این که بگوییم





به انحصار دولت در صادرات برق است. بر اساس قانون اصل ۴۴، هر امتیازی برای بنگاه‌های دولتی مقرر می‌شود باید عینا و با اولویت برای بنگاه یا فعالیت اقتصادی مشابه در بخش خصوصی نیز در نظر گرفته شود که متأسفانه هرگز انجام نشده است.

اگر در ساخت تجهیزات برقی خودکفا شده‌ایم چرا قراردادهای احداث نیروگاه‌ها در کشور ما ارزی است؟ موضوع خودکفایی در صنعت برق را به چالش کشید.

نبود شفافیت در ارائه اطلاعات نیز معضل دیگری در این صنعت است؛ بر این اساس جای سوال است که چرا قیمت تمام‌شده برق مشخص نیست؟ چرا در قیمت‌گذاری تعدد وجود دارد؟ چرا درآمدهای صادراتی دولت و نرخ فروش صادراتی آن مشخص نیست؟ چرا مسئولین نسبت به موضوعات مختلف پاسخ‌گو نیستند؟ این که برای برهه‌ای مسئولان بر سر کار بیایند، اما به عمده تعهدات خود عمل نکنند و بروند یا در نهایت به یک معذرت‌خواهی بسنده کنند از دست هر کسی برمی‌آید و چنین وضعیتی قابل قبول نخواهد بود.

در پایان باید افزود که وضعیت پیش آمده فعلی ادامه‌دار خواهد بود، اما به نظر می‌آید این وضعیت برای شرکت‌های برقی پذیرفته شده در بازار بورس فرصت مناسبی است، زیرا به دلیل افزایش مصرف درآمد این شرکت‌ها نیز افزایش یافته و در نهایت راهکاری جز آزاد سازی نرخ برق وجود نخواهد داشت.

میلیارد ریال است. با همین مقایسه ساده می‌توان پی برد که ارزش واقعی نیروگاه‌های موجود پذیرفته شده در بورس بسیار بالاتر از ارزش فعلی است. همچنین نسبت قیمت به درآمد (p/e) صنعت برق در بازار سرمایه عدد ۲۰ است که این عدد در مقایسه با گروه محصولات شیمیایی که عدد ۹ و گروه فلزات اساسی که عدد ۸ است نسبتا بالاست که یکی از دلایل اصلی آن بالا بودن هزینه جایگزینی در این صنعت است.

به عنوان مثالی در مورد سرمایه‌گذاری نیروگاهی، نیروگاه دماوند با ظرفیت ۲ هزار و ۸۶۸ مگاوات و درآمد کل فروش ۸۲۸ میلیارد تومانی در سال ۹۹ دارای سود خالص ۲۴۵ میلیارد تومانی بوده، در حالی که ارزش بازار (Market Cap) آن حدود ۱۸ هزار میلیارد تومان است؛ یعنی اگر شخصی بخواهد کل نیروگاه را هم اکنون بخرد می‌بایست حدود همین عدد را بپردازد. آیا این سرمایه‌گذاری سودآور است؟ پرداخت مطالبات برق توسط وزارت نیرو و در نظر گرفتن الزامات توسعه برق ضروری است. چنان که می‌دانید انواع روش‌های فروش برق بازار عمده‌فروشی با متوسط نرخ ۶۰ تومان، بورس انرژی با متوسط نرخ فروش ۳۶ تا ۵۱ تومان (بسته به فصول مختلف سال)، خرید تضمینی یا متوسط نرخ فروش ۳۰۰ تا ۴۰۰ تومان، عقد قراردادهای دو جانبه با نرخ فروش توافقی از جمله روش‌های فروش برق است.

با این توصیف با شکل‌گیری و رونق بورس انرژی به شرط ایجاد زیرساخت‌های مناسب و صحیح آن موافق هستیم. در واقع قرار بر این بود که مزایای راه‌اندازی بورس انرژی کشف قیمت، پوشش ریسک، ضرورت پیوست به بازار جهانی برق، کاهش هزینه‌های مبادله و سلامت بازار باشد، اما به دلیل عدم ایجاد زیرساخت صحیح آن و فقط تاکید بر افزایش حجم معاملات برخی از این موارد مغفول واقع شده‌اند.

مهم‌ترین چالش‌های شکل‌گیری این بورس را شاید بتوان چنین برشمرد: قدرت بازار خریداران از جمله شرکت‌های توزیع، نیاز فروشندگان به نقدینگی، پیچیدگی فرایند انجام معاملات، عدم مصرف انرژی خریداری‌شده مصرف‌کنندگان، ورود نیروگاه‌های دولتی و در نهایت عدم تعادل در عرضه و تقاضا.

بدیهی است نمی‌توان به اجبار فروشنده‌ای را وارد معاملات بورس کرد، زیرا که اصولا اقتصاد اجباری نیست. آمار و ارقام موجود نشان می‌دهند که حجم کل معاملات برق در بورس انرژی حدود ۳ درصد از کل معاملات بوده و همچنین حجم قراردادهای دوجانبه منعقدشده در بورس حدودا دو برابر معاملات در بورس است که این خود نشان‌دهنده عدم تمایل و ضعف‌های موجود است.

مشکل دیگر صنعت برق، انحصار موجود در آن است. به طوری که گزاف نیست اگر بگوییم عمده این مشکلات مربوط

دو پیشنهاد کلیدی برای هفتمین برنامه توسعه پنج ساله کشور

بهار عبادی، روزنامه‌نگار



نظر دور داشت این است که بی‌توجهی به خسارت دیرکرد بر صورت وضعیت‌های پرداخت‌نشده نیروگاه‌ها، به ویژه در شرایطی که نرخ تورم بالایی در کشور وجود دارد، از دیگر چالش‌های جدی نیروگاه‌های غیر دولتی است.

به علاوه، از متوسط قیمت معاملات برق در بورس انرژی که به دلیل مشکلات نقدینگی ناشی از سیاست‌های نادرست در پرداخت مطالبات شرکت‌های تولیدکننده برق و همچنین نحوه تامین مالی شرکت‌های توزیع برای خرید در بورس، موجب روند نزولی قیمت‌ها شده است هم نمی‌توان چشم پوشید.

بر این اساس سندیکای شرکت‌های تولیدکنندگان برق به منظور حل مسائل و چالش‌های ناشی از ابهامات و کاستی‌های نظام حقوقی و قراردادی وزارت نیرو پیشنهادهایی را در خصوص دستورالعمل یا آیین‌نامه‌های اجرایی مواد ۴۴ و ۴۸ قانون برنامه پنج‌ساله ششم به وزارت نیرو ارائه دهد که توجه جدی به آن‌ها در تدوین هفتمین برنامه توسعه پنج ساله کشور بسیار حیاتی و ضروری است و بی‌توجهی به آن‌ها عواقب و پیامدهای غیر قابل جبرانی برای تولید برق در پی خواهد داشت.

این پیشنهادها به قرار زیر است:

بند (ب) ماده ۴۴ بیان می‌دارد:

«وزارت نیرو موظف است که به منظور افزایش بازدهی و ضریب بهره‌وری نیروگاه‌ها:

۱. برای نیروگاه‌هایی با بازدهی ۵۵-۶۰٪ موافقت اصولی صادر نماید.

۲. قیمت خرید برق را بنا به سازوکارهای بازار در بورس تعیین نماید.»

با وجود آن که درج قید تاکید وظیفه (و نه اختیار) وزارت نیرو در صدور موافقت اصولی برای احداث نیروگاه‌هایی با راندمان بالاتر از مقادیر کنونی، از مزایای این ماده محسوب و رغبت لازم را برای افزایش بهره‌وری در سرمایه‌گذاران فراهم می‌آورد، ولی انتظار می‌رود که تدوین آیین‌نامه اجرایی بتواند مشکلات و معضلات موجود در وضعیت بورس انرژی را نیز مرتفع کند، زیرا مشکلات عدیده‌ای در مدیریت بورس انرژی وجود دارند که نه تنها رغبت لازم را برای حضور سرمایه‌گذاران در این عرصه فراهم نمی‌آورد بلکه منجر به گریز آن‌ها شده است.

تجدید ساختار صنعت برق، اقدامی بود که برای شفاف سازی درآمد و هزینه‌های این صنعت و همچنین چابک‌سازی آن از مسیر خصوصی‌سازی انجام شد، با این وجود نتایج کار آن قدرها قابل دفاع نیستند. با وجود ورود بخش خصوصی و غیردولتی به حوزه تولید برق به عنوان یکی از کلیدی‌ترین‌های شفاف، عادلانه و قانون مدار برای فعالیت بخش خصوصی در این حوزه، سرمایه‌گذاران نیروگاهی در طول قریب به دو دهه فعالیت خود، علاوه بر گرفتاری‌های فراوان، متحمل زیان‌های قابل توجهی نیز شدند.

نکته بسیار کلیدی این است که حمایت از سرمایه‌گذاران غیر دولتی در همه کشورها از مسیر برنامه‌های کوتاه و بلندمدت انجام می‌شود. در حقیقت دولت‌ها تلاش می‌کنند در قالب برنامه‌های توسعه‌ای، زمینه‌های لازم را برای تسهیل سرمایه‌گذاری در صنایع زیرساختی خود فراهم کنند. در ایران هم البته تلاش شده این اقدام در قالب بودجه سالانه و قوانین توسعه پنج ساله کشور، انجام پذیرد اما عمده قوانین کارآمد تدوین شده در اجرا به بن بست رسیده‌اند.

از آنجا که قوانین بالادستی سهمی تعیین‌کننده در تسهیل روند سرمایه‌گذاری‌ها و فعالیت بخش خصوصی دارد، لذا سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق پیشنهادهای خود را در خصوص تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی بندهای مهم و موثری از قانون برنامه ششم توسعه، به وزارت نیرو و دستگاه‌های اجرایی تابعه آن ارائه داده که متأسفانه به شکل جدی مورد توجه قرار نگرفت.

حالا که دولت سیزدهم در ابتدای راه قرار دارد و نهایی کردن هفتمین برنامه پنج‌ساله توسعه کشور یکی از ماموریت‌های جدی آن خواهد بود، توجه به پیشنهاد‌های سندیکا به عنوان نماینده بخش غیر دولتی نیروگاهی کشور که می‌تواند تا حد قابل توجهی ظرفیت‌های قانونی برای کاهش ابعاد بحران حاکم بر این صنعت را فعال کند، بسیار ضروری است.

نگاهی به شرایط حاکم نشان می‌دهد که مسئولیت‌هایی که با تدوین مقررات و متون قراردادی جدید بر عهده سرمایه‌گذار گذاشته شده است و نیز مصوبات هیات تنظیم بازار، عملاً قوانین موجود را به ابزاری محدودکننده، بازدارنده و زیان‌آور برای سرمایه‌گذاران و عاملی برای کاهش عمده درآمد نیروگاه‌های حرارتی در بازار برق بدل کرده است. خروجی این مصوبات را می‌توان در متوسط قیمت برق خریداری‌شده از نیروگاه‌ها در طول سال‌های اخیر، به روشنی رصد کرد. مساله دیگری که در این خصوص نمی‌توان از

بند (ت) ماده ۴۸ بیان می‌دارد:

«در طول اجرای برنامه، وزارت نیرو نسبت به افزایش توان تولید برق تا بیست و پنج هزار مگاوات از طریق سرمایه‌گذاری مؤسسات عمومی غیر دولتی، تعاونی و خصوصی اعم از داخلی و خارجی و یا منابع داخلی شرکت‌های تابعه یا به صورت روش‌های متداول سرمایه‌گذاری از جمله ساخت، بهره‌برداری و تصرف (BOO) و ساخت، بهره‌برداری و انتقال (BOT) اقدام کند. خرید تضمینی برق بر اساس نرخ تعیین شده توسط شورای اقتصاد خواهد بود.»

هدف از این ماده، افزایش توان و ظرفیت تولید بوده و به خرید تضمینی برق و آن هم بر اساس نرخ تعیین شده در شورای اقتصاد تاکید دارد به گونه‌ای که یک نرخ مشخص با یک روند تعدیل پذیری یا یک فرمول وارد شورای اقتصاد شده و مورد تایید قرار می‌گیرد.

برای اجرایی شدن این ماده، یعنی افزایش ظرفیت تولید تا ۲۵۰۰۰ مگاوات در ۵ سال و بر اساس قراردادهای BOO و BOT و خرید تضمینی برق، باید شرایط برای افزایش تمایل سرمایه‌گذاران برای ورود به حوزه نیروگاهی فراهم شود. اما متأسفانه روشی که وزارت نیرو در طول سال‌های اخیر در پیش گرفته است با ایجاد تضامین کمتر و انتقال تدریجی ریسک‌های مختلف به سرمایه‌گذاران، عملاً هر گونه انگیزه‌ای را در آن‌ها از بین برده است. در صورتی که اگر این ریسک‌ها مطابق با عرف سرمایه‌گذاری به طور عادلانه بین سرمایه‌گذار و سرمایه‌پذیر توزیع می‌شد، قطعاً امروز بخش خصوصی سهمی متفاوت‌تر و موثرتر در حوزه تولید برق کشور داشت.

نکته این‌جاست که بازده ۵ ساله برای این‌گونه قراردادهای بازگشت سرمایه و سود قابل رقابت با سرمایه‌گذاری‌های مشابه در صنعت کشور را میسر نکرده است که هیچ، حتی امکان نرخ بازده داخلی ۱۵ درصد را که شرط مصوب صندوق توسعه ملی برای پروژه‌های موجه و مناسب برای وام است را هم تامین نمی‌کند.

توجه جدی به نکات در هفتمین برنامه توسعه کشور می‌تواند بخشی از چالش‌های صنعت نیروگاهی کشور را رفع کرده و از کاهش توانایی آن‌ها برای تامین برق مورد نیاز کشور به ویژه در زمان پیک مصرف جلوگیری کند. بر این اساس انتظار می‌رود دولت سیزدهم و در راس آن وزارت نیرو اجرای قانون، حفظ منافع ملی، اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و حفظ و تقویت توانمندی صنعت برق کشور را به عنوان یکی از الزامات مهم فعالیت چهارساله خود در نظر گرفته و انگیزه و امنیت لازم را برای فعالیت‌های سرمایه‌گذاران داخلی فراهم آورد تا در سال‌های آتی شاهد خاموشی‌های گسترده نباشیم.



این مشکلات ناشی از اعمال عامدانه محدودیت نرخ با مدیریت وزارت نیرو و از طریق شرکت‌های توزیع نیروی برق است که خریداران اصلی برق در بورس انرژی محسوب می‌شوند و عملاً بورس را از ایفای نقش در ایجاد بازار رقابتی، شفافیت و کشف قیمت، باز داشته است. تزریق قطره‌چکانی پول به معاملات بورس که با مدیریت مالی وزارت نیرو انجام می‌شود نیز از معضلاتی است که حجم معاملات را محدود کرده است. این روش برخورد وزارت نیرو با بورس انرژی دقیقاً مخالف نظر قانون‌گذار است که به لزوم «سازوکار بازار» یعنی تعادل منطقی و خارج از تبانی خریدار و فروشنده و عرضه و تقاضا در بورس تاکید کرده است. بنابراین در تدوین آیین‌نامه این ماده، بایستی سازوکار بازار در بورس انرژی به نحوی تضمین شود که سرمایه‌گذار به امکان فروش برق تولیدی ناشی از سرمایه‌گذاری کلان خود در بورس با قیمت‌های عادلانه و منطقی اطمینان یابد.



در انتظار چشم‌اندازی روشن بیم و امیدهای صنعت برق پس از تغییر مدیریت

سیدصادق نیکوسپهر، مدیرعامل شرکت تجارت انرژی فردا



پایین‌تر است به صنعت بازگردد. محدودیت‌های ناشی از کمبود نقدینگی، مسئولین را واداشته است تا تصمیمات عجولانه، غیر مسئولانه و غیر واقعی را جایگزین نگاه واقع‌بینانه به اقتصاد برق کنند، به گونه‌ای که طبیعی‌ترین حقوق صنعتگران آن را به رسمیت نشناخته و با وجود ۵۰ هزار میلیارد تومان بدهی به فعالین غیر دولتی صنعت، به جای آسیب‌شناسی و احقاق حقوق ذی‌نفعان در جست‌وجوی راه برای گذر از مقاطع حساس کنونی باشند حال آنکه باید در نظر داشت برخی از این تصمیمات تبعات بسیار سنگینی در آینده خواهند داشت. امید است وزیر آتی نیرو، با نگاهی واقع‌بینانه، کلیه ارکان تشکیل دهنده صنعت و الزامات فعالیت آن‌ها را به رسمیت شناخته و به جای انکار آن به دلیل محدودیت‌های موجود، نسبت به رفع موانع مرتبط با آن اقدام کند.

تعامل ۳۶۰ درجه

در مسیری که طی نمودیم تا بدین جا برسیم، هر چقدر مشکلات موجود در صنعت آب و برق پررنگ‌تر می‌گردند، جایگاه رفیع مقامات مسئولین آنچنان به عرش رفته است که نه وقتی برای شنیدن مشکلات فعالین زیر دست دارند و نه زمانی برای رایزنی با مقامات بالادست. چه بسا زمان‌هایی بوده باشد که اعمال فشار بیشتر به هیات دولت یا تعامل سازنده‌تر با مجلس و یا سازمان برنامه و بودجه اندک باری از روی شانه فرودستان صنعت برمی‌داشته است. اما افسوس که بعضاً نه گوشی برای شنیدن مشکلات بوده و نه آبرویی برای گرو گذاشتن.

اگر وزیر آتی نیرو بتوان در تعامل فعال با دیگر ذی‌نفعان موفق عمل کند، موانعی که همچون کوه یخ در مقابل زیربخش‌های صنعت آب و برق به چشم می‌آیند، اندک اندک آب شده تا همزمان با اتخاذ تصمیمات درست و به‌جا، ضمن کاهش صدمات ناشی از کاستی‌ها، آینده روشنی پیش روی صنعت باشد.

لزوم تاکید بر شفاف‌سازی و همچنین تفکیک مسئولیت‌ها اگر به دنبال گشودن قفل‌های نهاده شده بر روی صنایع آب و برق هستیم، بی‌شک یکی از کلیدهای اصلی آن شفافیت خواهد بود. همان‌گونه که در فرآیند تجدید ساختار، مقررات‌زدایی و خصوصی‌سازی به شفافیت نگاه ویژه‌ای شده است، ادامه چنین تاکیدی بیش از پیش الزامی به نظر می‌رسد. انضباط مالی، یکی از آثار شفافیت در حوزه‌های مسئولیت و

پیکره نحیف و زخم‌خورده وزارت نیرو در انتظار معرفی وزیر جدید است در شرایطی که هم در بخش آب و هم در بخش برق در چنان بحران عمیقی فرو رفته است که شاید تا کنون نظیر آن کم اتفاق افتاده باشد. در روزهای گذشته، طبقه دوازدهم ساختمان شیشه‌ای تقاطع کردستان نیایش ساکن جدید خود را شناخته است در حالی که فاصله قابلیت تولید نیروگاه‌های کشور در پیک روز یا میزان واقعی نیاز مصرف در همان لحظه به میزان حیرت‌انگیز بیش از ۱۶۰۰۰ مگاوات رسیده است. از سویی دیگر عمده مناطق کشور در آتش بی‌آبی در حال سوختن هستند و البته این موضوع در برخی مناطق به بحرانی تاسف‌انگیز و قابل تامل تبدیل شده است که نشانگر اهمیت تصمیماتی است که گاهی از اوقات زخم آن نه تنها در طول زمان التیام نمی‌یابد که چه بسا دردناک‌تر و مرگبارتر خواهد شد.

جایگاه وزیر نیرو همواره مهم و تاثیرگذار بر حال و آینده ایرانیان بوده است و البته این موضوع هم‌اکنون که ایران نیز همانند دیگر نقاط جهان درگیر تغییرات اقلیمی است دو صد چندان شده است. پر واضح است تصدی این سمت مناسب شخصی است که هم با القبای صنعت آب و برق آشنا باشد هم خصوصیات ارزشمندی از جمله صداقت، پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری و خودداری از خودرایی باشد، اما برخی جزییات است که در گذشته صدمات شدیدی به عملکردی برخی وزیران نیرو وارد کرده است و امید است وزیر جدید نیرو از این منظر عملکردی قابل قبولی داشته باشد.

به رسمیت شناختن اقتصاد برق

با وجود این که همگان از عبارت «صنعت برق» برای ارجاع به مجموعه فعالیت‌های منجر به تولید و ارائه خدمت مرتبط با کالای برق می‌پردازند لکن بخش فراموش شده اما مهم صنعت بودن برای برق اقتصادی بودن آن است. بخش حاکمیتی و وظایف وزارت نیرو ناظر به تامین خدمات عمومی آنچنان پررنگ به چشم سیاستگذاران آن آمده است که از قیود مربوط به اقتصادی بودن آن چشم‌پوشی کرده‌اند. شاید بخش عمده‌ای از انحراف زمانی ایجاد شد که در تصمیم‌گیری‌های پس از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها، دست صنعت برق از گردش وجوه نقد کوتاه شد به حدی که گاهی مسئولین ذی ربط ماه‌ها منتظر بازگشت بخشی از نقدینگی صنعت برق بدان منتظر می‌مانند تا شاید بهای برق فروش رفته که خود به دلیل وجود یارانه‌های نهان و آشکار از عدد واقعی

مالی است. به منظور دستیابی به اهداف ارزشمندی از جمله بهره‌وری بالاتر، اصلاح ساختار چه به صورت عمودی و چه به صورت افقی منتج به نتایج ارزشمندی خواهد شد که از جمله آن تعیین نسبتاً دقیق‌تر قیمت تمام شده هر کیلووات‌ساعت برق و یا متر مکعب آب و تفکیک هزینه‌های هر بخش در آن خواهد انجامید. حال اگر وظایف هر یک از بخش‌ها از جمله شرکت‌های مادر تخصصی توانیر و تولید برق حرارتی متناسب با مسئولیت‌های آن‌ها تقسیم شود حصول نتیجه دلخواه در دسترس خواهد بود.

تاکید بر شرح وظایف

یکی از نقاط ضعف وزارت نیرو در سال‌های گذشته، عدم تمرکز نسبی بر روی وظایف محوله و تلاش برای حل مشکلات نامرتبط با مسئولیت‌های مستقیم سازمانی آن بوده است. نگارنده یقیناً اعتقاد دارد موضوعات مرتبط با راندمان نیروگاه‌ها یا دغدغه‌های زیست‌محیطی یکی از مهم‌ترین موضوعات لایق توجه در سال‌های آتی است، اما آنچه در گذشته روی داده است تنظیم رفتارهای وزارت نیرو با محدودیت‌های بیرونی ناظر به مسئولیت‌های دستگاه‌های دیگر است، بدون این که دستگاه‌های ذی‌ربط در تلاش جدی برای رفع مشکلات تحت مسئولیت خود با اصلاح قوانین و مقررات باشند. به عنوان مثال، توجه به راندمان نیروگاه‌ها می‌تواند از طریق دستورالعمل‌ها و فشارهای وزارت نیرو صورت پذیرد و یا از طریق اصلاح نرخ سوخت نیروگاه‌ها که مورد اخیر ضمن اصلاح خودبه‌خود رفتار بازیگران و افزایش راندمان نیروگاه‌ها، گامی اساسی در راستای اقتصادی نمودن فعالیت‌های صنعت برق خواهد بود. لذا پیشنهاد می‌شود وزیر محترم نیرو ضمن احترام به دغدغه‌های عموماً به حق دیگر دستگاه‌ها و در عین همکاری نزدیک با آن‌ها، تمرکز خود را بر روی تامین برق با کیفیت و مستمر برای همه‌آحاد کشور قرار دهد.

اصلاح شان هیات تنظیم و کاهش فاصله خودساخته

هیات تنظیم بازار برق در گذشته‌ای نه چندان دور و در ابتدای تاسیس خود با بهره‌گیری از ظرفیت‌های قانون برنامه چهارم توسعه با هدف هدایت و نظارت بر بازار برق بوجود آمد و با بهره‌گیری از نیروی سرآمد و نگاه پیشرو، شرایط را برای رشد و بلوغ بازار برق هموار کرد. فرهنگ حاکم بر هیات تنظیم بازار برق منشعب از نهادهای مشابه و برگرفته از شفافیت و حمایت از ارزش‌های بنیادین رقابت از جمله نهاد بازار شکل گرفت و این موضوع به صورت ذاتی از بروز دخالت‌های خواسته یا ناخواسته ذی‌نفعان قدرتمند صنعت برق (بخش دولتی حاضر در رقابت) جلوگیری می‌کرد و همین امر نیز فضای لازم برای دریافت کارکردهای اصلی بازار از جمله معرفی نرخ و ارسال سیگنال معنی‌دار به

سرمایه‌گذاران را به همراه داشت. اما صد افسوس که فضای حاکم بر هیات تنظیم بازار برق در طول زمان دچار استحاله شده است. در شرایطی که جلسات هیات تنظیم بازار به صورت آنلاین قابل مشاهده برای سرمایه‌گذاران و ذی‌نفعان صنعت بوده است، هم اکنون به صلاحدید دبیر هیات، کلیه مدعوین در جلسه به جز اعضای اصلی در زمان تصمیم‌گیری‌های اساسی از جمله در خصوص سقف نرخ بازار از جلسه خارج شده و صرفاً در جریان نتایج قرار خواهند گرفت. گویی تعیین نرخ بازار موضوعی امنیتی بوده و غیر خودی‌ها حق شنیدن مباحث اقتصادی پیرامون آن را ندارند. علی‌ای‌حال، شفافیت از اصلی‌ترین مواهب بازار بوده و هیات تنظیم بازار برق به عنوان هدایت‌کننده بازار باید پیشتاز آن باشد به گونه‌ای که ذینفعان با مشاهده و پیگیری مباحث در جریان روند تصمیمات هیات بوده و بتوانند بر اساس پیش‌بینی‌های خود از تصمیمات آتی هیات نسبت به آینده سرمایه‌خود چشم‌انداز مشخصی داشته باشد.

تمرکز بر روی فرهنگ مصرف

هر چقدر هم در خصوص اهمیت سرمایه‌گذاری در زمینه تولید سخن رانده شود، از اهمیت موضوع اصلاح الگوی مصرف کاسته نخواهد شد. افزایش بی‌رویه سرمایه‌گذاری در بخش تولید، بدون اصلاح منحنی مصرف باعث کاهش معنی‌دار توجه‌پذیری بخش تولید خواهد شد که همین موضوع به افزایش بی‌رویه نرخ‌ها و هدایت صنعت به محدوده غیر اقتصادی خواهد انجامید. آنچه مسلم است صنعت تولید برق از صنایع سرمایه‌بر است که افزایش ظرفیت آن منوط به صرف سرمایه هنگفتی خواهد بود (در حدود ۵۰۰ هزار دلار برای هر مگاوات ظرفیت)، اما در صورتی که استفاده مناسب از این ظرفیت انجام نگیرد (به عبارتی ضریب بار واحد از شاخص مناسبی پایین‌تر باشد)، واحد مذکور از نظر اقتصادی بهره‌وری مناسبی نخواهد داشت.

طرح «برق امید» که یکی از اقدامات پر سر و صدای وزارت نیرو در سال‌های اخیر بوده است به نظر کارشناسان مصداق تمرکز بر روی اصلاح فرهنگ مصرف بود که با کج سلیقه‌ی خاصی و همراه شدن با مسائل فرابخشی تأثیر چندانی در کاهش فاصله مصرف با ظرفیت منصوبه در بخش تولید نداشت. شرکت توانیر که در گذشته با روش‌های مختلف از جمله راه‌اندازی کمپین‌های فرهنگی نسبت به فرهنگ‌سازی اقدام کرده است و بعضاً موفقیت‌های نسبی هم داشته است می‌تواند نقش بسزایی در توسعه فرهنگ مصرف ایفا کند.

تاخیر در تشکیل نهاد تنظیم‌گر بخش برق؛ دیواری بلند در برابر سرمایه‌گذاران

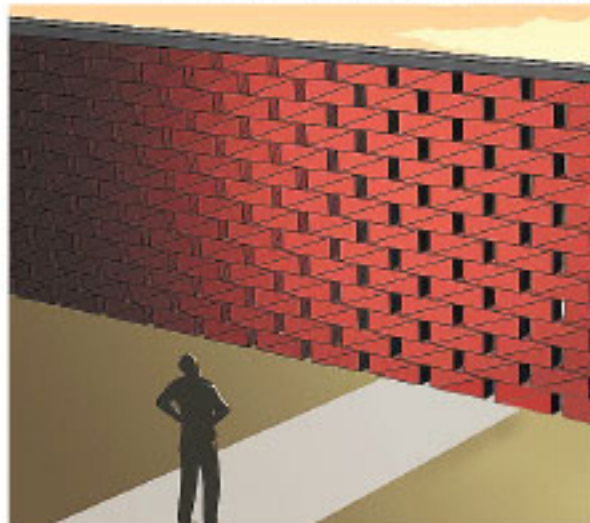
تحریریه نشریه «نیرو و سرمایه»



فضای غیررقابتی باز می‌دارد. ضمناً باید در نظر داشت، تأثیرگذاری نهاد رگولاتوری به عنوان یک تشکیلات منظم و قانونی، این است که این نهاد امکان و اختیار تدوین قواعد رفتاری و فراهم آوردن محیط رقابت را داشته باشد تا به واسطه آن کارایی و کیفیت خدمات در صنعت برق افزایش یابد. در شرایطی که کاهش بهره‌وری اقتصادی، کمبود منابع مالی دولت و افزایش هزینه‌های عمومی به یک روند معمول در صنعت برق بدل شده، قطعا پیدایش نهادهای مقررات‌گذار یا تنظیم‌گر می‌تواند به تغییر معادلات در روابط بین دولت و بازار شده منجر شده و ضمن صیانت از صنعت و اقتصادی کردن آن، زمینه را برای فعالیت سالم اقتصادی بازیگران اصلی صنعت برق در یک محیط غیر تبعیض‌آمیز فراهم کند.

واقعیت این است که اگر نهاد رگولاتوری برق ایجاد شود و به وظایف یادشده به درستی عمل کند، دوباره صنعت برق به عنوان یک صنعت زیرساختی و کلیدی، جاذبه‌ای قابل توجه برای سرمایه‌گذاران خواهد یافت. یک فضای رقابتی شفاف با تعرفه‌گذاری‌های منطقی و ضوابط جامع و فراگیر می‌تواند صنعتی که کالایی با مشتری‌ان دائم دارد را به بهشت سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی بدل کند.

ضروری است که دولت سیزدهم ایجاد نهاد تنظیم‌گر بخش برق را به عنوان یک زیربنای الزامی برای قرار گرفتن صنعت برق روی مدار برنامه ریزی‌های کوتاه و بلندمدت مد نظر قرار داده و زمینه بازگشت سرمایه‌ها به این صنعت را فراهم آورد، در غیر این صورت ابعاد بحران پیک ۱۴۰۰ در سال آینده، بسیار گسترده‌تر و غیرقابل پیش‌بینی‌تر خواهد بود.



سرمایه‌گذاری در صنعت برق این روزها به ملغمه‌ای پرهیاهو از عوامل و علل متعدد بدل شده که حل هر یک از آن‌ها مستلزم صرف زمان و هزینه بسیاری است. با این حال اما نمی‌توان از ضرورت و الزام سرمایه‌گذاری در این صنعت چشم پوشید.

بدون تردید توقف روند سرمایه‌گذاری‌ها در صنعت برق، یک عامل جدی و غیر قابل انکار برای بحرانی است که این روزها نه تنها صنعت برق، بلکه همه بخش‌های کشور را درگیر کرده است. در باب علل توقف سرمایه‌گذاری در این صنعت سخن بسیار گفته شده، چرا که اساساً این مساله معلول علت‌های متعددی است.

یکی از این دلایلی که بخش خصوصی و غیر دولتی را از مشارکت جدی در سرمایه‌گذاری و توسعه صنعت برق باز می‌دارد، سهم بزرگ و غیر قابل انکار دولت در تصدی‌گری‌های صنعت برق به ویژه در حوزه تولید این کالای استراتژیک است. در حقیقت برق به دلیل نقش‌های متعدد دولت در جایگاه سیاست‌گذار، خریدار، فروشنده و تولیدکننده برق، برای تدوین سیاست‌ها و حتی تعرفه‌های برق نیاز به یک نهاد بالادستی مستقل دارد که بخش خصوصی سال‌ها است به دنبال تاسیس آن است.

براساس تعاریف مشخصی که از این نهاد عنوان می‌شود رگولاتور، نهادی مستقل است که در چارچوب قانون، اقدام به وضع مقررات (دستورالعمل‌های لازم‌الاجرا) و نظارت بر اجرای قوانین و مقررات می‌کند. هدف اصلی از تنظیم مقررات و حتی وضع قوانین دستیابی به سود اجتماعی بهینه در بلندمدت است. این هدف از دید سرمایه‌گذار صنعت برق، دریافت سود معقول سرمایه‌گذاری و هزینه خدمات است؛ از دید مصرف‌کننده، دریافت خدمات استاندارد با قیمت منطقی است و بالاخره از دید سیاست‌گذار به معنای تأمین پایدار برق و رضایت اجتماعی است.

نکته اینجا است که با وجود تصویب طرح تاسیس نهاد مستقل تنظیم‌گر بخش برق در مجلس شورای اسلامی و تدوین اساسنامه آن در شورای ملی رقابت و با مشارکت جدی بازیگران این حوزه، اما تاسیس آن همچنان در هاله‌ای از ابهام است. در حقیقت به نظر می‌رسد انحصارطلبی مرسوم وزارت نیرو، مانع جدی پیش روی نهاد مستقلی است که قرار است نظارت بر امور و تدوین ضوابط کلیدی را عهده‌دار شود.

واقعیت این است که ایجاد فضای رقابتی سالم به عنوان اصلی‌ترین زمینه‌ساز توسعه اقتصادی و سودآوری، در نبود نهاد رگولاتوری عملاً ناممکن است و دقیقاً همین مساله سرمایه‌گذاران را از ورود به صنعتی با ضوابط غیر شفاف و





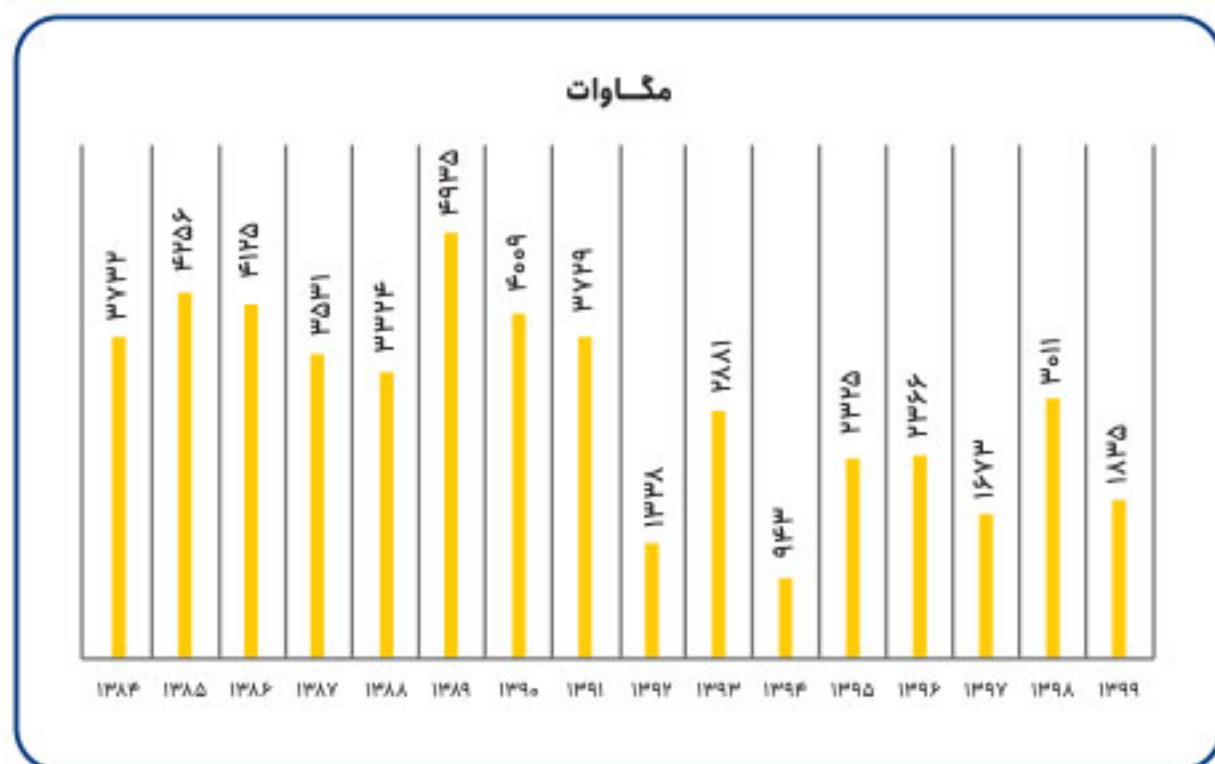
تحلیل خاموشی‌های ۱۴۰۰ از منظر روند سرمایه‌گذاری در تولید برق

پگاه پاشا، مدیر دفتر پژوهش‌های سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق



تابستان ۱۴۰۰، کمبود برق منجر به بروز خاموشی‌های گسترده و نارضایتی در سطح جامعه و فعالان اقتصادی شد. کمبود سرمایه‌گذاری در ایجاد ظرفیت‌های جدید تولید برق از دلایل اصلی بروز خاموشی‌ها بود. این گزارش در صدد بررسی روند سرمایه‌گذاری در احداث نیروگاه‌ها با هدف استخراج دلایل عدم جذابیت این سرمایه‌گذاری برای بخش غیر دولتی است. نمودار (۱) افزایش ظرفیت سالانه نیروگاه‌های کشور را از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۹ نشان می‌دهد.

نمودار (۱). افزایش ظرفیت سالانه نیروگاه‌های کشور ۱۳۸۴ - ۱۳۹۹



منبع: ۵۳ سال صنعت برق در آیین آمار (۱۳۹۹) و آمار تفصیلی صنعت برق ایران ویژه مدیریت راهبردی (۱۳۹۹)

همان‌گونه که در نمودار مشاهده می‌شود، از سال ۱۳۹۲ به بعد افزایش ظرفیت سالانه تولید برق کشور با کاهش محسوس رو به رو می‌شود اما آن‌چه بیشتر حائز اهمیت است و کمتر به آن پرداخته شده است توجه به زمان انجام سرمایه‌گذاری برای افزایش ظرفیت و ترکیب نیروگاه‌های به مدار آمده از نقطه نظر مالکیت بخش خصوصی و دولتی است. جدول (۱) سهم بخش‌های غیر دولتی، دولتی و صنایع بزرگ را از افزایش ظرفیت سالانه تولید برق کشور نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود که عمده نیروگاه‌هایی که در پنج سال اخیر به مدار آمده سرمایه‌گذاری بخش غیر دولتی است که در سال‌های پیش‌تر (در برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه) قرارداد آن‌ها منعقد شده است.

جدول (۱). سهم بخش های مختلف از افزایش ظرفیت تولید برق کشور (درصد)

سال	سهم بخش غیر دولتی	سهم بخش دولتی	سهم صنایع بزرگ
۱۳۹۵	۶۴.۸	۳۵.۲	۰
۱۳۹۶	۵۴.۷	۳۱.۶	۱۳.۷
۱۳۹۷	۸۳.۶	۶.۸	۹.۶
۱۳۹۸	۷۸.۶	۲۱.۴	۰
۱۳۹۹	۸۹.۷	۱۰.۳	۰

منبع: ۵۳ سال صنعت برق در آیین آماری (۱۳۹۹) و آمار تفصیلی صنعت برق ایران ویژه مدیریت راهبردی (۱۳۹۹)

جدول (۲) تغییر ظرفیت نیروگاه های کشور در سال های برنامه ششم توسعه را نشان می دهد.

جدول (۲). افزایش ظرفیت نیروگاهی کشور ۱۳۹۹-۱۳۹۶

نام نیروگاه	نوع تکنولوژی	مالکیت	ایجاد ظرفیت/ تغییر ظرفیت (مگاوات)			
			۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹
درود	گازی	دولتی	۶۰ به ۹۰			
شیروان	سیکل ترکیبی	دولتی	۹۵۴ به ۱۱۱۴		۱۱۱۴ به ۱۲۷۴	۱۲۷۴ به ۱۴۳۴
شیراز	گازی	دولتی	۶۱ به ۱۹۶			
دولتی بهشهر	گازی	دولتی	۲۵			
دولتی نوشهر	گازی	دولتی	۲۵			
مجموع برقآبی	برقآبی	دولتی	۳۷۴	۷۳.۸	۱۶۵.۲	
پرند	سیکل ترکیبی	خصوصی	۹۵۴ به ۱۱۱۴	۱۱۱۴ به ۱۳۴۶	۱۳۴۶ به ۱۵۰۶	
پرنيان	گازی	خصوصی	۲۵			
شمس سرخس	گازی	خصوصی	۵۰ به ۷۵			
امیرآباد	گازی	خصوصی	۳۴			
پاسارگاد قشم	گازی	خصوصی	۷۰			
سمنگان	سیکل ترکیبی	خصوصی	۳۳۲ به ۴۹۲			
تولید پراکنده	گازی	خصوصی	۹۱۶ به ۱۱۴۹	۱۱۴۹ به ۱۳۸۵	۱۳۸۵ به ۱۷۳۴	۱۷۳۴ به ۲۰۰۴
بوهان	سیکل ترکیبی	خصوصی	۳۳۲ به ۴۹۲			
تاپان	سیکل ترکیبی	خصوصی	۳۲۴ به ۴۸۴			
مجموع نیروگاه های بادی	تجدیدپذیر	خصوصی	۹۶.۸	۲۵	۲۰	

ایجاد ظرفیت / تغییر ظرفیت (مگاوات)				مالکیت	نوع تکنولوژی	نام نیروگاه
۱۳۹۹	۱۳۹۸	۱۳۹۷	۱۳۹۶			
۵۰	۹۷.۸	۱۱۸.۸	۲۰۰.۷	خصوصی	تجدیدپذیر	مجموع نیروگاه های خورشیدی
			۶۴۸ به ۳۲۴	صنایع	گازی	پتروشیمی دماوند
		۴۲		دولتی	گازی	متوسط زاهدان
		۷۶		خصوصی	گازی	گلبرق ماکو
		۴۸۴ به ۳۲۴		خصوصی	سیکل ترکیبی	کاشان
	۱۱۶۲ به ۱۰۰۲	۱۰۰۲ به ۹۵۴		خصوصی	سیکل ترکیبی	عسلویه
		۱۰۱۴ به ۹۷۲		خصوصی	گازی	گلستان
۴۶۱ به ۳۰۷		۳۰۷		خصوصی	سیکل ترکیبی	کاسپین
	۱۲۷۴ به ۱۱۱۴	۱۱۱۴ به ۹۵۴		خصوصی	سیکل ترکیبی	چهرم
		۱۶۰		صنایع	گازی	هرمز
	۲۵			دولتی	گازی	گازی طرشت
۵۰ به ۲۵	۲۵			دولتی	گازی	سراوان
	۳۰۷			دولتی	گازی	هنگام
	۳۱۰			خصوصی	گازی	هریس
	۳۲۴			خصوصی	گازی	خرم آباد
	۳۴۰			خصوصی	گازی	غرب کارون
۶۲۰ به ۳۰۷	۳۰۷			خصوصی	گازی	دالاهو
	۴۹۲ به ۳۳۲			خصوصی	چرخه ترکیبی	گوهران
۳۵۰				خصوصی	گازی	گازی قشم
۱۱۲۰ به ۹۶۰				خصوصی	چرخه ترکیبی	ارومیه
۱۱۲۰ به ۹۶۰				خصوصی	چرخه ترکیبی	سیلان
۱۱۱۴ به ۹۵۴				خصوصی	چرخه ترکیبی	فردوسی

منبع: آمار تفصیلی صنعت برق ویژه تولید برق و آمار تفصیلی صنعت برق ایران ویژه مدیریت راهبردی (۱۳۹۹)

از میان تمامی نیروگاه‌های غیردولتی فهرست شده در جدول (۲) قرارداد تمامی نیروگاه‌ها در برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه منعقد شده است که پس از سپری شدن دوران ساخت، در برنامه ششم توسعه به بهره‌برداری رسیده‌اند. به عبارت دیگر در برنامه ششم توسعه هیچ قراردادی به استناد ظرفیت‌های بند (ت) ماده ۴۸ قانون برنامه ششم توسعه، به امضا نرسیده است. بنابراین ۸۸۸۵ مگاواتی که بر اساس نمودار (۱) در فاصله سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۹ به ظرفیت تولید برق کشور افزوده شد، ثمره تلاش‌های پیش از برنامه ششم توسعه بوده است و در برنامه ششم با وجود آن‌که دولت در بند (ت) ماده ۴۸ موظف شده است از طریق وزارت نیرو نسبت به افزایش توان تولید برق تا ۲۵ هزار مگاوات اقدام نماید، اما عملاً موفقیتی در ایجاد ظرفیت جدید تولید برق وجود نداشته است.

این مساله نگرانی‌های جدی در تأمین برق پایدار ایجاد می‌کند. ساخت نیروگاه زمان‌بر است که حتی در صورت وجود منابع مالی کافی، به سرعت و در کوتاه مدت امکان افزایش ظرفیت تولید برق میسر نیست. حال که ابعاد واقعی مساله سرمایه‌گذاری در تولید برق تشریح شد، مروری بر دلایل بروز این شرایط صورت خواهد گرفت. به طور کلی آن‌چه مانع از جذب سرمایه‌ها برای ساخت و توسعه نیروگاه‌ها می‌شود، وجود ریسک‌های متعدد و انتقال یک‌سویه آن‌ها به سرمایه‌گذار غیردولتی است به طوری که سرمایه‌گذار قادر به مدیریت بهینه برخی از آن‌ها نیست و در نتیجه در خطر از دست دادن سرمایه و یا عدم بازگشت مناسب برای سرمایه‌گذاری خود قرار می‌گیرد.

نخستین عاملی که در عدم جذابیت سرمایه‌گذاری در تولید برق نقش داشته است، اقتصاد برق است. منابع و مصارف صنعت برق متوازن نیست در نتیجه درآمد وزارت نیرو از محل فروش برق و انشعاب جوابگوی هزینه‌های تولید تا توزیع برق نمی‌باشد. از سوی دیگر با وجود آن‌که سازمان برنامه و بودجه در ماده (۶) قانون حمایت از صنعت برق ملزم شده است منابع مورد نیاز برای پرداخت ما به التفاوت قیمت تمام شده و تکلیفی را در بودجه‌های سنواتی پیش‌بینی و به وزارت نیرو پرداخت کند، به این قانون عمل نمی‌کند که این مساله منجر به انباشت بدهی قابل توجه وزارت نیرو به تولیدکنندگان غیردولتی برق شده است. این چرخه که بر تأمین نقدینگی نیروگاه‌ها حتی برای انجام مخارج جاری اثرگذار است، این پیام را به سرمایه‌گذار می‌دهد که وصول درآمدهای ناشی از فروش برق با مشکل رو به رو است.

از سوی دیگر سرمایه‌گذار سازنده نیروگاه، در پنج سال نخست بهره‌برداری، قرارداد فروش تضمینی برق دارد و بعد از آن باید برق تولیدی خود را در بازار برق یا به سایر روش‌های خارج از بازار (بورس انرژی یا قراردادهای دوجانبه) بفروشد. قیمت خرید برق در قراردادهای خرید تضمینی از نیروگاه

ضریب تعدیلی دارد که با تغییرات تورم و نرخ ارز اصلاح می‌شود و از این طریق تا حدی فشار افزایش سطح عمومی قیمت‌ها پوشش داده می‌شود. اما قیمت خرید برق نیروگاه‌ها در بازار برق روند مناسبی طی نکرده است به طوری که در فاصله سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۸ تقریباً ثابت مانده و بعد از آن نیز افزایشی متناسب با تورم کشور نداشته است. دلیل این مساله نبود ضابطه مشخص برای تعیین نرخ پایه آمادگی و سقف قیمت پیشنهادی انرژی است که هر دو از مولفه‌های مهم اثرگذار بر قیمت خرید برق نیروگاه در بازار عمده فروشی برق هستند. در حالی که قانون‌گذار در قوانین برنامه‌های پنجم و ششم توسعه به منظور جلب سرمایه به ساخت نیروگاه و اطمینان از تأمین برق پایدار تلاش کرده است ظرفیت‌هایی طراحی کند، (در بند (و) ماده ۱۳۳ قانون برنامه پنجم و بند (ت) ماده ۴۸ قانون برنامه ششم توسعه)، در عمل اجرای صحیحی از این مواد قانونی مشاهده نمی‌شود. این دو مورد منجر به شکل‌گیری نوعی ریسک درآمدی برای سرمایه‌گذار نیروگاه می‌شود که سرمایه‌گذار برای پوشش آن ابزاری ندارد.

دومین موردی که بر روند سرمایه‌گذاری در ساخت نیروگاه‌ها اثرگذار بوده است، نبود الگوی تأمین مالی مناسب است. الگوی رایج سرمایه‌گذاری در ساخت نیروگاه در ایران با مشارکت بخش‌های عمومی و خصوصی، قراردادهای ساخت، تملک و بهره‌برداری (BOO) است. در این قراردادهای مسئولیت تأمین مالی پروژه بر عهده شرکت پروژه است. اغلب نیروگاه‌های ساخته شده برای تأمین منابع مالی از تسهیلات ارزی صندوق توسعه ملی یا سهم ۷۰ تا ۹۰ درصد استفاده کرده‌اند. شرکت تولیدکننده برق اجازه صادرات و کسب درآمد ارزی ندارد، بنا بر این با افزایش شدید نرخ ارز در چند مرحله، دیگر قادر به بازپرداخت اقساط تسهیلات دریافتی خود نیست. این مساله که سرمایه‌گذاران قبلی را به بدهکاران بزرگ شبکه بانکی تبدیل کرده و تحت فشارهای اقتصادی اجتماعی مختلفی گذاشته است، منجر شده تا سرمایه‌گذار جدیدی وارد این حوزه نشود. بازارهای سرمایه داخلی توانایی تأمین مالی پروژه‌های زیرساختی در مقیاس نیروگاه‌های تولیدکننده برق را ندارند و استفاده از فاینانس خارجی به دلیل موقعیت سیاسی و بین‌المللی کشور به راحتی میسر نیست، در نتیجه عملاً الگویی برای تأمین مالی این پروژه‌ها وجود ندارد که در آن سرمایه‌پذیر و سرمایه‌گذار با ریسک مناسبی که به بهترین شکل قادر به مدیریت آن باشند به ایفای نقش و تعهدات خود بپردازند.

سومین مشکل سرمایه‌گذار غیردولتی برای ورود به تولید برق، ریسک‌های حقوقی، قانونی و قراردادی این نوع سرمایه‌گذاری است. در سال‌های اخیر، صنعت برق شاهد موارد متعدد عدم اجرا، اجرای ناقص یا سلیقه‌ای قوانین یا رویه‌های قضائی بوده است که این مساله شرایط بی‌ثباتی را به همراه آورده است. در جدول (۳) فهرستی از این موارد ارائه می‌شود.

جدول (۳). مواد قانونی موثر بر وضعیت تولیدکنندگان برق و کیفیت اجرای آن‌ها

ردیف	ماده قانونی	حوزه اثرگذاری	کیفیت اجرا
۱	ماده (۶) دستورالعمل بند (و) ماده ۱۳۳ قانون برنامه پنجم توسعه	اصلاح قیمت خرید برق از نیروگاه‌ها در بازار عمده فروشی برق	در دو سال پایانی برنامه اجرا نشد که منجر به شکایت تعدادی از نیروگاه‌های غیر دولتی به دیوان عدالت اداری شد.
۲	رای هیات عمومی دیوان عدالت اداری براساس دادنامه شماره ۳۱	تامین نقدینگی نیروگاه‌ها و جبران زیان مالی ایجاد شده در اثر عدم اجرای قانون	با وجود گذشت بیش از یک سال وزارت نیرو به اجرای رای دیوان عدالت اداری تمکین نمی‌کند.
۳	ماده (۶) دستورالعمل بند (ت) ماده ۴۸ قانون برنامه ششم توسعه	اصلاح قیمت خرید برق از نیروگاه‌ها در بازار عمده فروشی برق	در عمل با یک سال تاخیر و به صورت ناقص اجرا شده است. به طوری که به جای اعلام ضوابط مالی مشخص، تعیین سقف قیمت انرژی و نرخ پایه آمادگی هر ساله با چانه زنی ذی نفعان و بر اساس صلاحدید اعضای هیات تنظیم بازار برق در آن سال صورت می‌گیرد.
۴	تبصره ذیل ماده (۱۰) قانون برنامه ششم توسعه	اصلاح قراردادهای خرید برق از نیروگاه‌ها با درج خسارت تاخیر در تادیه پرداخت	با وجود گذشت بیش از سه سال از ابلاغ سند برنامه ششم توسعه همچنان این بند در قراردادهای خرید برق از نیروگاه‌ها درج نمی‌شود.
۵	مصوبه هیات وزیران شماره ۵۱۷۰۹ت/۳۱۱۰۸ هـ. مورخ	بازپرداخت تسهیلات ارزی دریافتی برای احداث نیروگاه از صندوق توسعه ملی	بانک مرکزی تاکنون برای اجرای این مصوبه اقدامی نکرده است.
۶	ماده (۵۹) قانون اصلاح قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم و چهارم (۴۴) قانون اساسی	اصلاح نظام حکمرانی صنعت برق با تاسیس رگولاتور مستقل برق	پس از بررسی لایحه در کمیسیون‌های مرتبط مجلس شورای اسلامی ادامه روند بررسی؛ تصویب لایحه و تاسیس این نهاد متوقف مانده است.
۷	بند (ت) ماده ۴۶ قانون برنامه ششم توسعه	تهیه آیین‌نامه پوشش نوسانات نرخ ارز	با وجود گذشت بیش از سه سال از ابلاغ سند برنامه ششم توسعه همچنان این آیین‌نامه تهیه نشده است.

منبع: قوانین، دستورالعمل‌ها و رویه‌های قضایی موجود

همچنین در مواردی نیز بدون وجود پشتوانه قانونی مستحکم، شرایط یک سویه از سوی بخش عمومی به بخش غیردولتی سرمایه‌گذار تحمیل می‌شود. از جمله آن‌که با وجود ابهامات و تعارضاتی که در ساز و کار و نحوه صدور و معاملات گواهی ظرفیت وجود دارد، نیروگاه‌ها به ارائه آن ملزم شده‌اند.

همچنین در باره پروانه بهره‌برداری تولید برق، ضمن آن‌که باید به صورت سالیانه این پروانه تمدید شود در حالی که در ارتباط با سایر صنایع چنین الزامی وجود ندارد، هر ساله نیز اطلاعات متعددی از نیروگاه‌ها برای این امر درخواست می‌شود که بعضاً اطلاعات محرمانه بوده و یا جمع‌آوری آن‌ها نیازمند تخصیص وقت و هزینه بسیار است.

مجموعه این موارد منجر شده است ریسک‌های سرمایه‌گذاری در ساخت نیروگاه‌ها برای سرمایه‌گذار خصوصی بالا بوده و نوع این ریسک‌ها اغلب به گونه‌ای است که بخش خصوصی قادر به مدیریت بهینه آن‌ها نیست. در نتیجه در رقابت با سایر زمینه‌های سرمایه‌گذاری، ساخت نیروگاه جذابیتی نداشته و تولید برق توانایی خود را در جذب سرمایه‌ها از دست داده است. بیرون رفتن از این شرایط نیازمند انجام اصلاحات اقتصادی، مالی، حقوقی/قراردادی و نظارت بیشتر بر اجرای قوانین اثرگذار بر صنعت برق است.

بازار ظرفیت و ظرفیت های آن



آرزو سادات موسوی زاده، مدیر امور بورس و شرکت‌ها (مدیریت امور حقوقی) گروه مهنا
مهناز جهان‌بین، کارشناس امور قراردادها (مدیریت امور حقوقی) گروه مهنا



بازار ظرفیت چیست و سازوکار آن چگونه است؟

در قراردادهای حوزه برق، تولیدکنندگان برق متعهد به ایجاد ظرفیت تولید برق در قبال دریافت بهای تامین برق تولیدی هستند. همچنین، برق تولیدشده در نیروگاه‌ها می‌تواند به عنوان یک کالای مصرفی، توسط تولیدکنندگان در بازار برق یا دریافت وجه از مصرف‌کنندگان به فروش برسد. اما در مقابل برق تولیدی، تعبیر دیگری به نام «ظرفیت نیروگاه» هم وجود دارد که به توان انرژی قابل تولید نیروگاه اطلاق می‌شود و نیروگاه‌ها از بابت آن، بهای ظرفیت دریافت می‌دارند.

در سال‌های اخیر، بحران‌های موجود ناشی از فقدان برق در مقاطع زمانی مختلف، دولت‌ها را برآن داشت که برای حصول اطمینان از تامین برق کافی در صورت وقوع بحران‌های طبیعی یا افزایش چشم‌گیر تقاضا، به ویژه در زمان پیک مصرف، چاره‌اندیشی کنند. کشورهای پیشرفته به درستی می‌دانستند که حل این معضل منوط به تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاران بخش خصوصی به منظور ساخت نیروگاه‌های جدید و ایجاد انگیزه برای تامین‌کنندگان برق از طریق تامین مالی مناسب در تولید ظرفیت برق مورد نیاز کشور است. به همین منظور، این دولت‌ها مکانیزمی به عنوان «بازار ظرفیت» را به عنوان یک بازار فرعی و در عمل یک مکانیزم تقویتی و اصلاحی برای جبران کاستی‌های بازار برق ایجاد کردند. فلسفه ایجاد این بازار نیز حصول اطمینان از تولید برق مورد نیاز و متناسب با میزان تقاضا در سال‌های آتی و به ویژه در زمان پیک مصرف است؛ با این چشم‌انداز که اگر به اهداف خود جهت ارتقای بازار برق دست یابند، دیگر بازار گواهی ظرفیت بی‌اثر و ملغی شود. بر همین مبنا نیز، هر چند سال یکبار، ضرورت وجود بازار ظرفیت، خود را بازبینی و امکان ادامه فعالیت این بازار یا برچیده شدن آن را بعد از هر بازبینی بررسی می‌کند.

بنابراین، در کنار بازارهای انرژی موجود، بازار ظرفیت با دو هدف عمده: الف) تشویق تولیدکنندگان به تولید و تامین ظرفیت یا دریافت مبلغی ماهیانه به عنوان منبع مالی جهت پوشش هزینه‌های خود و ب) ایجاد اطمینان برای متقاضیان در تامین و دریافت ظرفیت مورد نیازشان در زمان سررسید، تبیین شد.

مکانیزم مورد استفاده توسط دولت‌ها در بازار ظرفیت بدین صورت است که، ابتدا نهاد تعریف‌شده برای این امر (مدیریت شبکه یا هر نهاد دیگری) مزایده‌ای را مقدم بر سررسید تحویل ظرفیت، براساس پیک تقاضای پیش‌بینی شده برای سال‌های آتی، برگزار می‌کند. سپس تامین‌کنندگان می‌توانند یک سال قبل از سررسید موعد تحویل برق، از طریق بازار ثانویه، حقوق

مالکانه خود را با پیشنهاد قیمتی متناسب با هزینه‌های متحمل به متقاضیان خرید ظرفیت انتقال داده و بدین صورت از یک طرف بخشی از هزینه‌های تامین‌کنندگان برق جبران می‌شود و از طرف دیگر متقاضیان برق نیز می‌توانند در سررسید درخواست انشعاب کرده و نیاز خود را مرتفع سازند. قیمت‌های پیشنهادی هر یک از تامین‌کنندگان با هزینه‌های آن‌ها برای تولید ظرفیت ارتباط دارد. به عنوان مثال یک نیروگاه جدید هزینه‌های مرحله ساخت و بهره‌برداری را لحاظ می‌کند و معمولاً قیمت پیشنهادی بیشتری در مقایسه با یک نیروگاه سی‌ساله دارد. اما در نهایت هر یک از تامین‌کنندگان قیمت تسویه بازار (نقطه برابری میزان عرضه و تقاضا) را دریافت می‌کند.

در صورتی که تامین‌کنندگان به تعهد خود در خصوص تحویل ظرفیت مورد تعهد عمل نکنند، متحمل جریمه نقدی می‌شوند و این جریمه به عنوان جبران خسارت به متقاضیان پرداخت و مبلغ آن به گونه‌ای تعیین می‌شود که هزینه‌های احتیاطی اتخاذشده از سوی متقاضیان جهت اجتناب از خاموشی و قطع برق را پوشش دهد. در مقابل در صورت تامین برق مازاد بر ظرفیت مقرر، با جمع‌شده‌ای تامین‌کنندگان مستحق اضافه‌پرداخت می‌شوند. این شرایط عبارتند از: اعلام قبلی به دولت، امتناع سایر تامین‌کنندگان از تامین ظرفیت مورد تعهد و متعاقباً پرداخت جریمه توسط آن‌ها.

نگاهی کلی به مکانیزم گواهی ظرفیت در دنیا و تحلیل رویکردهای موجود، نشان می‌دهد که اگر فلسفه وجودی این نهاد در نظر گرفته شده و سپس بازار ظرفیت بر مبنای آن طراحی و راه‌اندازی شود، آن‌گاه بستر لازم برای عرضه گواهی ظرفیت در بورس فراهم خواهد شد و می‌تواند نتایج مفید برای صنعت برق داشته باشد؛ غیر از آن، نهاد دیگری با سازوکاری دیگر ایجاد خواهد شد که طبیعتاً قبل از ورود با بازار باید به درستی آسیب‌شناسی شود و گرنه صدمات جبران‌ناپذیری به همراه خواهد داشت.

بستر و پیش‌فرض‌های لازم برای بازار گواهی ظرفیت در ایران

در ایران تاکنون دریافت بهای ظرفیت تنها در قالب تیپ‌های قراردادی موجود و از سوی طرف دیگر قرارداد (خریدار) بوده است و بازاری به عنوان بستر مبادله ظرفیت و به نوعی قانونی برای «مال» تلقی کردن آن برای مبادله در بازار تدوین نشده است. پر واضح است که بدون طی فرآیند قانونی برای این ابزار مالی با چالش‌ها و نقصان‌هایی مواجه خواهیم شد که

اوراق و مالکیت آن‌ها به صراحت در قراردادهای تعهد به ایجاد ظرفیت مشخص شود.

نقد وضعیت موجود گواهی ظرفیت در قراردادهای خرید تضمینی

بخش خصوصی همواره به عنوان یکی از ارکان اصلی تولید برق متأسفانه در سیاست‌گذاری‌های کلان و تصمیمات حوزه انرژی برق کشور کمتر مورد توجه قرار گرفته شده است. یکی از اهداف تقنینی قانونگذار در این بخش تکلیف دولت به ایجاد زمینه‌های لازم انگیزشی و حل موانع و مشکلات موجود و بسترسازی مناسب برای ترغیب بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری در این صنعت است. بر همین مبنا، با وضع بند (و) ماده ۱۳۳ قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه به منظور ترغیب و تشویق بخش خصوصی به افزایش توان تولیدی، دولت مکلف به خرید برق نیروگاه‌های خصوصی و تصویب و اجرای طرح‌های تشویقی در این خصوص شد. شورای اقتصاد نیز در تاریخ ۱۳۹۱/۰۸/۲۹ دستورالعمل اجرایی بند (و) ماده ۱۳۳ قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه را به پیشنهاد وزارت نیرو تصویب کرد. در این دستورالعمل، علاوه بر ارائه سازوکارهای خرید انرژی و امکان ارائه و فروش برق از سوی تمامی عرضه‌کنندگان در بازار عمده فروشی برق در فضای رقابتی، اعمال ضریب تعدیل هر ساله بر نرخ آمادگی نیروگاه‌ها و تسهیل تامین سوخت نیروگاه‌ها از سوی وزارت نفت، شورای اقتصاد در مقام قانون‌گذار نهاد جدید «گواهی ظرفیت» را ایجاد کرده است.

بر خلاف تعاریف بین‌المللی، در ایران با ارائه تعریف ناقص در دستورالعمل فوق، فضای مبهمی را درباره کارکرد اوراق گواهی ظرفیت و نقش آن در تامین مالی برای احداث نیروگاه‌ها به وجود آورده است و ایرادات بسیار بر آن وارد است، از جمله:

۱- وظیفه شورای عالی بورس تصویب ابزارهای مالی جدید است که بتواند وسیله‌ای جهت کمک به بخش خصوصی و توسعه بازار داخلی باشد، بنابراین استفاده از این ابزارهای تامین مالی باید جنبه اختیاری داشته باشد و نه تکلیفی. در حالی که، در دستورالعمل گواهی ظرفیت بعنوان یک ابزار مالی جدید، عدم خرید و ارائه آن مشمول جریمه و فسخ قرارداد انشعاب شده و بدیهی است که تکلیف استفاده‌کنندگان از این امتیاز به تهیه گواهی‌های مذکور با جنبه ترغیبی مورد نظر در بند (و) ماده ۱۳۳ قانون برنامه پنج ساله پنجم و فلسفه ابزارهای تامین مالی منافات دارد؛

۲- بر اساس بند (ت) ماده ۴۸ قانون برنامه ششم توسعه، «دولت مکلف به افزایش توان تولید برق تا ۲۵۰۰۰ مگاوات از طرق روش‌های مستداول سرمایه‌گذاری و انعقاد قرارداد

این ابزار مالی با چالش‌ها و نقصان‌هایی مواجه خواهیم شد که باعث می‌شود عملاً کارکرد موثری برای توسعه سرمایه‌گذاری در صنعت برق نداشته باشد.

بنابراین ضرورت دارد که، ابتدا مراحل ذیل طی و بستر لازم فراهم شود:

۱- در دنیای سرمایه‌گذاری برای پوشش نیازهایی که به طور روزافزون پیچیده‌تر و متنوع‌تر می‌شوند، پیوسته ابزارهای مالی جدید خلق شده و مورد استفاده قرار می‌گیرند. برای طراحی ابزارهای مالی جدید از جمله انتشار گواهی ظرفیت باید شش مرحله را پشت سر گذاشت: مطالعات اقتصادی، مطالعات فقهی و حقوقی، مفهوم‌سازی مالی، ملاحظات مدیریت ریسک ابزار، استانداردهای گزارش‌گری مالی و ملاحظات مالیاتی. در نهایت، پس از طی مراحل فوق، پس از احراز این که گواهی ظرفیت به عنوان یک ابزار مالی به نفع و صلاح رونق اقتصادی کشور است و ظرفیت نیروگاه‌ها می‌تواند «مال» تلقی شده و در بازار قابلیت و امکان معامله داشته باشد.

برای این منظور می‌بایست ابتدا در مجلس شورای اسلامی به عنوان یک قانون وضع و پس از تایید شورای نگهبان مطابق با قانون «توسعه ابزارها و نهادها مالی جدید» در راستای تسهیل اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم قانون اساسی مصوب ۱۳۸۸/۰۹/۲۵ ناظر بر قانون بازار اوراق بهادار مصوب آذرماه ۱۳۸۴ اجرایی شود؛ سپس، با استناد به ماده ۴ قانون بازار اوراق بهادار ناظر بر بند (۲۴) ماده یک همان قانون که تصویب ابزارهای مالی جدید را جزء وظایف و اختیارات شورای عالی بورس بر شمرده است، پس از بررسی و تایید کمیته فقهی-حقوقی سازمان بورس و اوراق بهادار، می‌بایست نحوه سازوکار معاملاتی گواهی ظرفیت و دستورالعمل اجرایی آن توسط شورای عالی بورس تصویب و ابلاغ شود؛

۲- بازار اولیه برق، با وجود تکلیف دولت به انعقاد قرارداد خرید تضمینی برق (موضوع بند (ب) ماده ۲۵ قانون برنامه چهارم توسعه) مبنی بر خرید و فروش برق به صورت عرضه و تقاضا در حال حاضر وجود دارد؛ اما همان‌طور که گفته شد، باید امکان مبادله گواهی ظرفیت در بازار ثانویه نیز وجود داشته باشد تا دارنده بتواند با فروش این اوراق در بورس طبق قانون و دستورالعمل‌های موجود، هزینه‌های متحمل شده در تولید برق را جبران و از طریق تامین مالی کند. بنابراین، می‌بایست بازار ثانویه تعریف و نحوه انجام معاملات در این بازار مشخص شود؛

۳- نهایتاً، طبق فلسفه وجودی گواهی ظرفیت که همانا تشویق تولیدکنندگان به تولید و تامین ظرفیت برق کافی برای کشور است، می‌بایست مالک گواهی انتشار یافته، خود تامین‌کننده برق باشد تا بتواند با فروش اوراق در بازار ثانویه تامین مالی کند. بنابراین ضرورت دارد که ارزش‌های مالی این

اما خود شرط باطل است.

نتیجه این که، بر اساس موارد فوق الذکر، امتیاز گواهی ظرفیت نیروگاه با انعقاد قرارداد خرید تضمینی یا تبدیل انرژی، به توانیر یا خریدار (بر حسب مورد) منتقل می‌شود و در مقابل این انتقال نیز مبلغی به سرمایه گذار پرداخت نخواهد شد. بنابراین، نیروگاه امتیاز گواهی ظرفیت مطمئن نیروگاهی لازم را جهت صدور و انتشار گواهی ظرفیت نخواهد داشت و عملاً ارزش مالی آن از سرمایه گذار سلب می‌شود. از این رو، ضرورت داشت که ما به‌ازا و نحوه جبران معادل آن به نحوی (به صورت نقد یا درج در نرخ و یا عودت حق تصرف) پیش‌بینی می‌شد، ولی با وجود دستورالعمل‌ها و قراردادهای تیپ وزارت نیرو، حتی حقوق مسلم سرمایه گذاران در مالکیت اموال خود نیز بصورت رایگان سلب شده است.

در پایان، باتوجه به مغایرت‌های قانونی موجود با اهداف قانون گذار در برنامه‌های پنجم و ششم توسعه و مکلف ساختن صاحبان نیروگاه‌های حرارتی به تعیین ظرفیت ثابت بدون درنظر گرفتن عمر مفید تجهیزات نیروگاهی، و از همه مهم‌تر ایجاد یک ابزار مالی بدون طی کردن مسیر قانونی، بازنگری در سازوکار و نحوه صدور و معاملات گواهی ظرفیت اجتناب‌ناپذیر بوده و لغو فرآیند انتشار و معاملات گواهی ظرفیت تا تغییر ساختار ابزار مالی تعریف شده و رفع الزام و تکلیف مقرر برای تولیدکنندگان برق ضروری است.



خرید تضمینی برق است. «به موجب تبصره شماره (۴) الحاق‌شده به بند (۱) ماده (۷) دستورالعمل بند (و) ماده ۱۳۳ قانون برنامه پنجم توسعه طی مصوبه شماره ۳۹۴۵۵ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۴ شورای اقتصاد، وزارت نیرو مجاز است در صورت تشخیص نیاز به برق در طول سال‌های باقیمانده برنامه پنجم توسعه با متقاضیان بخش غیر دولتی احداث نیروگاه، قرارداد تبدیل انرژی منعقد کند. انعقاد این قراردادها به منزله واگذاری امتیاز گواهی ظرفیت نیروگاه به توانیر است و از بابت واگذاری این امتیاز مبلغ جداگانه‌ای به سرمایه گذار پرداخت نمی‌شود. همین امر در ماده ۹ دستورالعمل تعیین نرخ خرید تضمینی برق، موضوع بند «ت» ماده (۴۸) قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه، پیرو مصوبه شماره ۷۵۷۷۳۷ مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۲۰ هیات وزیران در خصوص قراردادهای خرید تضمینی برق تکرار شده است. در قراردادهای برنامه پنجم که بعد از سال ۹۵ (تاریخ ابلاغ دستورالعمل انتشار گواهی ظرفیت) به امضا رسیده‌اند نیز این شرط درج شده که «قراردادهای موضوع این تبصره به منزله واگذاری امتیاز گواهی ظرفیت نیروگاه به توانیر می‌باشد و از بابت واگذاری این امتیاز مبلغ جداگانه‌ای به سرمایه گذار نیروگاهی پرداخت نمی‌شود.» و اساساً با استناد به این که سرمایه گذار با علم و آگاهی از کلیه تعهدات و مسئولیت‌های مالک نیروگاه در خصوص انتشار گواهی ظرفیت نیروگاه تحت تملک خود و واگذاری امتیاز آن به شرکت، قرارداد را امضا کرده است، وی را در قبال تعهدات داده شده مسئول می‌دانند، در حالی که:

اولاً: حقوق مسلم سرمایه گذاران در مالکیت اموال خود به صورت رایگان سلب شده و حتی بر فرض قائل شدن به اقدام سرمایه گذار علیه خود با امضای قرارداد، تفسیر انتقال امتیاز گواهی ظرفیت هرگز به معنای تحمیل هزینه نبوده، چرا که انتظار تأمین مادام‌العمر ظرفیت وجود دارد! مقررات ابلاغی در خصوص گواهی ظرفیت به معنای تغییر مدل سرمایه گذاری است و این که تحمل ریسک افت توان با سرمایه گذار باشد، طبیعتاً با هدف اولیه و جنبه ترغیبی این ابزار مالی منافات دارد؛

ثانیاً: بر فرض عدم وجود بار مالی و تحمیل هزینه مضاعف و اقدام سرمایه گذار با پذیرش مقررات با امضای قرارداد، تعریفی که در زمان امضای قرارداد از «گواهی ظرفیت» وجود داشته بر مبنای تصویب دستورالعمل اجرایی بند (و) قانون برنامه پنجم توسط شورای اقتصاد در تاریخ ۱۳۹۱/۸/۲۹ و تأیید شورای عالی بورس در تاریخ ۱۳۹۳/۶/۱۷ بوده که محدود به یک تعریف ساده است؛ و با آنچه امروزه دولت بر مبنای آن در پی وصول درآمد است بدون آنکه مبلغی به سرمایه گذار پرداخت نماید، مصداق «شرط مجهول» است که نسبت به موضوع آن، در زمان امضای قرارداد علم اجمالی وجود داشته است. در واقع شرط مجهولی است که موجب مجهول شدن عوضین نمی‌شود و مبطل عقد نخواهد بود.

در نشست هم‌اندیشی فرصت‌های سرمایه‌گذاری در بخش نیروگاهی بررسی شد: موانع و راهکارهای افزایش انگیزه بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در تولید برق

گزارش خبری



نشست هم‌اندیشی فرصت‌های سرمایه‌گذاری در بخش نیروگاهی روز سه‌شنبه نهم شهریورماه جاری به صورت مجازی برگزار شد. در این نشست که حدود ۴ ساعت به طول انجامید، ۱۶ نفر از مدیران ارشد بخش دولتی و خصوصی صنعت برق و سازمان‌های سیاست‌گذار در حوزه انرژی، دیدگاه‌های خود در مورد موانع و فرصت‌های سرمایه‌گذاری در بخش تولید برق را مطرح کردند. در این نشست همچنین برنامه‌های وزارت نیرو در حوزه تولید برق در دولت سیزدهم نیز مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. گزارش این نشست را در ادامه می‌خوانید:



معاون برنامه‌ریزی و امور اقتصادی وزارت نیرو با اشاره به این که ظرفیت نامی نیروگاه‌های حرارتی کشور به حدود ۷۰ هزار مگاوات رسیده است، افزود: در حال حاضر ۶۰ درصد از ظرفیت نیروگاه‌های حرارتی کشور متعلق به بخش خصوصی است.

وی با اشاره به برنامه ششم توسعه گفت: طی برنامه ششم توسعه حدود ۱۳ هزار مگاوات به ظرفیت نیروگاهی کشور افزوده شده است که ۱۰ هزار مگاوات آن توسط بخش خصوصی احداث شده است.

محسن بختیار معاون برنامه‌ریزی وزارت نیرو در نشست هم‌اندیشی فرصت‌های سرمایه‌گذاری در بخش نیروگاهی با اشاره به برنامه وزارت نیروی دولت سیزدهم برای افزایش ۳۰ هزار مگاواتی ظرفیت نیروگاه‌های کشور ظرف چهار سال آینده، گفت: براساس برنامه‌ریزی صورت گرفته مقرر شده است تا ۱۰ هزار مگاوات از این نیروگاه‌ها توسط صنایع بزرگ، ۱۰ هزار مگاوات توسط نیروگاه‌های تجدیدپذیر و ۱۰ هزار مگاوات نیز از طریق احداث و تکمیل نیروگاه‌های جدید و حرارتی انجام شود.

را محدود کرده است.

وی با تأکید بر اینکه چالش‌های این چنینی انگیزه لازم را برای سرمایه‌گذاری در طرح‌های نیروگاهی محدود می‌کند، خاطرنشان کرد: اگر بتوانیم جذابیت‌های لازم را برای بخش خصوصی ایجاد کرده و با برطرف کردن چالش‌های موجود آن‌ها زمینه سرمایه‌گذاری در بخش تولید برق را فراهم کنیم طبیعتاً برنامه وزارت نیروی دولت سیزدهم برای افزایش ۳۰ هزار مگاواتی ظرفیت نیروگاه‌های کشور در طی چهار سال آینده امکان‌پذیر خواهد بود.

بختیار بر لزوم استفاده از ظرفیت‌های بورس انرژی و مکانیزم‌های موجود در آن برای افزایش سرمایه‌گذاری در بخش تولید برق تأکید کرد و گفت: براساس مصوبه سال گذشته دولت صنایع بالای پنج مگاوات باید برق خود را از بورس انرژی خریداری کنند که این مهم زمینه تأمین برق صنایع را در قالب قراردادهای دوجانبه و از طریق نیروگاه‌های خصوصی فراهم خواهد کرد تا مقداری قیمت‌های موجود برق اصلاح شود.

وی خواستار استفاده هر چه بیشتر از ظرفیت ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید و منابع حاصل از محل سوخت صرفه جویی شد و افزود: مطمئناً در سال‌های پیش رو همانند چند سال اخیر با محدودیت‌های شدیدی در زمینه تأمین سوخت نیروگاه‌ها به ویژه در فصول سرد سال مواجه خواهیم شد؛ بدین منظور اولویت صنعت برق به سمت تکمیل واحدهای بخار نیروگاهی خواهد رفت که نیاز به مصرف سوخت نخواهد شد.

بختیار تأکید کرد: اگر بتوانیم از این ماده قانونی بیش از گذشته استفاده کرده و آن را فعال‌تر کنیم، مطمئناً انگیزه بیشتری برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در حوزه تولید برق فراهم خواهد شد.

معاون برنامه‌ریزی و امور اقتصادی وزارت نیرو به موضوع اصلاح تعرفه‌ها اشاره کرد و گفت: در قانون بودجه امسال موضوع تعرفه افزایشی و پلکانی مورد توجه قرار گرفته و مجلس نیز درصدد است تا قیمت برق صنایع پرمصرف و بالاتر از الگوی مصرف غیریارانه‌ای شود.

وی بر لزوم اولویت در پرداخت تسهیلات صندوق توسعه ملی برای بخش نیروگاهی و تولید برق تأکید کرد و افزود: باید در تعامل میان دولت و صندوق این مسئله حل شده تا از طریق اعمال نرخ سود کمتر و افزایش دوره زمانی بازپرداخت منابع بتوانیم جذابیت این تسهیلات را برای سرمایه‌گذاران افزایش بدهیم.

بختیار همچنین بر تعیین تکلیف مطالبات بخش خصوصی تأکید کرد و گفت: در تلاشیم با هماهنگی مجلس و سازمان برنامه و بودجه نیز بتوانیم ردیفی در بودجه‌های سنواتی پیش‌بینی کنیم تا در آن تعهدات دولت بابت مابه‌التفاوت قیمت تکلیفی و تمام‌شده برق دیده شده و مطالبات بخشی

بختیار ادامه داد: در حال حاضر بیش از ۱۶ هزار مگاوات نیروگاه در حال اجرا داریم که تحقق آن‌ها نیازمند حضور و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی است ولی سوال اینجا است که آیا در حال حاضر انگیزه لازم از سوی بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در حوزه تولید برق وجود دارد؟

وی یادآور شد: در طول چند سال اخیر بخش خصوصی صنعت برق با چالش‌های متعددی مواجه شده است که باید با رفع این مشکلات بتوانیم انگیزه لازم برای سرمایه‌گذاری و حضور هر چه بیشتر بخش خصوصی را در عرصه تولید برق فراهم کنیم. از جمله مشکلات و چالش‌های فعلی بخش خصوصی هزینه‌های بسیار بالای سرمایه‌گذاری در این حوزه است که افزایش نرخ ارز موجب شده تا احداث یک نیروگاه ۵۰۰ مگاواتی مستلزم سرمایه‌گذاری ۳۰۰ میلیون یورویی (۱۲ هزار میلیارد تومان) باشد.

اگر بتوانیم جذابیت‌های لازم را برای بخش خصوصی ایجاد کرده و با برطرف کردن چالش‌های موجود آن‌ها زمینه سرمایه‌گذاری در بخش تولید برق را فراهم کنیم طبیعتاً برنامه وزارت نیروی دولت سیزدهم برای افزایش ۳۰ هزار مگاواتی ظرفیت نیروگاه‌های کشور در طی چهار سال آینده امکان‌پذیر خواهد بود

محسن بختیار

بختیار تأکید کرد: یکی دیگر از مشکلات بخش خصوصی مابه‌التفاوت قیمت تکلیفی و تمام‌شده برق است. در طی چند سال اخیر افزایش نرخ ارز، تورم و عدم افزایش قیمت برق موجب شده تا فاصله بین قیمت تکلیفی و تمام‌شده مرتباً افزایش پیدا کرده و این امر رشد مطالبات صنعت برق از دولت و بدهی‌های صنعت برق به بخش خصوصی و تولیدکنندگان را به دنبال داشته است.

معاون برنامه‌ریزی و امور اقتصادی وزارت نیرو با اشاره به محدودیت‌های صندوق توسعه ملی برای سرمایه‌گذاران بخش خصوصی صنعت برق، گفت: با توجه به هزینه‌های بسیار بالای سرمایه‌گذاری در بخش تولید برق تنها منبع مالی برای استفاده بخش خصوصی، برخورداری از منابع صندوق توسعه ملی است که متأسفانه در طی چند سال اخیر به دلیل افزایش نرخ ارز و مشکلات ایجاد شده برای بخش خصوصی به منظور بازپرداخت تسهیلات ارزی دریافتی از صندوق، این مجموعه نیز تأمین مالی طرح‌های نیروگاهی

تکمیل نیروگاه‌های در حال ساخت می‌تواند برای عبور از شرایط حساس فعلی کمک‌حال صنعت برق باشد.

باید با تشویق مردم به سرمایه‌گذاری در بخش تولید برق و ارائه بهره‌مناسب به سرمایه‌گذاران بتوانیم پروژه‌های نیمه‌تمام در بخش تولید برق را تکمیل کنیم. بر همین اساس انتشار اوراق مالی اسلامی در حجم وسیع و تامین منابع مالی برای تکمیل نیروگاه‌های در حال ساخت می‌تواند برای عبور از شرایط حساس فعلی کمک‌حال صنعت برق باشد

محسن طرزطلب

وی ادامه داد: در شرایط فعلی صنعت برق به وعده صنایع بزرگ برای احداث ۱۰ هزار مگاوات نیروگاه جدید حساب ویژه‌ای باز کرده است و لازم است این برنامه با سرعت ویژه‌ای در دستور کار قرار بگیرد؛ چرا که اگر صنایع از همین امروز وارد میدان شده و فعالیت مربوط به احداث بخش گاز نیروگاه خود را آغاز کنند به حدود دو تا ۲.۵ سال زمان نیاز دارند تا بتوانند بار مصرف برق خود را از روی شبکه سراسری برداشته و انرژی مورد نیازشان را توسط نیروگاه‌های خود تامین کنند.

مدیرعامل شرکت برق حرارتی در پایان خاطرنشان کرد: به هر حال فرصت موجود برای افزایش ظرفیت نیروگاه‌های کشور تا پیک سال آینده بسیار محدود است و بایستی از زمان باقی‌مانده تا تابستان سال آینده حداکثر استفاده را کرده و با تسریع در فعالیت‌ها و تصمیم‌گیری شاهد تکمیل هرچه سریعتر نیروگاه‌های جدید باشیم.

در این نشست مصطفی رجبی مهدی مدیرعامل شرکت مدیریت شبکه برق با تشریح وضعیت موجود تولید و مصرف کشور گفت: پیش‌بینی می‌کنیم در مهرماه سال جاری حدود ۳ هزار مگاوات کمبود برق داشته باشیم و از آذرماه در شمال شرق کشور و از دی‌ماه در کل کشور محدودیت‌های سوخت خواهیم داشت که به تبع آن خاموشی‌های ناشی از کمبود سوخت‌رسانی به نیروگاه‌ها دور از انتظار نیست.

مدیرعامل شرکت مدیریت شبکه برق افزود: با تداوم این شرایط و محدودیت منابع مالی گشایشی در حل مشکلات موجود صنعت برق و کاهش بدهی‌ها به بخش خصوصی اتفاق نخواهد افتاد. وی تأکید کرد: ما در دوران بحران جدی قرار داریم.

در ادامه **سیدعبدالرحیم کاظمی معاون بازاریابی و فروش بخش برق گروه مپنا** طی سخنانی اظهار داشت: اگر

خصوصی را بتوانیم از این محل پرداخت کنیم.

محسن طرزطلب مدیرعامل شرکت مادر تخصصی تولید برق حرارتی در این نشست با اشاره به وضعیت فعلی و دغدغه‌های موجود در این بخش، گفت: در حال حاضر نگرانی جدی ما برای تامین سوخت زمستانه نیروگاه‌های حرارتی کشور است. مشکلی که به طور محسوس در سال گذشته به دلیل عدم تامین گاز و سوخت مایع مورد نیروگاه‌ها با آن مواجه بوده‌ایم و این نگرانی وجود دارد که در زمستان امسال هم نتوانیم برق کشور را به صورت کامل تامین کنیم. مدیرعامل شرکت مادر تخصصی تولید برق حرارتی با تأکید بر اینکه مصرف گاز در بخش خانگی و تجاری بسیار بالاست و امکان کنترل مصرف برای وزارت نفت وجود ندارد، گفت: عدم تامین گاز و سوخت مایع کافی برای نیروگاه‌ها، مساله مصرف مازوت و آلاینده‌های مرتبط با آن به نیروگاه‌ها بخش تولید برق را با نگرانی‌های شدیدی مواجه کرده است. طرزطلب با اشاره به این که اجرای برنامه تعمیرات نیروگاه‌ها در چنین شرایطی از حساسیت بسیار ویژه‌ای برخوردار است، ادامه داد: پس از پایان شهریور و همزمان با آغاز برنامه تعمیرات نیروگاه‌های حرارتی بایستی واحدهای مازوت‌سوز را آماده کنیم تا این واحدها در فصل زمستان کسری تولید برق ناشی از کمبود سوخت گاز را جبران کنند؛ از طرفی همین واحدها را برای تابستان سال آینده نیز باید آماده کنیم تا ناترازی موجود میان تولید و مصرف را جبران کنند. مطمئناً اگر نتوانیم از تمامی ظرفیت این واحدها استفاده کنیم با مشکلات بیشتری مواجه خواهیم شد.

وی با تأکید بر این که دولت به دنبال افزایش تعرفه‌های برق مشترکان نیست، اضافه کرد: هم اکنون ناترازی تولید و مصرف برق در کشور به حدود ۱۰ هزار مگاوات رسیده و اگر بنا باشد برای کاهش تورم در کشور تولید داخلی را افزایش و کارخانه‌ها را فعال کنیم طبیعتاً مصرف برق نیز افزایش قابل توجهی خواهد یافت و باید برای تامین این نیاز مصرفی برنامه‌ریزی مناسبی در دستور کار قرار بگیرد.

مدیرعامل شرکت برق حرارتی با اشاره به این که طبق پیش‌بینی‌های صورت گرفته طی یکسال آینده وضعیت بارندگی و تولید نیروگاه‌های برقابی در شرایط مناسبی نخواهد بود، گفت: در چنین شرایطی موضوع تکمیل ۱۰ هزار مگاوات نیروگاه در حال ساخت و احداث ۱۰ هزار مگاوات نیروگاه توسط صنایع بزرگ در دستور کار برنامه‌های وزارت نیروی دولت سیزدهم قرار گرفته است.

طرزطلب خاطرنشان کرد: از جمله راهکارهای موجود برای تحقق این برنامه تکیه بر منابع داخلی و با کمک مردم است. باید با تشویق مردم به سرمایه‌گذاری در بخش تولید برق و ارائه بهره‌مناسب به سرمایه‌گذاران بتوانیم پروژه‌های نیمه‌تمام در بخش تولید برق را تکمیل کنیم. بر همین اساس انتشار اوراق مالی اسلامی در حجم وسیع و تامین منابع مالی برای

اخیر در پیش گرفته بود، دور از انتظار نبود و قبلا در مورد مسیر اشتباه وزارت نیرو و تبعات عدم سرمایه‌گذاری‌های جدید برای توسعه ظرفیت‌های تولید برق هشدارهای لازم داده شده بود، ولی توجهی به آن نشد و امروز شاهد این بحران و تحمیل میلیاردها تومان خسارت به اقتصاد ملی کشور هستیم. وحدتی حضور بخش خصوصی در حوزه تولید برق را یکی از راهکارهای موثر در رفع مشکل کمبود برق دانست و گفت: متأسفانه با اجحافات که از سوی بخش دولتی به بخش خصوصی می‌شود، رغبتی برای سرمایه‌گذاری در این بخش وجود ندارد، به طوری که طی برنامه ششم عملیات اجرایی هیچ نیروگاه جدیدی توسط بخش خصوصی آغاز نشده است و تمایلی از سوی سرمایه‌گذاران برای خرید نیروگاه‌های دولتی وجود ندارد.

رئیس هیات‌مدیره سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق با اشاره به حجم انباشته شده مطالبات نیروگاه‌های خصوصی از وزارت نیرو مواردی نظیر نبود نهاد مستقل رگولاتوری برای قیمت‌گذاری مناسب خرید برق از نیروگاه‌ها، موضوع گواهی ظرفیت، صدور سالانه پروانه بهره‌برداری نیروگاه‌ها، عدم امکان صادرات برق توسط نیروگاه‌ها غیر دولتی، برخورد تبعیض‌آمیز با نیروگاه‌های خصوصی در بورس انرژی و مشکلات بازپرداخت تسهیلات ارزی توسط بعضی از نیروگاه‌های خصوصی و نبود توجیه اقتصادی را از جمله عوامل گریز سرمایه‌گذار برای مشارکت در بخش تولید برق دانست. وحدتی در ادامه با اشاره به برنامه‌های ارائه شده توسط وزارت نیرو برای ۴ سال آینده آن را در شرایط موجود مالی و نبود انگیزه برای بخش غیر دولتی بلندپروازانه تلقی کرد و تحقق آن را به بازنگری در رویکردهای وزارت نیرو و تامین منابع مالی کافی و ساماندهی اقتصاد برق، ایجاد رغبت در بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در بخش تولید مشروط کرد.

متأسفانه با اجحافات که از سوی بخش دولتی به بخش خصوصی می‌شود، رغبتی برای سرمایه‌گذاری در این بخش وجود ندارد، به طوری که طی برنامه ششم عملیات اجرایی هیچ نیروگاه جدیدی توسط بخش خصوصی آغاز نشده است و تمایلی از سوی سرمایه‌گذاران برای خرید نیروگاه‌های دولتی وجود ندارد

محمدعلی وحدتی

این شرایط تغییر نکنند و برق همچنان با قیمت ارزان عرضه شود، تقاضا همچنان روند افزایشی خواهد داشت و صنعت برق نمی‌تواند پاسخگوی آن باشد و مشکل کمبود برق کماکان ادامه خواهد داشت. وی در ادامه افزایش ۳۰ هزار مگاوات برق طی ۴ سال آینده را بسیار خوشبینانه دانست و افزود: از همکاران و کارشناسان صنعت برق انتظار داریم مشکلات اجرای برنامه‌های ارائه شده از سوی آقای وزیر را با شفافیت اعلام کنند تا برای جامعه بی‌جهت توقع ایجاد نشود.

از همکاران و کارشناسان صنعت برق انتظار داریم مشکلات اجرای برنامه‌های ارائه شده از سوی آقای وزیر را با شفافیت اعلام کنند تا برای جامعه بی‌جهت توقع ایجاد نشود

سید عبدالرحیم کاظمی

کاظمی در ادامه به تشریح توانمندی‌های گروه مپنا در حوزه نیروگاهی پرداخت و گفت: مپنا می‌تواند تا پیک ۱۴۰۱ به میزان سه هزار مگاوات به ظرفیت‌های موجود اضافه کند و اگر شرایط مالی مناسبی پدید آید و منابع موردنیاز آن تامین شود، تا سال ۱۴۰۵ گروه مپنا می‌تواند به میزان ۲۸ هزار مگاوات ساخت و بهره‌برداری از نیروگاه جدید را انجام دهد. وی در ادامه تصریح کرد: مپنا سابقه ساخت ۵۲۰۰ مگاوات نیروگاه در یکسال را دارد ولی در شرایط موجود و محدودیت منابع مالی امکان این کار را نمی‌دهد مگر این که در سیاست‌گذاری‌ها تغییرات اساسی ایجاد شود تا بتوان سالی ۵ هزار مگاوات نیروگاه جدید با راندمان ۵۹ درصد ساخت و به مدار آورد.

در این نشست همچنین محمدعلی وحدتی رئیس هیات مدیره سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق نیز طی سخنانی با تشریح رویکردهای وزارت نیرو در سال‌های اخیر و ارائه آمار و اطلاعات در مورد وضعیت موجود و آینده بخش تولید و مصرف برق کشور، مشکلات موجود این صنعت را ناشی از اقتصاد نابه‌سامان برق، بی‌ثباتی در اقتصاد کلان و اجرای سلیقه‌ای قوانین و کم‌توجهی به سرمایه‌گذاری در حوزه تولید برق متناسب با رشد مصرف دانست و گفت: بروز این شرایط بحرانی با توجه به سیاستی که وزارت نیرو در سال‌های

وزارت نیرو به منظور افزایش ۳۰ هزار مگاوات نیروگاه جدید تا ۴ سال آینده نیاز است که در حال حاضر چنین منبعی وجود ندارد اگر هم به فرض وجود داشته باشد قدرت جذب این حجم منابع مالی در شرکت‌ها وجود ندارد تا بتوانند آن را برای احداث نیروگاه هزینه کند. بنابراین برنامه‌های اعلام شده توسط وزارت نیرو خیلی آرمانی است و چندان قابلیت اجرا ندارد اگر هم بخواهیم از بازار سرمایه استفاده کنیم زمانی این امکان وجود خواهد داشت که سهام نیروگاه رشد کند و از این شرایط نابسامان خارج شده باشند. در چنین حالتی می‌توان از بازار سرمایه برای احداث نیروگاه منابع مالی جذب کرد.

سالانه بیش از ۹/۵ میلیارد دلار و در مجموع حدود ۳۹ میلیارد دلار برای اجرای برنامه‌های وزارت نیرو به منظور افزایش ۳۰ هزار مگاوات نیروگاه جدید تا ۴ سال آینده نیاز است که در حال حاضر چنین منبعی وجود ندارد اگر هم به فرض وجود داشته باشد قدرت جذب این حجم منابع مالی در شرکت‌ها وجود ندارد تا بتوانند آن را برای احداث نیروگاه هزینه کند. بنابراین برنامه‌های اعلام شده توسط وزارت نیرو خیلی آرمانی است و چندان قابلیت اجرا ندارد

محمد ملاکی

ملاکی در مورد واگذاری شرکت‌ها از جمله شرکت‌های توزیع نیروی برق گفت: این شرکت‌ها را می‌توان با حفظ بخش‌های حاکمیتی آن در بازار سرمایه عرضه و واگذار کرد. ولی خیلی از بخش‌های دیگر آن از طریق عرضه در بورس قابل واگذاری به بخش خصوصی است. رییس هیات‌مدیره شرکت ماه‌تاب‌گستر با تاکید بر این که این شرایط از آنچه که فکر می‌کنیم می‌کنید بحرانی‌تر است افزود: مشابه این شرایط در سال‌های گذشته در دو مقطع اتفاق افتاده است. در دو باری که شرایط صنعت برق بحرانی شد مشکل به خوبی مدیریت و از گسترش و تداوم آن جلوگیری به عمل آمد. یکبار چنین شرایطی در قبل از انقلاب و در سال‌های ۵۳ و ۵۴ اتفاق افتاد که کشور با خاموشی‌ها و کمبود جدی برق مواجه شد در آن زمان گروهی به خارج از کشور اعزام شدند و هرچه توانستند نیروگاه‌های

در ادامه این نشست محمد آقاجانلو معاون طرح‌های توسعه ای سازمان ایמידرو ابتدا با اشاره به خاموشی‌های اخیر، خسارت ناشی از قطع برق صنایع را هفته ای بین ۲۰۰ تا ۲۵۰ میلیون دلار دانست و گفت: در شرایط تحریم صادرات نفت، تولیدات صنایع می‌توانست به خارج از کشور صادر شود و برای ما ارزآوری داشته باشند ولی با خاموشی‌های گسترده برق صنایع این امکان از دست رفت و موجب زیان بزرگی (هفته‌ای ۲۰۰ تا ۲۵۰ میلیون دلار) به کشور شد.

در شرایط تحریم صادرات نفت، تولیدات صنایع می‌توانست به خارج از کشور صادر شود و برای ما ارزآوری داشته باشند ولی با خاموشی‌های گسترده برق صنایع این امکان از دست رفت و موجب زیان بزرگی (هفته‌ای ۲۰۰ تا ۲۵۰ میلیون دلار) به کشور شد

محمد آقاجانلو

وی با اشاره به طرح ساخت ۱۰ هزار مگاوات نیروگاه جدید توسط صنایع اظهار داشت: صنایع کشور منابع مالی دارند اما آن را برای توسعه پروژه‌های دیگر در نظر گرفته‌اند و برای ساخت ۱۰ هزار مگاوات نیروگاه جدید باید از تسهیلات مالی استفاده شود. معاون طرح‌های توسعه ای سازمان ایמידرو با بیان این که چنانچه صنایع تا سال ۱۴۰۴ صرفاً ۵ هزار مگاوات نیروگاه اختصاصی داشته باشند مشکل آن‌ها در خصوص تامین برق حل خواهد شد ولی با این حال آمادگی احداث ۱۰ هزار مگاوات نیروگاه جدید را خواهیم داشت به این شرط که شرکت تولید برق حرارتی مجوزات مورد نیاز آن را تامین کند و شرکت گاز نیز در مورد تخصیص گاز مورد نیاز ۱۰ هزار مگاوات نیروگاه اقدام کند. آقاجانلو در ادامه بازنگری در قیمت خرید مازاد تولید برق صنایع توسط وزارت نیرو از قرار هر کیلووات ساعت ۸۰ تومان و فروش آن به صنایع با قیمت هر کیلووات ساعت ۴۰۰ تومان را خواستار شد و بر اجازه صادرات مازاد برق تولیدی صنایع تاکید کرد.

محمد ملاکی رییس هیات‌مدیره شرکت ماه‌تاب‌گستر در این نشست مجازی تحقق برنامه‌های اعلام شده مبنی بر ساخت ۳۰ هزار مگاوات نیروگاه جدید در چهار سال آینده توسط وزیر نیرو را مشروط به تامین ۳۹ میلیارد دلار برای چهار سال ابراز داشت و گفت: سالانه بیش از ۹/۵ میلیارد دلار و در مجموع حدود ۳۹ میلیارد دلار برای اجرای برنامه‌های

عباسی در ادامه تاکید کرد: هیچ مسئول یا دستگاه دولتی مسئولیت افزایش تعرفه برق را نخواهد پذیرفت. بنابراین باید به دنبال راهکارهای دیگری باشید. وی در ادامه گفت: بخش خصوصی هوشمند است و در جایی سرمایه‌گذاری می‌کند که از ریسک کمتری برخوردار باشد. از این رو تا جذابیت برای این بخش ایجاد نشود و توجیه اقتصادی نداشته باشد، بخش خصوصی در تولید برق سرمایه‌گذاری نخواهد کرد.

در ادامه این نشست **سیدفریدالدین معصومی مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری برق و انرژی غدیر** طی سخنانی با نقد آمار و اطلاعات ارایه‌شده توسط دکتر بختیار در مورد میزان نیروگاه‌های احداث شده توسط وزارت نیرو طی برنامه ششم اظهار داشت: بخش خصوصی به دلیل شرایط نامناسب سرمایه‌گذاری عملاً هیچ قرارداد احداث نیروگاه جدیدی را در برنامه ششم با وزارت نیرو مبادله و شروع نکرده است و چند نیروگاه ساخته شده توسط بخش خصوصی در برنامه ششم، مربوط به برنامه پنجم توسعه بوده که وزارت نیرو آن را در آمار برنامه ششم توسعه آورده است.

گازی خریدند و در داخل کشور نصب و راه‌اندازی کردند. یک بار هم در سال ۶۷ و ۶۸ بود که همزمان با مسئولیت اینجانب به عنوان معاون امور برق و مدیرعامل شرکت توانیر بود که هر روز حدود ۸ تا ۹ ساعت خاموشی داشتیم ولی توانستیم با تدابیری خوب خاموشی‌ها را به سرعت کاهش دهیم. وی تاکید کرد: از این تجربیات با ارزش می‌توان برای خروج از بحران فعلی و رفع کمیود برق استفاده کرد.

دیگر سخنران این نشست **حمیدرضا عظیمی معاون توسعه طرح‌های شرکت مادر تخصصی تولید برق حرارتی** بود. وی در ابتدا اظهار امیدواری کرد که تا پایان سال آینده ۲۵۰۰ مگاوات نیروگاه جدید وارد مدار شود. عظیمی در ادامه با اعلام آمادگی ایجاد تسهیلات لازم برای احداث ۱۰ هزار مگاوات نیروگاه جدید توسط صنایع کشور گفت: مجوزات احداث ۱۰ هزار مگاوات نیروگاه در حال حاضر موجود است و مکان‌های آن هم نیز مشخص و آماده شده است و ما آماده ایم این مجوزات برای احداث ۱۰ هزار مگاوات نیروگاه جدید به صنایع واگذار کنیم.

محمدعباسی عضو شورای راهبری اندیشکده انرژی اتاق بازرگانی ایران دیگر سخنران این نشست بود که با نقد دیدگاه‌های حاضران گفت: همه نگاه‌های حاضران دولتی است و تا زمانی که نگاه و رویکرد خصوصی وجود نداشته باشد مشکلی را نمی‌توان حل کرد.

وی ضمن اشاره به لیست ۸ صفحه‌ای حاوی مجموعه قول‌هایی که مسئولان دولتی طی سال‌های اخیر به بخش خصوصی داده‌اند و آن‌ها را عمل نکرده‌اند، اظهار داشت: از این پس قولی را که توان اجرای آن را دارید مطرح کنید. بنابراین در شرایط موجود هیچ قولی به بخش خصوصی ندهید، چرا که توان اجرای آن را ندارید و این خلف وعده‌ها موجب افزایش بی‌اعتمادی بین بخش دولتی و خصوصی می‌شود.

در بعضی مقاطع می‌توانستیم مازاد برق تولیدی نیروگاه‌های خصوصی را برای استفاده مراکز تولید رمز ارز در نظر بگیریم و برای این نیروگاه‌ها ایجاد انگیزه کنیم، اما وزارت نیرو مانع این کار شد

سیدفریدالدین معصومی

معصومی در ادامه با گلایه از وزارت نیرو به خاطر تحمیل سیاست‌های یک‌جانبه خود به بخش خصوصی تولیدکننده برق و بی‌توجهی به توصیه‌های این بخش افزود: به عنوان مثال در بعضی مقاطع می‌توانستیم مازاد برق تولیدی نیروگاه‌های خصوصی را برای استفاده مراکز تولید رمز ارز در نظر بگیریم و برای این نیروگاه‌ها ایجاد انگیزه کنیم، اما وزارت نیرو مانع این کار شد.

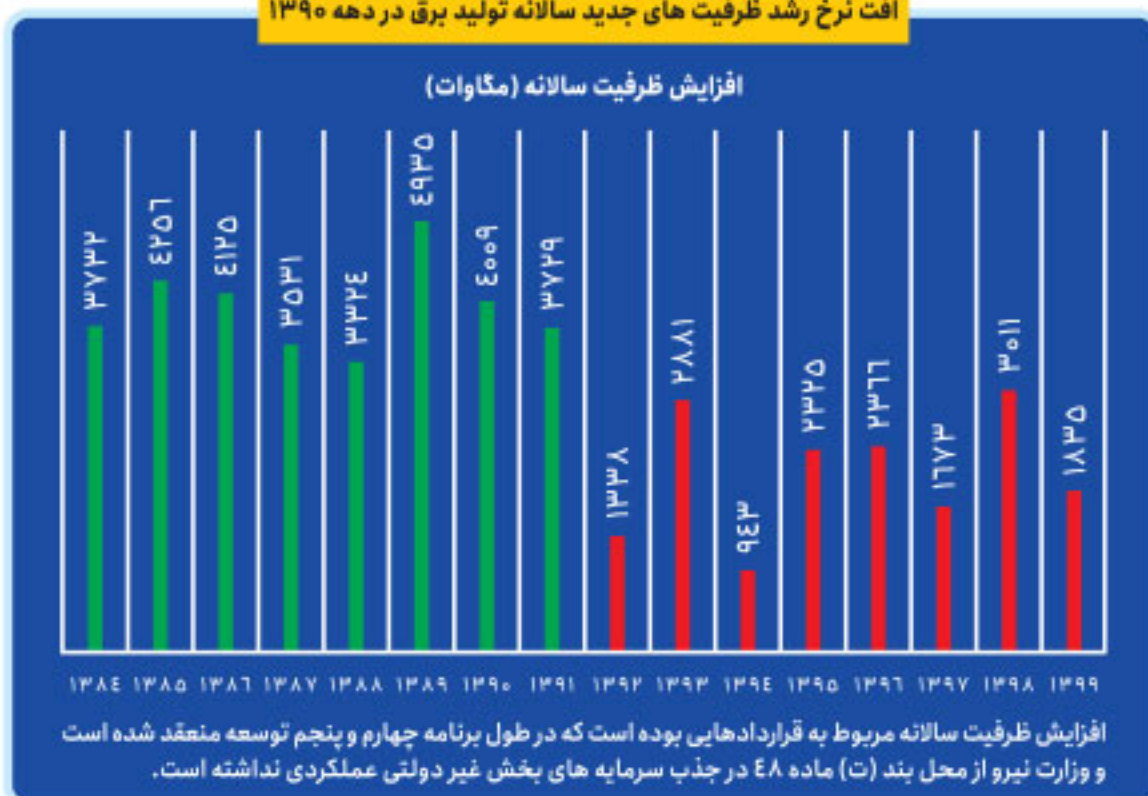
بخش خصوصی هوشمند است و در جایی سرمایه‌گذاری می‌کند که از ریسک کمتری برخوردار باشد. از این رو تا جذابیت برای این بخش ایجاد نشود و توجیه اقتصادی نداشته باشد، بخش خصوصی در تولید برق سرمایه‌گذاری نخواهد کرد

محمد عباسی

تصویر وضع موجود روندهای سرمایه گذاری



افت نرخ رشد ظرفیت های جدید سالانه تولید برق در دهه ۱۳۹۰



سهم بخش خصوصی از افزایش ظرفیت سالانه تولید برق

سال	افزایش ظرفیت (مگاوات)	سهم بخش خصوصی (از ظرفیت) (درصد)
۱۳۹۵	۲۳۲۶	۶۵
۱۳۹۶	۲۳۶۵	۵۵
۱۳۹۷	۱۶۷۳	۸۴
۱۳۹۸	۳۰۳۹	۷۹
۱۳۹۹	۱۸۰۷	۹۰

عمده افزایش ظرفیت تولید برق در سالیان اخیر توسط بخش خصوصی بوده است که به پروژه های برنامه چهارم و پنجم توسعه مرتبط است. در برنامه ششم توسعه قرارداد جدیدی توسط بخش خصوصی بسته نشده است.

پیش بینی تامین برق کشور تا افق ۱۴۰۰

حداکثر نیاز مصرف هم زمان کل کشور در طی سال های ۱۴۰۵ - ۱۳۹۰

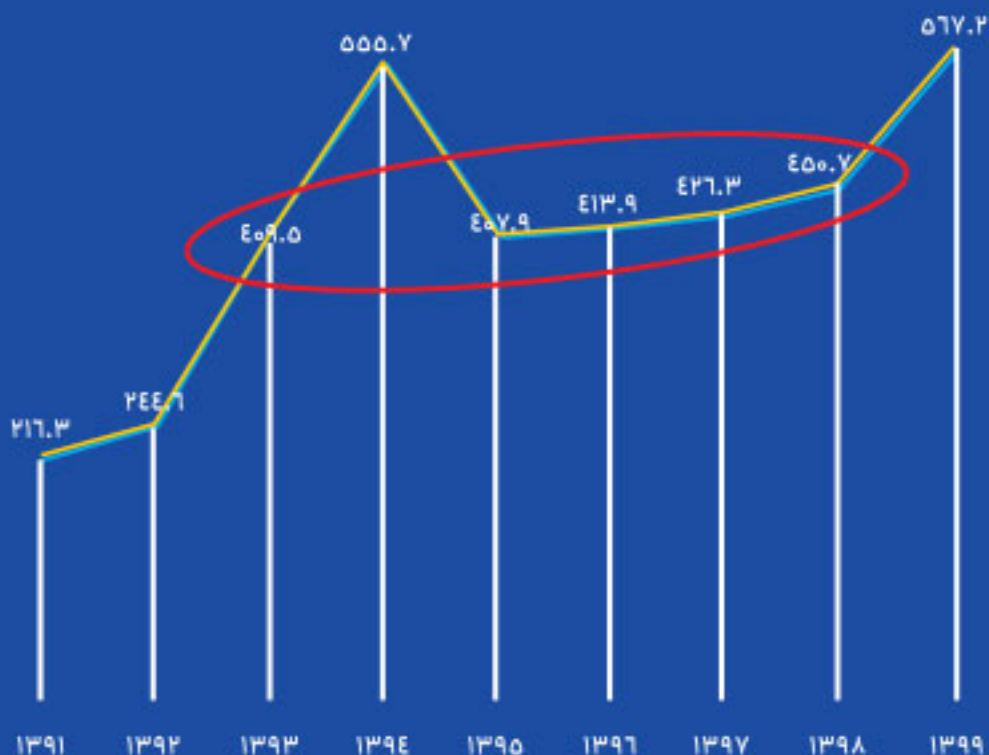
مملکت	برآورد									
	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱	۱۴۰۲	۱۴۰۳	۱۴۰۴	۱۴۰۵
حداکثر نیاز مصرف هم زمان کشور	۵۵۵۹۷	۵۷۳۶۴	۶۰۱۸۵	۶۳۴۰۷	۶۶۳۴۴	۶۹۲۵۴	۷۲۲۹۰	۷۵۳۸۷	۷۸۵۶۳	۸۱۸۳۱

برآورد عرضه برق کشور تا سال ۱۴۰۵ براساس سناریوی رشد سالانه به میزان متوسط رشد سال های برنامه ششم توسعه (هر سال ۲۳۲۶ مگاوات)

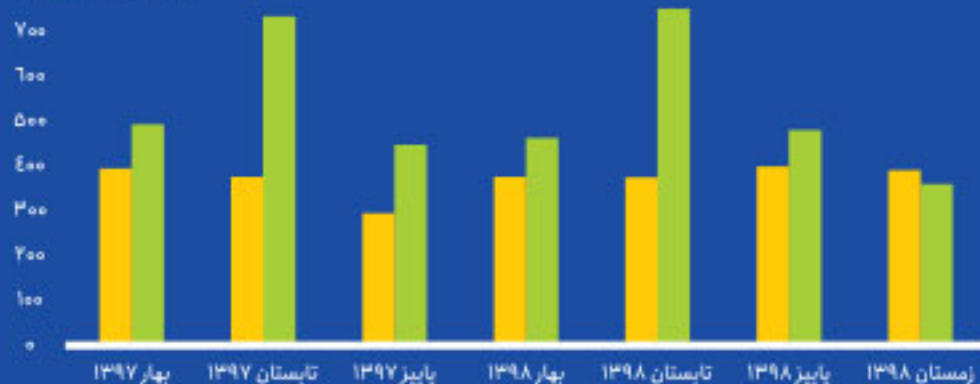
مملکت	برآورد									
	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱	۱۴۰۲	۱۴۰۳	۱۴۰۴	۱۴۰۵
ظرفیت مرزیه برق کشور	۷۸۷۹۴	۸۰۴۶۷	۸۳۵۰۶	۸۵۳۱۳	۸۷۵۳۴	۸۹۷۵۵	۹۱۹۷۶	۹۴۱۹۷	۹۶۴۱۸	۹۸۶۳۹

توان تولید همزمان این ظرفیت حداکثر ۶۹۰۰۰ مگاوات است. با این روند پیش بینی می شود در سال ۱۴۰۵ بیش از ۱۲۷۰۰ مگاوات خاموشی خواهیم داشت.

متوسط نرخ خرید برق بدون سوخت نیروگاه های حرارتی (ریال بر کیلووات ساعت)



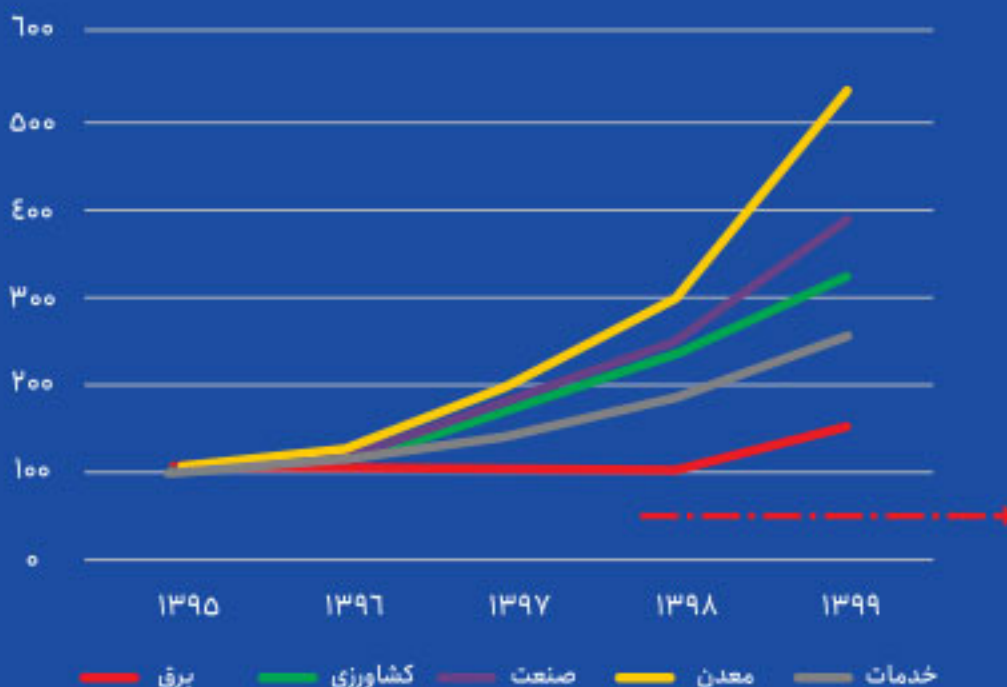
ریال بر کیلو وات ساعت



منبع: گزارش های فصلی شرکت مدیریت شبکه برق ایران

قیمت های بورس انرژی همواره کمتر از بازار عمده فروشی برق بوده است.

شاخص قیمت تولیدکننده
مبلغ دریافت شده توسط تولیدکننده از خریدار
۱۳۹۵ = ۱۰۰

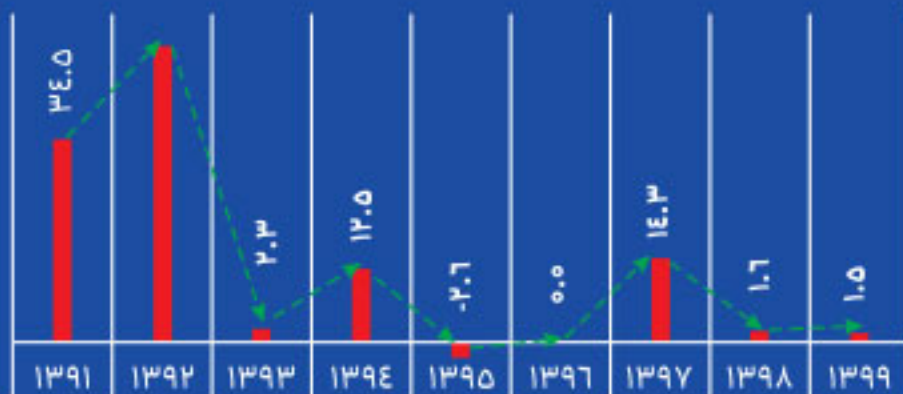


منبع: مرکز آمار ایران

فرار سرمایه ها از صنعت برق به سایر صنایع و فعالیتهای خدماتی که روند قیمت فروش محصول در آن ها با تغییرات سطح عمومی قیمت ها در کشور تناسب و هماهنگی دارد.

نمودار ۴. رشد سهم نیروگاه های عضو سندیکای شرکت های تولید کننده برق از کل ظرفیت نیروگاه های حرارتی

درصد رشد



منبع: محاسبات گزارش





سازمان ملی شرکت های تولید کننده برق

شرکت های عضو سندیکای شرکت های تولیدکننده برق به ترتیب حروف الفبا

شرکت تولید نیروی برق خلیج فارس	شرکت افق انرژی طوس
شرکت تولید نیروی برق دماوند	شرکت افق توسعه انرژی خلیج فارس
شرکت تولید نیروی پرتو شمس تابان	شرکت انرژی تابان پویا
شرکت تولید نیروی جنوب شرق صبا	شرکت انرژی گستر جم
شرکت تولید نیروی جنوب غرب صبا	شرکت برق و انرژی پیوند گستر پارس
شرکت تولید و گسترش برق امیرکبیر	شرکت پرشیا فولاد
شرکت تولید و مدیریت نیروگاه زاگرس کوثر	شرکت تدبیر سازان سرآمد
شرکت تولیدی آراین ماهتاب گستر	شرکت تک نیرو
شرکت ساینا گستر پردیسان	شرکت توسعه برق و انرژی سپهر
شرکت سرمایه گذاری برق و انرژی غدیر	شرکت توسعه مسیر برق گیلان
شرکت سرمایه گذاری نیروگاهی ایران (سنا)	شرکت توسعه مولد نیروگاهی جهرم
شرکت صنایع برق و انرژی صبا	شرکت تولید انرژی برق شمس پاسارگاد
شرکت فرآب	شرکت تولید انرژی گستر قشم
شرکت قشم مولد	شرکت تولید برق پرند مینا
شرکت گهر انرژی سیرجان	شرکت قشم مولد
شرکت مدیریت انرژی امید تابان هور	شرکت تولید برق پره سر
شرکت معدنی و صنعتی چادرملو	شرکت تولید برق توس مینا
شرکت مولد برق کاسپین منطقه آزاد انزلی	شرکت تولید برق خوزستان غدیر
شرکت مولد برق یزد	شرکت تولید برق سنندج مینا
شرکت مولد نیروگاهی تجارت فارس	شرکت تولید برق شمس سرخس
شرکت مولد نیروگاهی هریس	شرکت تولید برق عسلویه
شرکت مولد نیروی خرم آباد	شرکت تولید برق غرب کارون مینا
شرکت نیرو آتیه صبا (سهامی خاص)	شرکت تولید برق گناوه
شرکت نیروگاه برق کارون	شرکت تولید برق ماهتاب کاسپین
شرکت نیروگاه جنوب اصفهان	شرکت تولید برق ماهتاب کهنوج
شرکت نیروگاه گازی فارس	شرکت تولید نیروی آذرخش
شرکت نیروگاهی سیکل ترکیبی کرمانیان	شرکت تولید نیروی برق آبادان

”

خاموشی‌های امسال علاوه بر این که موجب نارضایتی مردم شد، خسارات سنگینی را به صنایع کشور و اقتصاد ملی وارد ساخت. اگر چه مسئولان تامین برق این خاموشی‌ها را ناشی از عواملی نظیر خشکسالی، افزایش دما، گسترش مراکز تولید رمزارز و به تبع آن افزایش مصرف برق مطرح می‌کنند، اما باید گفت ریشه اصلی بروز این شرایط بحرانی برای صنعت برق نتیجه سیاست‌گذاری‌ها، رویکردها و برنامه‌ریزی‌های وزارت نیرو طی چند سال گذشته است چرا که موضوعاتی نظیر خشکسالی، افزایش دما و رشد سالانه مصرف، عواملی هستند که از قبل قابل پیش‌بینی بوده و پدیده جدیدی در کشور ما نیستند.

باید گفت که سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق طی سال‌های اخیر به روش‌های مختلف بروز بحران کمبود برق را به مسئولان وقت هشدار داده بود و خواستار تغییر رویه و بازنگری وزارت نیرو در سیاست‌های خود در حوزه صنعت برق شده بود. اما متأسفانه به این هشدارها توجهی نشد.

اینک که در ماه‌های اول شروع به کار دولت محترم سیزدهم قرار داریم، اعضای سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق به عنوان بخشی از خانواده بزرگ صنعت برق که نگران حال و آینده این صنعت پایه هستند، وظیفه خود می‌دانند ریشه‌های عوامل پدید آمدن این شرایط بحرانی را آسیب‌شناسی و شفاف‌سازی کنند و با ارائه راه‌های عملی، زمینه‌های خروج از این شرایط ناگوار را فراهم سازند.

در این ویژه‌نامه تلاش شده است با انعکاس دیدگاه‌های شماری از خبرگان صنعت برق و چهره‌های صاحب نظر، ضمن واکاوی و ریشه‌یابی مشکلات موجود، راه‌های برون‌رفت از این شرایط نیز پیشنهاد شود. امید که حاصل این تلاش مورد توجه سکانداران این صنعت در دولت و مجلس محترم قرار گیرد.

“



سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق